



دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

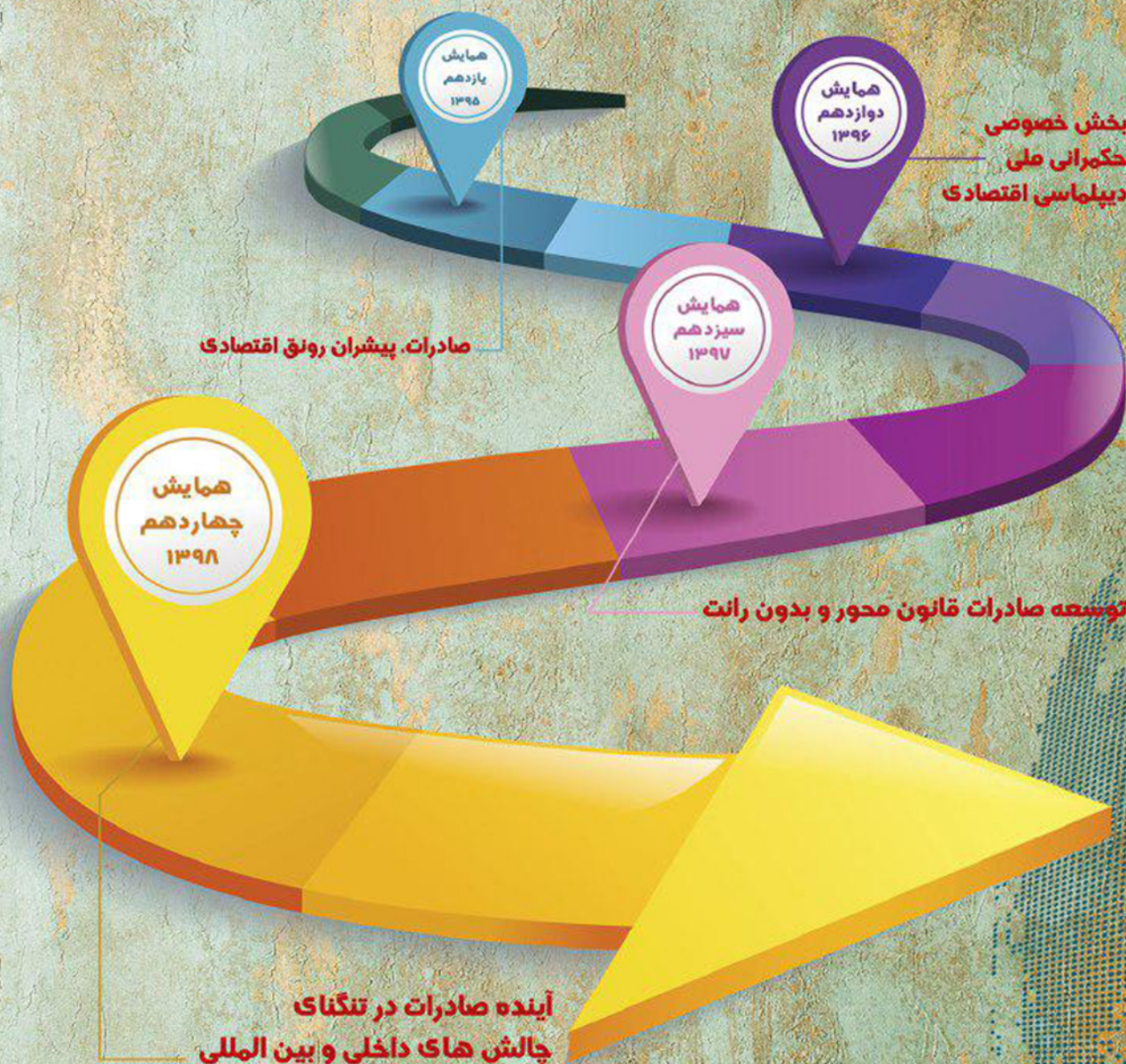
۸۴ صفحه

آذرماه ۱۳۹۸

قیمت ۳۰/۰۰۰ تومان

۳۷

The World of Energy Magazine



چهاردهمین همایش سالانه اتحادیه

صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

۲۴ دی ماه ۱۳۹۸ - هتل ارم تهران

MOTOR OIL **Express**

PETRONIKAN ALBORZ COMPANY

BASE OIL . MOTOR OIL . HYDRAULIC OIL . GEAR OIL



www.expressmotoroil.com

کرج، میدان مادر، بلوار دانش آموز
ساختمان سوپر استار طبقه سوم، واحد ۱۱



Karaj, Madar square, danesh amooz
Boulevard, super star building,
3rd stair, number 11



026- 32756252-34275280

Motor Oil Company

Rahravan

www.Rahravanoil.com



تولید کننده روغن های پایه به روش تقطیر در خلاء



عنوان ماده اولیه تولید روغن های مختلف از جمله روغن موتور، سیالات هیدرولیک، روغن گردش، صنایع نساجی، روغن محافظ و مصارف عمومی، روغن دنده خودرو و صنعتی و... کاربرد دارد.

روغن های SN350، SN500، SN650 :

این نوع روغن به عنوان یکی از مرغوب ترین روغن پایه که در تولید روغن های مختلف از جمله روانکارهای صنعتی، انواع روغن موتورهای مونیو گرید بنزینی-دیزلی، واسکازین، گریس، روغن صنایع لاستیک سازی، روغن ماشین ابزار، روغن ماشین آلات سنگین راه سازی کاربرد دارد.

شرکت روغن موتور رهروان با اتکا به جایگاه اعتبار و سابقه درخشان در سال ۱۳۸۴ تاسیس و با هدف تولید روغن پایه با کمیت و کیفیت مناسب و قابل قبول و با بهره گیری از فن آوری های جدید و توسعه سطح علمی و ارتقاء آن جهت دسترسی به بازار های داخلی و خارجی در استان گلستان شهرستان گنبد کاووس فعالیت خود را آغاز نموده است. محصولات این شرکت شامل SN100، SN150، SN350، SN500، SN650 می باشد که مصارف متفاوتی دارد.

انواع روغن های SN150 و SN100 :

این نوع روغن ها که از لحاظ حجمی مهمترین جز تشکیل دهنده روانکارها می باشند و در بازار داخلی به

کارخانه : گلستان / گنبد کاووس / جاده داشلی برون / شهرک صنعتی / خیابان سرو ۹

کدپستی: ۴۹۷۷۱۸۱۷۳۸ تلفن: ۳ - ۹۸ ۱۷ ۳۳۲۸ ۷۱۰۱ فکس: ۹۸ ۱۷ ۳۳۲۸ ۷۰۴۴

Email : info@Rahravanoil.Com

www.Rahravanoil.Com



شرکت فراشیمی روز

FARASHIMIROOZ

هدف ما تامین رضایت مشتریان و پاسخگویی به نیاز آنها
می باشد شرکت فراشیمی روز به دنبال روابط طولانی مدت
و پایدار با مشتریان خود می باشد



فعالیت ها و امکانات شرکت به شرح زیر می باشد

- صادرات روغن پایه / روغن
- صادرات بیش از ۳۰/۰۰۰ تن قیر ماهانه به صورت فله و بشکه
- بسته بندی مظروف سازی ۲/۰۰۰ تن قیر بصورت روزانه
- مخازن با ظرفیت ذخیره سازی ۱۶۰۰۰ تن در بندر عباس و ۷۰۰۰ تن در بوشهر
- تنها شرکت با کشتی های حمل و نقل دریائی بالک با وسایل گرم کننده تا ۱۳۰ درجه
- ارسال زمینی و دریایی محموله از طریق کشتی های تحت مالکیت و اجاره شده توسط ما

شرکت فراشیمی روز

تهران ، بلوار نلسون ماندلا (آفریقا)، نرسیده به مدرس، پلاک ۲۴۴، برج اداری الهیه
طبقه ۵، واحد ۵۰۵ تلفن: ۲۶۲۱۲۸۵۹ فکس: ۲۶۲۱۲۹۸۹

www.farashimirooz.com
info@farashimirooz.com





تولید کننده انواع روغن پایه گروه I⁺ برای اولین بار در ایران



www.ravansazanoil.com

(مزیت رقابتی محصولات)

یکی از مهمترین نقاط مثبت محصولات این شرکت شاخص گران روی یا به اصطلاح مصرف کنندگان روغن پایه (VI)، که حداقل پنج شماره از روغن های ورژن سایر شرکت ها بالاتر می باشد. از دیگر نقاط قوت این شرکت رنگ روشن و سولفور پایین می باشد که روغن بدون بو آن گواهی بر این مزیت دارد. مهمترین مزیت محصولات این شرکت پایین بودن عدد تبخیر روغن پایه است.

دفتر مرکزی: تهران خیابان بهشتی خیابان اندیشه خیابان اندیشه دوم شرقی پلاک ۲۵ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۲۳۰۳

واحد تولیدی: قزوین جاده اشتهارد خیابان جرم سازی کارخانه روان سازان اطلس

09218033196 09383840326



Produced by Taktaz Shimi Sanat Co

Chairman of the Board Gholamreza Behzadi
Phone +98 26 33553720 Fax +98 26 33517459
Cell Phone +98 912 1694707 Central office Unit 3th,
2th Floor, Iranzamin Bldg, next to Tejarat Bank, Isfah Blvd,
Dezakh St, Karaj, Iran

Commercial manager Behzad Behzadi
Phone +98 21 88100245 +98 21 88100344
Fax +98 21 88460719 Cell phone +98 912 1270095
Email B_Behzad72@yahoo.com



شرکت روغن موتور ایران در سال ۱۳۳۹ تأسیس شد و از سال ۱۳۵۷ پالایشگاه جدید خود را با بهره گیری از تکنولوژی روز دنیا در منطقه کهریزک راه اندازی نموده است. محصولات این شرکت عبارتند از انواع روغن موتور، روغن پایه، انواع روغن دنده، روغن های موتور سیکلت ۲ و ۴ زمانه، انواع روغن های صنعتی، مایع ترمز، انواع مکمل روغن و بنزین، ضد یخ اتومبیل، ضد یخ گازوئیل، مکمل رادیاتور، انواع گریس، قوطی فلزی، چاپ ورق فلزی، حلال صنعتی و انواع فرآورده های نفتی دیگر.

Iran Motor Oil Company established in 1960 in Tehran, with utilization of modern technologies the new refinery was established on 1979 to its present location at Kahrizak region. Production of different kind of Engine Oils, base oils, Gear Oils, Two and Four Stroke Motor Oils, Industrial oils, Brake Fluids, Oil and Gasoline Treatments, Car Anti freezes, Diesel Anti freezes, Radiator Treatments, Greases, Metal Cans, Metal Sheet Printing, Industrial Solvents and all kind of petrochemical products are carrying out in this factory.



Tel: 22666501-3 Fax: 22666162
E-mail: info@iranmotoroil.com
Website: www.iranmotoroil.com

کارگزاری بانک دی، همگام با توسعه صادرات فرآورده های نفتی



کارگزاری بانک دی در سال جاری به عنوان عضو فرعی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران انتخاب گردید . ماهنامه دنیای انرژی گفتگویی را با آقای فردین آقا بزرگی مدیرعامل و نائب رئیس هیات مدیره کارگرای بانک دی انجام داد. دراین گفتگو آقابزرگی ضمن شناخت بازارها و آینده آن در حوزه کالا وانرژی به ذکر خدمات این شرکت در بازارسرمایه و خدمات قابل ارائه با شرکت های پائین دستی صنعت نفت گاز و پتروشیمی پرداخت که در ادامه می آید:

مختصاتی از شرکت کارگزاری بانک دی و خدمات آن دربخش کالا و انرژی ارائه فرمائید:

شرکت کارگزاری بانک دی با سرمایه ۲۰۰میلیارد ریالی و سهامداری ۹۸ درصدی متعلق به بانک دی دارای رتبه الف اوراق و کلیه مجوزهای کالایی و انرژی برای ارائه خدمات کارگزاری به مشتریان در این حوزه ها دربازارسرمایه می باشد. این شرکت با عملکرد خوب خود توانسته است در حوزه اوراق حائز تشویق هایی از سوی کمیته پایش ریسک سازمان بورس و اوراق بهادار در ارائه اعتبارات به مشتریان باشد. درحوزه بورس کالا هم تلاش نموده ایم با توجه به محدودیت های موجود بازار و نیز تهدیدات بین المللی در عرضه رقابت با رقبا گام برداریم و به همین دلیل هم عضو اتحادیه نفت گاز و پتروشیمی شده ایم. در مدت عضویت این شرکت درآن اتحادیه مدیرواحد کالای این شرکت آقای دکتر بیات منش توانسته است ارتباط خوبی با بسیاری مدیران شرکت های عضو داشته باشد که درصددیم روابط کاری خود را با این شرکت ها گسترش داده و خدمات متقابل را داشته باشیم.

شرایط ارائه خدمات به شرکت های عضواتحادیه چیست؟

برای ارائه خدمات به شرکت های عضو اتحادیه باتوجه به پالایش اولیه و فیلتر عضویت که از سوی اعضا برای عضویت صورت می پذیرد ارائه برخی خدمات ویژه امکان پذیر می گردد. خدمات ویژه کارگزاری ارائه تسهیلات اعتباری جهت خرید مواد اولیه و تولید و نیز کمک به عرضه مناسب محصولات و نیز کمک به ارائه برخی بازارهای صادراتی از طریق بورس کالا می باشد. در بورس انرژی هم در حال توسعه کريدورهاى

صنایع نفت، گاز و پتروشیمی.

تاثیرگذاری در مدیریت بازار نفت و گاز جهان و استفاده از موقعیت ژئوپولتیک کشور در حمل و انتقال نفت خام و فرآورده های آن، گاز طبیعی، مواد پتروشیمی و معاوضه نفت خام برای تصفیه در پالایشگاه های کشور تمرکز بر ایجاد زیرساخت های لازم توسعه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و صنایع انرژی بر در مناطق مستعد کشور با اولویت سواحل و جزایر شمال خلیج فارس.

بهبينه سازی مصرف همراه با کاهش شدت انرژی مصرفی در تمامی بخش های اقتصادی کشور

سرمایه گذاری از طرف ایران در بخش های نفت، گاز و پتروشیمی در خارج از کشور.

دراین راستا خدمات ویژه واحد کالای کارگزاری بانک دی کمک به توسعه این اهداف در زیر سایه شرایط صنایع پائین دستی نفت گاز و پتروشیمی در کشوراست.

شرایط چگونه است؟

به عنوان مثال اهداف کلان سند چشم انداز پتروشیمی در افق ۱۴۰۴ عبارت بوده اند از:

اولین تولید کننده مواد و کالاهای پتروشیمی، دستیابی به ظرفیت ۱۲۶ میلیون تن در سال، دستیابی به سهم ۳۴ درصدی از ارزش ظرفیت محصولات عمده پتروشیمی در خاورمیانه، دستیابی به سهم ۳/۶ درصدی از ارزش ظرفیت محصولات پتروشیمی در جهان ، مزیتهای رقابتی صنعت پتروشیمی در ایران، دسترسی به منابع غنی گاز و میعانات نفتی با قیمت رقابتی مناسب، دارا بودن سواحل مناسب برای ساخت بنادر صادراتی، قرار گرفتن منابع گازی خوراک پتروشیمی در سواحل خلیج فارس، موقعیت جغرافیایی مناسب به لحاظ نزدیکی به بازارهای آسیا از جمله چین ، هندو اروپا از طریق ترکیه، جمعیت کشور به لحاظ ظرفیت های تقاضای داخل و مصرف کم سرانه مواد پلیمری نسبت به استانداردهای بین المللی، رژیم مالیاتی مناسب و سازگار جهت صادرات (معافیت های صادراتی) و نیروی کار تحصیلکرده، جوان و ارزان برای کار در طرح های جدید این صنعت

نقاط قوت:

وجود پتانسیل سود آوری ، دارایی ها و جریانات نقدی، وجود نیروهای توانمند ، متخصص و با تجربه، وجود پتانسیل بالقوه مدیریت تامین زنجیره ارزش، تنوع و حجم بالای تولیدات، قابلیت هم افزایی در ابعاد مختلف، برخورداری از امکانات، زیر ساخت ها وابزارهای مناسب، قابلیت بالای جذب سرمایه و سرمایه گذاری

تهدیدات:

کاهش قیمت جهانی نفت و محصولات پتروشیمی، جنگ تجاری مشتریان خارجی با رقبایشان که به افزایش تعرفه متقابل و کاهش قیمت هات منجر می شود، تحریم های ظالمانه علیه کشورمان، رانت و انحصارگرایی داخلی در حوزه خوراک و یا ارز، ضعف قوانین برای دور زدن ان جهت منتفع شدن شرکت ها از معافیت های خاص از جمله مالیاتی، گمرکی و تعهدات ارزی، عدم شفافیت برخی شرکت ها در ارائه صورت های مالی، سخت گیری نهادهای بالادستی از جمله وزارت نفت و بانک مرکزی، سازمان امورمالیاتی و گمرک و بورس کالا وانرژی، معاملات صوری دربورس کالا برای اخذ معافیت های خاص

رکود اقتصادی ناشی از نوسانات نزولی ارز، قیمت گذاری غیرواقعی محصولات قابل عرضه

چه خدمات ویژه ای به اعضای اتحادیه ارائه می نمائید؟

امکانات شرکت کارگزاری بانک دی برای شرکت های عضو اتحادیه اپکس عبارتند از:

برنامه ریزی ومشاوره تحقق اهداف مالی شرکت های تولیدی در حوزه نفت وگاز و تامین مالی از طریق بورس مطالعه درسطح بین المللی برای ظرفیت های صادراتی برای صادرات محصولات شرکت های تولیدی ارائه مشاوره تخصصی درخرید مواداولیه شرکت های تولیدی از بورس کالا وانرژی رایزنی با بورس کالا برای عرضه و یا خرید محصولات از بورس کالا با شرایط مناسب

کمک به توسعه بازارهای صادراتی شفاف و امن از طریق بورس کالا

کمک به کاهش هزینه های مالیاتی از طریق فعالیت در بورس کالا

مشاوره درخصوص فعال کردن ظرفیت های بالقوه شرکت های تولیدی از طریق مشاوره های مالی برنامه ریزی در جهت عرضه تولیدات در زمان مناسب در بورس کالا و با قیمت قابل معامله مشاوره عمومی و کمک به ایجاد زنجیره مالی ارزش تامین کالا و عرضه و یا صادرات محصول برای

شرکت های تولیدی معتبر، کمک به توانمند سازی بخش خصوصی برای افزایش تولیدات و فروش و سایرخدمات مالی و کارگزاری قابل ارائه در بازار سرمایه

به نظرشما آینده بازارهای کالا و انرژی درایران و سطح بین الملل چگونه خواهدبود و میزان عرضه و تقاضا چه دامنه ای نسبت به شرایط فعلی خواهد داشت و وضعیت کشور ایران و شرکت های ایرانی چگونه خواهدبود؟

بنده آینده را مثبت ارزیابی می نمایم و معتقدم آینده با کمک از درس های گذشته بهتر و بهتر خواهد بود. ضعف موجود در مدیریت قوانین هم با تعامل شرکت ها و نهادهای حاکمیتی و شفافیت بیشتر شرکت ها بهبود خواهد یافت. درسطح بین الملل هم دنیا نمی تواند جایگاه قدرت اقتصادی و تولیدی ایران را نادیده بگیرد همانطور که هر نیرویی بالاخره جایگاه گذشته خود را با اتکا به توانمندی گذشته و رشد قدرت خود محفوظ خواهد داشت درتعامل با دنیا شاهد عقب نشینی کشورهای نفتی در حوزه سیاست هستیم که در اقتصاد هم متجلی خواهد شد.

چشم انداز بازار بورس کالا و انرژی و شرایط فعالیت شرکت های نفت گاز و پتروشیمی در ایران را چگونه پیش بینی می نمائید؟

باتوجه به شناخت بنده و نیز تعامل سازنده بورس کالا و هدف این بورس به نظر شکی در رشد جایگاه و تعامل بورس کالا و این شرکت ها درآینده نزدیک نیست و قطعاً این همکاری ها بسیار توسعه بیشتری خواهد یافت.

با توجه به نوسانات نرخ ارز به نظر شما بازار به ثبات خواهد رسید؟ درمورد چگونگی خدمات به شرکت ها و خدمات ویژه بااولویت شرکت های مراجعه کننده بیشتر توضیح بفرمائید:

نوسانات نرخ ارز هم با توجه به سیگنال های کلان دراقتصاد بیانگر ثبات نسبی در آینده است و قطعاً نوسانات تابع تصمیم مدیران اقتصادی خواهد بود که بسته به کارائی مدیریت ایشان ثبات محفوظ خواهد ماند. در پایان از مصاحبه با شما خوشحالیم و امیدواریم شرکت های عضو اتحادیه نفت گاز و پتروشیمی با کارگزاری بانک دی مسیر توسعه خود را با اطمینان خاطر و آرامش متقابل به پیش ببرند.

من هم به نوبه خود از شما سپاسگزاری می نمایم که ارتباط بین شرکت ها و کارگزاری را به این وسیله فراهم می آورید. موفق باشید.

آدرس: تهران خیابان ولیعصر ابتدای خیابان

مطهری خیابان منصور پلاک ۶۶

تلفن: ۰۲۱۴۱۶۸۴۵۰۰ و ۵۰۱



پایب جشنواره

با قیمت پارسال

کاشت مـ و و ابـ و رـ

از تاریخ ۱۴ مهر تا ۳ آذر (شب یلدا ۱۳۹۸)



۲ ۲ ۲ ۲ ۱ ۰ ۰ ۰



نفت هرمزان

نفت هرمزان

HORMOZAN OIL

BITUMEN SUPPLIER

CONTACT US:

+982188828280

www.hormozanoil.com

واحد تولید

واحد شبکه سازی

آزمایشگاه و تجهیزات R & D

پایانه صادراتی



« صاحب امتیاز: اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی ایران

« مدیرمسئول: دکتر سیدحمیدحسینی

« سردبیر: امیر عباس امامی

« شورای سیاست گذاری: سیدحمید حسینی، سعید رفیعی فر، احمد صرامی، مرتضی فیروزی، رضا مدبر

« دبیر سرویس بخش انگلیسی: یوسف پورغفار

« همکاران این شماره: هادی ابراهیمی، مهسا معیری، نادى صبورى، سمیه مهدوی، مریم علیزاده،

سهراب صالحین، مرتضی هاشمی، سارا مالکی، و...

« سازمان آگهی‌ها: سولماز فرهادی ۵ - ۸۸۵۰۸۲۵۱

« صفحه آرایی: محمدسیدی

« چاپ و لیتوگرافی: رنگین گستر - ندای ایران

« طرح جلد و نظارت چاپ: کانون تبلیغاتی سیما تک نوین

« مقالات، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های ارائه شده در ماهنامه دنیای انرژی لزوماً مورد تایید اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران نیست.

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

آذر ماه ۱۳۹۸

۳۷

the World of Energy Magazine



اندر احوال اصلاح قیمت حامل‌های انرژی



دکتر حمیدحسینی « مدیرمسئول

دولت درحال تدوین بودجه سال ۹۹ میباشد و تحریم‌ها، صادرات نفت کشور را به حداقل رسانده و صادرات غیر نفتی را دشوار و پرهزینه نموده است. در این شرایط دولت برای تامین بودجه مجبور شده است که اصلاحات ساختاری را در دستور کار قرار دهد و در این راستا درصدد گسترش پایه‌های مالیاتی، حذف معافیت‌های مالیاتی، کاهش بودجه نهادها و ارگانها، اصلاح قیمت حاملهای انرژی و چابک سازی دولت برآمده است. مرحله سوم ”هدفمندی یارانه‌ها“ در این رابطه عملیاتی شد و پس از آن موجی از انواع انتقادات توسط جریان‌ات سیاسی، نمایندگان مجلس واصحاب رسانه به این تصمیم صورت گرفت، با وجود اینکه اغلب کارشناسان بر ضرورت واقعی کردن قیمت حامل‌های انرژی اذعان دارند و قانون برنامه ششم نیز دولت را مکلف نموده که تا سال ۱۴۰۰ قیمت فرآورده‌های نفتی را به ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج فارس افزایش دهد ولی شرایط فعلی کشور و زمان را برای اجرای هدفمندی یارانه‌ها مناسب ندانسته و تصمیم اتخاذ شده را تخطئه می‌نمایند. عده‌ای نیز به شیوه اجرا و نحوه اطلاع‌رسانی طرح نقد دارند، گروه‌سومی نیز هستند که پرداخت یارانه نقدی را پوپولیستی دانسته و از تبعات تورمی آن نگران هستند . در ایران با وجود اینکه سهم مسکن و مواد غذایی در سبد مصرف‌خانوار بیشتر از بنزین میباشد و این اقلام با نرخ واقعی و آزاد عرضه میگردد، ولی حساسیت به قیمت دلار و بنزین بسیار بالاست ولذا دولت و مجلس هیچکدام حاضر نیستند مسئولیت افزایش قیمت بنزین را به عهده گیرند، خوشبختانه در شرایط فعلی با تشکیل ”شورای سران قوا“ امکان اتخاذ تصمیمات سخت و ”اصلاح ساختار اقتصاد“ کشور فراهم شده است و حمایت رهبری از مصوبات این شورا بر اعتبار و باورپذیری آن افزوده است . تصمیمات با موافقت قوای سه‌گانه که هرکدام بخشی از نیروهای سیاسی کشور را نمایندگی می‌نمایند اتخاذ میگردد و برای عبور از تحریم‌های هوشمند کارساز میباشد، تصمیم سهمیه‌بندی و افزایش قیمت حاملها با احتیاط فراوان گرفته شد و تلاش شد که همه عوارض جانبی آن دیده شود و با پرداخت منابع حاصله به مردم، تبعات منفی آن به حداقل تقلیل یابد. در فضای هیجانی واحساسی کنونی دفاع از افزایش قیمت حامل‌های انرژی کاری سخت و دشوار میباشد ولی با توجه به توزیع منابع حاصل از افزایش قیمت بنزین بین ۱۸ میلیون خانوار ایرانی، انتقادات در حال فروکش کردن میباشد و افزایش قیمت سایر اقلام که ناشی از فضای روانی میباشد در حال کنترل شدن میباشد و اکنون میتوان در فضایی علمی ومنطقی برندگان و بازندگان این تصمیم را ارزیابی کرد:

الف -بازندگان افزایش قیمت:

۱ - اقشار مرفه وصاحبان چند خودرو

۲ - قاچاقچیان سوخت

۳ - واردکنندگان کالای قاچاق از محل ارز قاچاق سوخت

۴ - اقشار متوسط جامعه که به اقتضا شغلشان مصرفی بیش از ۶۰ لیتر دارند

۵ - عموم مردم به علت افزایش حداقل ۴ درصدی قیمت‌ها و رشد تورم ناشی از این تصمیم بر اقتصاد کشور(طبق اعلام ریاست بانک مرکزی)

ب - برندگان این تصمیم:

۱ - اقشار محروم جامعه که فاقد خودرو هستند و از محل این افزایش قیمت، یارانه اضافه دریافت میکنند(۵۰ درصد جامعه فاقد خودرو میباشد)

۲ - مردم، شهرداری‌ها وسازمان محیط محیط زیست به علت کاهش ترافیک، بهبود محیط زیست و کاهش احتمالی آلودگی هوا

۳ - دولت با توجه به کاهش شدت مصرف انرژی، نیازی به سرمایه‌گذاری برای احداث پالایشگاه جدید یا واردات بنزین نخواهد داشت.

۴ - تامین بخشی از کسر بودجه دولت، با توجه به تولید روزانه ۱۱۵ میلیون لیتر بنزین در کشور وتوزیع ۶۰ میلیون لیتر آن از محل کارت سوخت

و ۲۰ میلیون لیتر با نرخ آزاد و امکان صادرات روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین که میتواند ۴۵ هزار میلیارد تومان درآمد برای دولت ایجاد نماید.

اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفتی که همیشه از اقتصاد شفاف ورقابتی دفاع نموده است، امیدوار است که در اصلاح ساختار غلط اقتصاد کشور

فقط به افزایش قیمت حامل‌های انرژی اکتفا نگردد و همزمان با اجرای طرح جامع مالیاتی، بهبود فضای کسب وکار، کاهش هزینه‌های دولت، کنترل

بودجه نهادهای غیرموثر در تولید ناخالص ملی، تشدید اقدامات دیپلماتیک و کاهش مرحله‌ای تعهدات برجامی از این بحران عبور کنیم.

استرداد ارزش افزوده صادرات

صفحه ۸

تعددسازمان‌های متولی تولید، چالش اصلی صادرات غیر

صفحه ۱۲

آسیب‌شناسی تحولات اخیر درعراق

صفحه ۲۲

انجمن اپک

صفحه ۳۲

بازی متصفانه یا همکاری فراتر از خودخواهی

صفحه ۴۲

دو پلان و یک برداشت از سیمای صنعت برق

صفحه ۵۰

۱۰ تکنولوژی برتر سال ۲۰۱۹ که دنیا را برای همیشه تغییر خواهد داد

صفحه ۵۸

استار تاپ‌های حوزه انرژی

صفحه ۶۰

Oil Prices Fall As EIA Reports Crude, Gasoline And Distillate Build

صفحه ۶۵

Chinese And Emirati Firms to Bid On Brazilian Refineries

صفحه ۷۳

تهران - خیابان دکتر بهشتی، خیابان مفتح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰، طبقه اول

WWW.OPEX.IR

MAIL@OPEX.IR

88508250

88511611

بازار نفت در کشور قوس مقررات بانکرینگ



رضا مدیر قمی
کارشناس ارشد نفت و انرژی

جدید IMO را موردانتقاد قرار داده‌اند که نفت کوره را از کشتیرانی دور می‌کند ولی جذب صنایع تولیدی و به‌ویژه صنعت برق می‌شود که نزدیکی بیشتری با مراکز تجمع انسانی دارد. اینک با نزدیک شدن سال میلادی جدید واکنش‌ها و تحرکات نسبت به استاندارد جدید بیشتر شده است. برخی تعویق موعد اجرای آن را خواستار شده‌اند که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها دولت آمریکا می‌باشد. دولت ترامپ واقف است که افکار عمومی آمریکا نسبت به قیمت بنزین حساس است و مایل نیست در سال انتخابات چنین عواملی که به‌وضوح بهای فرآورده‌های نفتی را به بالا سوق می‌دهد، مطرح شود. پیش‌بینی می‌شود با اجرای این مصوبه، قیمت نفت کوره سولفور بالا (HSFO) شدیداً کاهش یابد و در مقابل بهای فرآورده‌های میان تقطیر به‌ویژه گازوئیل افزایش یابد. در برابر این مقررات با

این فرض‌ها که به تعویق نیفتد و تا حد زیادی اجرایی شود که البته شروطی هستند که زیاد هم قابل‌اتکا نیستند، شرکت‌های کشتیرانی و پالایشگاه‌ها دو سه راه در پیش دارند. یا باید سوخت کم سولفور مصرف کنند، یا فیلتر (اسکرابر) برای کشتی‌ها نصب کنند و یا آنکه به سوخت‌های غیرنفتی نظیر LNG اقبال نمایند.

اولین راه‌حل که به‌ظاهر ساده‌ترین راه به‌حساب می‌آید ولی در باطن چالش زیادی دارد، تغییر سوخت از HSFO به VLSFO (نفت کوره که خیلی کم سولفور) است. اشکال این مورد آن است که عرضه نفت کوره کم سولفور بسیار محدود است و به‌جای آن بایستی از فرآورده‌های میان تقطیر مانند گازوئیل دریایی (marine gasoil) استفاده کنند که ترکیب آن شبیه دیزل مورد مصرف خودروها و کامیون‌ها است و بهای آن در شرایط نرمال بسیار بالاتر از نفت کوره است؛ بنابراین در شرایطی که لازم باشد تقاضا به سمت این فرآورده انتقال یابد، قیمت آن از سطح معمول گران‌تر هم خواهد شد.

IEA پیش‌بینی کرده است که بخش اعظم رعایت مقررات جدید به‌صورت روی آوردن به سوخت‌های کم سولفور خواهد بود و البته تأکید می‌کند که پالایشگران برای ارائه سوخت‌های مطلوب سال‌ها وقت می‌خواهند. مطابق برآورد این نهاد معتبر بین‌المللی در زمینه انرژی، حتی در صورتی که مقررات جدید IMO به نحو مطلوب رعایت نشود تا آخر ۲۰۲۰ بهای خرده‌فروشی دیزل در پمپ‌بنزین‌ها ۲۰٪ به‌واسطه افزایش تقاضای این مقوله افزایش خواهد داشت. این امر ناشی از آن است که استاندارد تازه، یک‌میلیون بشکه از تقاضای HSFO را به دیزل کم سولفور منتقل خواهد کرد که به‌نوبه خود یکی از بزرگ‌ترین تغییرات در بازار فرآورده‌های نفتی در سال‌های اخیر است.

سازمان اوپک بر آورد کرده است که سیستم پالایشگاهی جهان باید حداقل ۴۰۰/۰۰۰ بشکه در روز کار کرد خود را افزایش دهد تا بتواند در سال ۲۰۲۰ استاندارد جدید IMO را عملی سازد، این توصیه در حالی صورت می‌گیرد که در حال حاضر بخشی از ظرفیت پالایشگاهی جهان بلااستفاده است

آقای راسل هاردی مدیرعامل شرکت سوئیسی ویتول که از دلان صاحب‌نام فرآورده‌های نفتی است در کنفرانس اخیر نفت و پول لندن تحولات کوتاه‌مدت بازار را در این زمینه مورد اشاره قرارداد. ایشان تأکید کرد، بازار فرآورده‌های نفتی به‌واسطه نزدیک شدن به موعد اجرای مقررات IMO "جوگیر" شده است، به‌طوری‌که قیمت فرآورده‌های تحویل فوری و جلوتر خیلی بیشتر از انواع تحویل دور هنگام است و به‌اصطلاح اصحاب بورس، بازار در حالت "بک واردیشن" (Back Wardation) می‌باشد. وی معتقد است این فضا به نفع پالایشگران است و حدود یک سالی به طول خواهد انجامید. البته آشکارترین علائم بازار مبنی بر روی آوردن به سوخت‌های کم سولفور آن است که به‌تدریج تقاضا برای فرآورده "ته برج" (وکیوم باتوم) کاهش‌یافته، ولی درعین‌حال کرک‌های HSFO به‌ویژه در ساحل خلیج مکزیک آمریکا قوی هستند. برخی فعالان بازار معتقدند HSFO آینده‌ای ندارد و قدرت فعلی آن آخرین نفس‌های فرآورده‌ای است که مصرف اصلی آن حمل‌ونقل دریایی است؛ بنابراین از یک‌سو شرکت‌های کشتی‌رانی مایل‌اند تا جای ممکن از سوخت ارزان‌تر استفاده کنند و هزینه‌های خود را کاهش دهند. از سوی دیگر پالایشگران با کمبود انواع نفت خام سنگین، ترش (با سولفور زیاد) که HSFO بیشتری تولید کند مواجه هستند که این امر با خروج نفت خام ایران و ونزوئلا تشدید شده است. تمرکز پالایشگاه‌ها عمدتاً بر آن است که سوخت دیزل کم سولفور تولید کنند تا تقاضای بازار حمل‌ونقل سال آینده را پاسخگو باشند. برخی از تجار معتقدند اروپا در حال حمل آخرین محموله‌های HSFO خود به آسیا می‌باشد و انتظار دارند صادرات HSFO از آمریکا نیز متوقف شود. آینده این فرآورده می‌تواند به‌صورت خوراک برای پالایشگاه‌هایی باشد که ظرفیت کوک‌سازی دارند ولی دسترسی به نفت خام‌های سنگین‌تر ندارند. همچنین این فرآورده می‌تواند برای سوخت کشتی‌های دارای فیلتر (اسکرابر) نیز استفاده شود. در کنفرانس اخیر "نفت و پول" لندن مطرح گردید که



شرکت‌های کشتیرانی و پالایشگاه‌ها دوسه راه در پیش دارند. یا باید سوخت کم سولفور مصرف کنند، یا فیلتر (اسکرابر) برای کشتی‌ها نصب کنند و یا آنکه به سوخت‌های غیر نفتی نظیر LNG اقبال نمایند

حدود ۴۰۰۰ کشتی در تعمیرگاه‌های مربوطه در انتظار نصب فیلتر (اسکرابر) هستند که کار آن‌ها تا سال ۲۰۲۱ طول خواهد کشید. این تحولات به همراه تحریم‌های اخیر آمریکا علیه شرکت‌های وابسته به هلدینگ کاسکو (COSCO) که بزرگ‌ترین شرکت کشتیرانی چین محسوب می‌شود، موجبات انقباض هر چه بیشتر بازار حمل‌ونقل کشتی‌ها را فراهم آورده است، ضمن آنکه قبل از آن‌هم قیمت‌های حمل افزایشی بود و رکوردهای جدید داشت.

دو سال قبل که قضیه HSFO مطرح شد، انتظار عمومی آن بود که گازوئیل می‌تواند بهترین جانشین آن باشد و لذا پیش‌بینی می‌شود که اختلاف قیمت این دو فرآورده (spread) زیاد شود. ولی حالامنابع پالایشگاهی و کشتیرانی می‌گویند ناوگان باری تا جایی که بتواند، سراغ گازوئیل دریایی نمی‌رود و از نفت کوره با سولفور بسیار کم استفاده می‌کند. این امر موجب می‌شود پالایشگاه‌های ساده‌تر سراغ خوراک شیرین (کم سولفور) بروند که به‌نوبه خود سبب می‌شود دیفرانسیل نفت خام‌های ترش و شیرین زیاد شود و درنهایت شرایطی فراهم آید که پالایشگاه‌های پیچیده بتواند نفت خام‌ترش را با تخفیف بیشتری خریداری نمایند و حاشیه رقابتی خود را افزایش دهند.

آثار و تبعات فرایند بر کار پالایشگاه‌ها

ولی تولید نفت کوره کم سولفور مستلزم تغییر عملیات پالایشگاهی است که می‌تواند میزان تولید سایر فرآورده‌ها را تغییر دهد. بعضی پالایشگران تقاضای بیشتر برای نفت کوره را از طریق سوق دادن بخشی از گازوئیل واکيوم خود برای تولید حجم بیشتری از بلندهای دریایی خیلی کم سولفور پاسخ گفته‌اند و از طریق معمول‌تر تبدیل آن به بنزین یا فرآورده‌های میان تقطیر بهره‌گیری نکرده‌اند.

این امر موجب شده است که میزان تولید این فرآورده‌های آن‌ها کاهش یابد. آقای تورنکوسیت مدیرعامل شرکت سوئیسی گان ور (Gunvor) که از شرکت‌های تجاری معظم نفت خام و فرآورده‌های نفتی محسوب می‌شود، در کنفرانس لندن گفت که تا آخر سال ۲۰۲۱ طول می‌کشد که بخش پایین‌دستی بتواند تقاضای سوخت کم سولفور را بدون تحت‌الشعاع قرار دادن تولید فرآورده‌های دیگر پالایشگاهی پاسخگو باشد. نهایتاً تأثیر مقررات IMO بر حاشیه سود پالایشگاهی کمتر از آنی خواهد بود که در ابتدا پیش‌بینی می‌شد. در بخش خوراک، اختلالات عرضه موجب می‌شود که قیمت نفت خام‌های ترش و سنگین تقویت شود، درحالی‌که

ادامه تولید نفت شیل در آمریکا بر نفت خام‌های سبک شیرین فشار وارد می‌کند که همه آن‌ها خلاف جهت شاخص‌های بنگاه‌های اقتصادی است که رو به کاهش دارند. از سوی دیگر، سازمان اوپک برآورد کرده است که سیستم پالایشگاهی جهان باید حداقل ۴۰۰/۰۰۰ بشکه در روز کارکرد خود را افزایش دهد تا بتواند در سال ۲۰۲۰ استاندارد جدید IMO را عملی سازد، این توصیه در حالی صورت می‌گیرد که در حال حاضر بخشی از ظرفیت پالایشگاهی جهان بلااستفاده است. در حال حاضر پالایشگاه‌های تازه‌ساز حوزه آسیا-پاسفیک با ظرفیت کامل کار نمی‌کنند و لذا ثابت بودن خوراک پالایشگاهی در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹

به معنی آن است که در سطح جهان ممکن است خوراک پالایشگاهی به‌سرعت و با حجمی قابل‌توجه افزایش یابد. برخی پیش‌بینی‌های اعلام‌شده در کنفرانس نفت و پول لندن حاکی از آن است که میزان این افزایش در سال آینده میلادی می‌تواند تا سطح ۳/۱ میلیون بشکه در روز برآورد شود.



مریم عزیزاده
خبرنگار دنیای انرژی

در سالی که رونق تولید نامگذاری شده، مسدود شدن بخشی از سرمایه در گردش واحدهای تولیدی به نام ارزش افزوده صادرات، بر چالش های این بخش از صنعت مضاعف شده و بیش از یک سال از زمان استرداد ارزش افزوده صادرات می گذرد. به اذعان فعالان بخش خصوصی، یکی از چالش های اصلی تولید، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش است. اما این مشکل زمانی بیشتر خودنمایی می کند که مانعی همچون استرداد ارزش افزوده صادرات از سمت سازمان امور مالیاتی به گره کور تبدیل می شود. در این میان اما برخی صادرکنندگان همچنان به بهانه تعهد ارزی، مبالغ سنگینی را در نزد سازمان امور مالیاتی سپرده کرده اند که سازمان های متولی بر صادرات ریالی این تولیدکنندگان صحنه گذاشته اند. در نتیجه به دلیل صادرات ریالی، این واحدهای تولیدی نباید متعهد ارزی شناخته شوند. در بررسی مشکلات این قانون نظر پنج تن از کارشناسان را جویا شدیم:



❏ خدضمانت نامه به جای مسدودی نقدینگی

سعید رفیعی فر، دبیرکل اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی در خصوص آخرین اقدامات این اتحادیه برای تسهیل بازگشت ارزش افزوده صادرات گفت: اخیراً اتحادیه طی جلسه ای با حمید زادبوم رئیس سازمان توسعه تجارت موضوعاتی مطرح کرد که مهمترین آن ها معوقات بود که رئیس سازمان توسعه تجارت نیز این موضوع را پذیرفت و قول مساعدی داد که بر اساس لیست ارائه شده از سوی اتحادیه، پرداخت ارزش افزوده تسریع شود. در واقع

شرکت هایی که تعهدات ارزی خود را تا حد قابل قبول بانک مرکزی پرداخت کرده باشند در ردیف بازپرداخت ارزش افزوده صادرات قرار خواهند گرفت چراکه طبق گفته زادبوم نباید به هیچ عنوان استرداد ارزش افزوده این شرکت ها به تعویق بیافتد. نکته دیگری که رفیعی فر به آن اشاره کرد، جایگزین کردن اخذ ضمانت نامه به جای وجه نقد در بحث ارزش افزوده صادرات بود. دبیرکل اتحادیه در این باره نیز گفت: در این جلسه مذکور مطرح کردیم که بهتر است به جای پرداخت ارزش افزوده توسط صادرکنندگان، ضمانت نامه معتبر اخذ شود. همانطور که برای واردات این امتیاز را قرار دادند، بسیار ضروری تر است که چنین تسهیلاتی در امر صادرات نیز تعریف شود بدین گونه که در زمان خرید، صادرکنندگان ضمانت نامه بانکی برای سه یا شش ماه در نزد سازمان امور مالیاتی وثیقه قرار دهند و پس از ارائه برگ سبز گمرک، این ضمانت نامه عودت داده شود اما در صورت عدم تحویل برگ سبز گمرک در مدت مذکور، ضمانت نامه شرکت تولیدی توسط سازمان امور مالیاتی توقیف شود. به اعتقاد رفیعی فر، این



استرداد ارزش افزوده صادرات شاید وقتی دیگر...

امر می تواند کمک بزرگی به بخش تولید در شرایط کنونی داشته باشد چراکه بلوکه شدن بخش زیادی از نقدینگی شرکت ها به عنوان ارزش افزوده صادرات، سرمایه در گردش این واحدها را به میزان قابل توجهی کاهش می دهد که در نهایت منجر به کاهش تولید بنگاه های اقتصادی خواهد شد.



❏ پول ارزش افزوده صادرات کجاست؟

در ادامه حامد حسینی یکی از اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت و گاز و پتروشیمی در مورد نحوه سازوکار ارزش افزوده صادرات گفت: لیست ایفای تعهداتی شرکت ها در نزد بانک مرکزی قرارداد که بطور معمول به روز شدن لیست شرکت های متعهد ارزی در نزد بانک مرکزی، سه یا چهار ماه تاخیر دارد. همچنین بانک مرکزی سه ماه

یک بار لیست شرکت های متعد را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار می دهد. از این رو یکی از معضلات بزرگ شرکت های صادراتی، تعلل بانک مرکزی در ارائه لیست شرکت های متعهد ارزی به سازمان امور مالیاتی است. به نظر حسینی باید سازوکاری از سوی بانک مرکزی اتخاذ شود که لیست شرکت های متعدد ارزی، بصورت آنلاین در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار بگیرد یعنی بانک مرکزی ملزم به ارائه لیست به سازمان امور مالیاتی نباشد و این سازمان بطور اتوماتیک و آنلاین دسترسی به شرکت های متعد داشته باشد. نکته مهم دیگری که این عضو اتحادیه در خصوص استرداد ارزش افزوده صادرات به آن اشاره کرد، مدت بازگشت این مبالغ از سوی سازمان امور مالیاتی است. طبق قانون از زمان محرز شدن رفع تعهد ارزی صادرکننده، سازمان امور مالیاتی باید طی یک ماه مبلغ ارزش افزوده را به شرکت مورد نظر بازگرداند. گفتنی است در اجرای ماده (۳۴) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که مقرر می دارد:

”سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است مالیات بر ارزش افزوده اخذ شده از صادرکنندگان را از کالاهایی که از مبادی خروجی رسمی صادر شده با ارائه اسناد و

مدارک مثبت به حد اکثر تا مدت یک ماه پس از ارائه برگ خروجی صادره توسط گمرک جمهوری اسلامی ایران از محل وصولی های جاری آن سازمان به صادرکنندگان مسترد نماید.“ از این رو اگر در این مهلت سازمان امور مالیاتی، مبلغ ارزش افزوده را مسترد نکند، تخلف کرده است. این درحالی است که بنا به گفته حسینی برخی شرکت ها با وجود ارائه نامه رسیدگی به استرداد به سازمان امور مالیاتی، بیش از یک سال است که مبلغ ارزش افزوده را دریافت نکرده اند.

موضوع مهمی که در این میان چالش مضاعفی ایجاد کرده، ادعاهای سازمان امور مالیاتی مبنی بر این است که در بسیاری از مواقع زمان استرداد ارزش افزوده، این سازمان اعلام می کند که پولی برای بازگشت ندارد. حال این موضوع مطرح می شود که شرکت ها برای این جریمه دیرکرد در استرداد ارزش افزوده صادرات، اوراق خزانه و یا امثال آن را دریافت کنند؟ اما سوال اساسی اینجاست که اگر سازمان امور مالیایی، پول ارزش افزوده را نمی تواند پرداخت کند، این مبالغ کجا هستند و صرف چه کاری شده اند؟ حسینی در این باره گفت: اگر این مبالغ در حساب دارایی و ارزش افزوده است و از آن ها برداشتی نشده است، چرا در بازپرداخت پول شرکت ها تاخیر طولانی وجود دارد؟ ولی اگر این پول ها را دولت برداشت کرده و یا سازمان امور مالیاتی به هر عنوانی از قبیل سرمایه گذاری و یا حتی پرداخت حقوق کارکنان از آن ها برداشت کرده است، این کار خلاف قانون است چراکه سازمان امور مالیاتی و دولت حق دخل و تصرف در مبالغ ارزش افزوده صادرات ندارند. در صورت درست بودن این نظر که دولت و سازمان امور مالیاتی از مبالغ ارزش افزوده برداشت داشته اند، یک تخلف بودجه ای است و دیوان محاسبات باید رسیدگی کند. اما اگر سازمان امور مالیاتی بطور خودسر این مبالغ

را برداشت کرده است، بازهم مرتکب عمل غیرقانونی شده چراکه این پول بصورت امانت در اختیار سازمان امورمالیاتی قرار می‌گیرد و چون این پول بصورت نقدی از سوی تولیدکننده به حساب امور مالیاتی پرداخت می‌شود، باید بصورت نقدی و در مهلت قانونی به صادرکننده بازگردد.



❑ **بلوکه شدن ۸۰۰ میلیارد تومان نقدینگی به بهانه تعهد ارزی**

در این رابطه محسن ورزشکار رئیس انجمن قیر ایران نیز از مسدود شدن بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان نقدینگی شرکت‌های صادرکننده قیر به بهانه ارزش افزوده صادرات خبر داد و گفت: متأسفانه از سال ۹۷ تاکنون سازمان امور مالیاتی مبالغی که تحت عنوان ارزش افزوده صادرات از صادرکنندگان قیر اخذ نموده، مسترد نکرده و این امر سبب بلوکه شدن بخش عمده‌ای از سرمایه در گردش این شرکت‌های تولیدی شده است. وی ریشه اصلی این موضوع را بحث تعهد ارزی شرکت‌های تولیدکننده قیر عنوان کرد و گفت: ما از اساس با این نوع تعهد ارزی مخالف هستیم چراکه صادرات قیر الزاما از طریق بورس کالای ایران انجام می‌شود و در این بازار قیمت‌گذاری به صورت ریالی بوده، قراردادهای بصورت ریالی و تسویه حساب‌ها نیز به صورت ریالی انجام می‌شود. ورزشکار

افزود: علاوه بر موارد اشاره شده، به این موضوع نیز باید توجه داشته باشیم که بورس کالای ایران اساسا امکان دریافت ارز را ندارد. در نتیجه باتوجه به دلایل ذکر شده صادرات قیر در زمره صادرات ریالی قرار دارد و به دنبال آن نباید شرکت‌های قیرسازی به عنوان متعهد ارزی شناخته شوند.

وی در ادامه افزود: انجمن قیر ایران در این رابطه پیگیر موضوع رفع مسدودی از بانک مرکزی بود که بانک مرکزی نیز در خصوص صحت صادرات ریالی قیرسازان از بورس اوراق بهادار استعلام کرده اما هنوز پاسخی از بورس مبنی بر رفع تعهد ارزی واحدهای تولیدکننده قیر به بانک مرکزی نرسیده است. البته در این بین بورس کالا نیز بر عدم دریافت ارز از سوی فروشندگان کالا در این بازار صحنه‌گذاری کرده است. اما به گفته ورزشکار حتی شرکت‌هایی که تعهد ارزی خود را پاس کرده اند نیز همچنان ارزش افزوده صادراتشان مسترد نشده است. در نتیجه آن طور که از شواهد مشخص است، تعیین و تکلیف استرداد ارزش افزوده صادرات واحدهای تولید کننده قیر در گروی تایید سازمان بورس به بانک مرکزی در خصوص عدم تعهد ارزی این واحدها

است. ورزشکار همچنین پیشنهاد داد به جای پرداخت ارزش افزوده صادرات، شرکت‌ها این اختیار را داشته باشند که ضمانت نامه را به عنوان وثیقه ارزش افزوده صادرات در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند. چراکه ضمانت نامه هم مدرک معتبری است که می‌تواند جایگزین وجه نقد شود.



❑ **به مشوق های صادراتی، گره کور بر تولید می‌زنیم**

از سوی دیگر حمیدرضا صالحی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران نیز بر مشکل زا بودن بحث ارزش افزوده صادرات اشاره کرد و گفت: در همه دنیا تسهیلات

گسترده ای برای صادرکنندگان در نظر گرفته می‌شود که مهمترین آن معافیت مالیاتی است. اما متأسفانه در ایران به دلیل برخی کج سلیقگی‌ها شاهد آن هستیم که هر روزه معضل جدیدی پیش پای صادرکنندگان قرار می‌گیرد که استرداد ارزش افزوده صادراتی یکی از این چالش‌ها است. وی معتقد است اگر مشوق‌هایی برای صادرکنندگان در نظر نمی‌گیریم، نباید با ایجاد موانع گسترده و رفع نشدنی، سهم بازار محصولات کشورمان در بازارهای صادراتی را نیز از بین ببریم. صالحی پیشنهادی برای جایگزینی ارزش افزوده صادرات ارائه کرد که مطابق با آن به جای مسدود نمودن بخشی از پول صادرات به عنوان ارزش افزوده در نزد سازمان امور مالیاتی، شرکت‌ها بتوانند با ایجاد یک حساب فیما بین میان سازمان امور مالیاتی، تمام امور فروش صادراتی خود را بطور شفاف در امور مالیاتی به ثبت برسانند و اگر در مدت یک سال محرز شد که شرکت کالا را صادر نکرد، سازمان امور مالیاتی اقدام به مسدود نمودن حساب مشترک نماید.



❑ **به فکر راه حل جایگزین برای ارزش افزوده صادرات هستیم**

همچنین عزیز اکبریان عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی نیز با اعتراض نسبت به اقدام سازمان امور مالیاتی در خصوص مسدودسازی حساب ارزش افزوده صادرات شرکت‌های تولیدکننده گفت: در همه جا اول فرد یا شرکت مرتکب خطا می‌شود و بعد جریمه برایش در نظر گرفته می‌شود اما در اینجا صادرکنندگان از همان ابتدا با جریمه‌ای به نام ارزش افزوده صادرات روبرو هستند. اگر می‌خواهیم از صنایع حمایت کنیم باید در تقویت تولید و صادرات آن‌ها مشارکت داشته

باشیم. در این خصوص نیز به نظر می‌رسد مسدود کردن بخشی از سرمایه در گردش شرکت به نام ارزش افزوده صادرات، راه حل ساده و کم هزینه برای سازمان امور مالیاتی است وگرنه می‌توان از راهکارهای دیگری نیز برای تشخیص صادرات بهره گرفت. به گفته این نماینده مجلس، صنایع و کارخانجات نباید تاوان کم کاری ارگان‌های دیگر را پس دهند و چون راهکاری اندیشیده نمی‌شود، نقدینگی عظیمی را بعنوان ارزش افزوده از دست بدهند. وی معتقد است در حال حاضر موانع پیش پای صنایع کشور ریشه در داخل داشته و گره کار آن‌ها به دست مسئولین باز می‌شود و سخت تر از تحریم‌ها، چالش‌های دست ساخته داخلی است که صنعتگران و تولیدکنندگان را پریشان کرده است. اکبریان البته با اشاره به برخی نابه‌سامانی‌ها در بازگرداندن ارز صادرکنندگان گفت: مشکلات پیش آمده در بازگشت ارز حاصل از صادرات برخی شرکت‌ها سبب شده تا سختگیری ارگان‌های نظارتی بر این امر افزایش یابد اما این موضوع نباید بهانه شود تا ما برای رونق تولید و صادرات مانع تراشی کنیم.



شود. اما سوال اینجاست که در روند تولید فروش یک محصول، یک بار برای تامین خوراک و یک بار برای فروش محصول از مسیر بورس باید عبور کرد، چه توجیهی دارد؟ این درحالی است که مسیر رفت و برگشتی تامین خوراک و فروش محصول در بورس، هزینه‌های واحدهای تولیدی را نیز افزایش می‌دهد. مضاف بر اینکه در حال حاضر به دلیل شرایط تحریمی، بسیاری از خریداران مخصوصاً مشتریان خارجی حاضر به خرید شناسنامه‌دار از ما نیستند. به گفته جبرائیلی، زیرساخت‌های بورس کالا به نحوی نیست که ما بتوانیم به نیازهای مشتریان واقعی در شرایط تحریمی در آن سوی مرزها پاسخ دهیم.

این تولیدکننده از مسئولین بورس کالا درخواست دارد تا سازوکاری برای فروش محصول صادراتی در بورس تعریف کنند که نقل و انتقال مالی و همچنین مقررات دست و پاگیر در این بازار تسهیل شود. وی ضمن تاکید بر این موضوع که بورس مکانی برای شفافیت قیمت است گفت: ما اصلاً بنایی برای خروج از شفافیت نداریم بلکه بحث اصلی بر سر تسهیل کردن شرایط و ایجاد بستری مناسب به جهت فروش هرچه بیشتر محصولات است چراکه در شرایط فعلی، سیستم بورس کالا به هیچ عنوان پاسخگوی نیاز عرضه‌کنندگان کالای صادراتی در این بازار نیست. برای مثال هر واحد تولیدی که برای فروش محصول در رینگ صادراتی بورس کالا شرکت می‌کند باید تمام مشخصات خریدارانش را در سیستم بورس کالا به ثبت برساند، که این موضوع در شرایط تحریمی مخالف خواسته مشتریان خارجی است. همچنین اگر بورس کالا خود را متولی عرضه محصولات در رینگ صادراتی می‌داند، باید سازوکار راهگشایی برای نقل و انتقال ارز حاصل از صادرات ایجاد کند که متأسفانه این سازوکار در بورس کالا وجود ندارد که تولیدکننده فارغ از مشکلات مضاعف ایجاد شده بتواند به امر تولید و فروش بپردازد چراکه در سرتاسر دنیا تولیدکننده دو وظیفه بیشتر ندارد، تولید و فروش. اما متأسفانه هم در بخش تولید و هم در بخش فروش، با مشکلات فراوانی روبرو هستیم که این موانع به دلیل حضور سازمان‌های متعددی است که هرکدام خود را متولی بخشی از وظایف تولیدکننده می‌دانند در صورتیکه به عقیده اینجانب حضور تعدادی از این سازمان‌ها در روند فعالیت واحدهای تولیدی غیرضروری است.

📌 نبود رگولاتوری، سرمنشا چالش‌های بخش خصوصی

جبرائیلی عامل اصلی ایجاد مشکلات و موانع در میان بنگاه‌های تولیدی و صنایع پایین‌دست نفت را نبود رگولاتوری عنوان کرد و گفت: اگر از همان زمان واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی به موضوع

ما بسیار شفاف بوده و مقاصد صادراتی نیز مشخص است در نتیجه دستگاه‌های دولتی باید زمینه‌هایی برای ایجاد تسهیلات در امر صادرات مهیا کنند. به گفته جبرائیلی از آنجاکه با پالایش و کاهش قوانین و مقررات می‌توان شرایط تولید و صادرات را بهبود بخشید، این وظیفه بر دوش دستگاه‌های متولی است تا در سال رونق تولید، سهمی در اجرایی شدن این امر خطیر داشته باشند.

📌 سازوکار بورس کالا در شرایط تحریم

نیاز به بازنگری دارد

به گفته مدیرعامل نفت پاسارگاد، الزام خاصی در عرضه خوراک در بورس کالا وجود ندارد چراکه تکلیف خوراک صنایع پایین‌دست مشخص است دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت نفت، همچون پالایشگاه‌ها اقدام به فروش آن می‌کنند که سازوکار این فروش کاملاً تعریف شده و مشخص است. وی همچنین در خصوص کشف قیمت خوراک صنایع پایین‌دست نفت در بورس کالا نیز گفت: ما هیچ مخالفتی با سازوکار قیمت گذاری و کشف قیمت در بورس کالا نداریم اما اینکه هم در تامین خوراک و هم در عرضه یک محصول قرار باشد یک مسیر رفت و برگشت در بورس کالا طی شود، جای سوال است. هر تولیدکننده‌ای به دنبال آن است که هزینه‌های تولید محصول خود را کاهش دهد ضمن اینکه روند فعالیت مجموعه‌اش تسهیل

مصاحبه دنیای انرژی با مدیرعامل نفت پاسارگاد

تعدد سازمان‌های متولی تولید، چالش اصلی صادرات قیر

فراوان بر علیه نفت پاسارگاد نمودند. برای مثال بحث ما بر این بود که در شرایط فعلی لزومی ندارد که محصول صادراتی قیر را در بورس کالا عرضه کنیم و باید همانند سایر شرکت‌های پتروشیمی، به خرید خوراک از بورس کالا بسنده کنیم. وی دلیل ناکارآمدی عرضه قیر صادراتی در بورس را عدم سازگاری شرایط بورس کالا با شرایط تحریمی دانست و گفت: در سال گذشته هم که درخواست کردیم روند را کمی تسهیل کنند، متهم به خروج از شفافیت شدیم و همه‌هایی علیه نفت پاسارگاد شکل گرفت. البته این تولیدکننده عنوان کرد که در واقع به قدری دغدغه‌ها و نگرانی‌ها در بخش تولید زیاد هست که فرصتی برای پرداختن به این موضوعات نداریم و منطقی نیست انرژی مجموعه را صرف پرداختن به موضوعات متعدد کنیم. ولی باید متوجه باشیم که حل این مسئله بسیار ساده است چراکه منشا خوراک و تولید

در ابتدا اگر بخواهیم که مشکلات پیش رو را رتبه‌بندی نماییم باید چالش‌ها را در یک ساختار زمانی و محیطی بررسی کنیم. در حال حاضر تحریم‌ها مشکل عمده شرایط اقتصاد کلان کشور هستند اما تحریم‌ها تنها روی سکه مشکلات نبوده و بخش اعظمی از موانع به دلیل نبود زبان مشترک بین سازمانی است. سازمان‌های حاکمیتی هستند که با برنامه‌ها، بخشنامه‌ها و روندی که در پیش گرفته‌اند نه تنها تسهیلاتی در پروسه صادرات ایجاد نمی‌کنند بلکه گاهی اوقات مشکلات این راه را نیز تشدید می‌کنند. البته به گفته کارشناسان این سازمان‌ها، نظارت‌ها به دلیل پیشگیری از بروز تخلفات در واحدهای تولیدی است. اما مدیرعامل نفت پاسارگاد معتقد است در این حوزه نیز برخی کج‌سیلنگی‌ها رخ می‌دهد که مشکلات واحدهای تولیدی که اغلب صادراتی نیز هستند را افزایش می‌دهند. به گفته مسعود جبرائیلی، تعدد سازمان‌ها و نهادهایی که امر نظارت و یا متولی‌گری در حوزه‌های مرتبط با صادرات و تولید را بر عهده دارند، خود یکی دیگر از عوامل تشدید کننده چالش‌های تولید و صادرات است. برای مثال در حوزه تحریم ما به همه مشکلات ناشی از این موضوع واقفیم و انتظاری هم از سازمان‌های داخلی برای رهگشایی نداریم. اما موضوع اینجاست که هر زمان تحریم‌ها تشدید شده است، مشکلات و موانع داخلی نیز افزایش یافته‌اند.

📌 ایجاد مشکل تا کجا؟

جبرائیلی در ادامه اشاره‌ای به پیگیری‌های نفت پاسارگاد از برطرف کردن چالش‌ها در سال گذشته کرد و گفت: تلاش کردیم با ریشه‌یابی مشکلات راهی برای کاستن از حجم موانع بر سر راه تولید و صادرات پیدا کنیم اما به لحاظ وجود موانع متعدد و بدایلی نامعلوم شروع به ایجاد همه‌های





رگولاتوری توجه می‌شد، بسیاری از مشکلات فعلی را شاهد نبودیم. به اعتقاد این فعال اقتصادی، باید یک سازمان متخصص و دارای یک پیشینه بسیار قوی مانند وزارت نفت، مسئولیت رگولاتوری صنعت پایین‌دست نفت را بپذیرد و روابط میان بخش خصوصی همچون اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی و انجمن‌های صنفی و بخش دولتی را تنظیم نماید. متأسفانه لطمه‌ای که در حال حاضر متوجه صنایع پایین‌دست نفت است، به دلیل نبود سازمان‌های تنظیم کننده روابط و مقررات مانند رگولاتوری است. جای خالی رگولاتوری در صنعت نفت به شدت احساس می‌شود و برای سرعت بخشیدن به اصلاحات رگولاتوری، اتحادیه‌ها نیز باید در جهت تشکیل این نهاد قدم‌های موثری بردارند تا بدین وسیله مشکلات بخش خصوصی را کاهش داده و تولید بهینه را در کشور مدیریت کرد.

چرا سهم از بازار قیر را از دست دادیم؟

به گفته جبرائیلی از اسفند سال ۹۶ تاکنون به دفعات مکرر در نرخ خوراک واحدهای قیرسازی افزایش قیمت داشتیم که بخشی از آن مربوط به تغییر مبنای نرخ ارز بود که تولیدکننده با این موضوع هیچ مخالفتی ندارند. اما بخشی از این تغییرات نرخ به تصمیمات برخی نهادهای قیمت گذار برمی‌گردد. از سویی دیگر در بهترین شرایط، ظرفیت تولید قیر ایران برابر با ۷ میلیون تن است که البته در آسیا، بازار مطلوبی برای فروش قیر ایران وجود دارد. اما به دلیل همین کج سلیقگی‌ها، در حال از دست دادن مشتریان خارجی خود هستیم بطوریکه در یک بازه زمانی ۸ ساله، سهم از بازار ایران در فروش قیر را از ۱۲ درصد به ۶ درصد کاهش یافته که این یک فاجعه است. البته این افت سهم از بازار قیر ایران در بازارهای جهانی، به دلیل محدودیت در تولید نیست، بلکه عدم ثبات در سیاست گذاری‌های تولید و تامین خوراک، عدم ثبات در سیاست‌گذاری‌های صادرات و عدم توجه به جایگاه برند قیر ایرانی در بازارهای آسیایی است که به مرور از دست داده‌ایم. از سوی دیگر به نظر جبرائیلی، رقابت‌های غیرمنطقی که در داخل کشور که در بحث صادرات قیر وجود دارد نیز یکی دیگر از چالش‌های فعلی صنعت قیر است. باید توجه داشته باشیم که ما تنها صادرکننده قیر در آسیا نیستیم که با ایجاد شوک ۴۴ درصدی در افزایش قیمت و کیوم باتوم در همراه بازم بتوانیم حرفی برای گفتن در میان رقبای منطقه‌ای خود داشته باشیم چراکه در حال حاضر نیز تعیین‌کننده قیمت در بازار جهانی قیر نیستیم

اگر بورس کالا خود را متولی عرضه محصولات در رینگ صادراتی می‌داند، باید سازوکار راهگشایی برای نقل و انتقال ارز حاصل از صادرات ایجاد کند که متأسفانه این سازوکار در بورس کالا وجود ندارد که تولیدکننده فارغ از مشکلات مضاعف ایجاد شده بتواند به امر تولید و فروش بپردازد

و غیبت یک ماهه ایران در این بازارها، مساوی است با پُررنگ‌ترشدن حضور رقبا که دیگر از میدان به در کردن آن‌ها کار بسیاری دشواری خواهد بود.

جبرائیلی در ادامه تأکید کرد ورود وزارت نفت به بحث قیمت گذاری خوراک می‌تواند بسیاری از تنش‌های موجود در این زمینه را کاهش دهد. چراکه وزارت نفت دارای متخصصان باتجربه‌ای در زمینه قیمت گذاری فرآورده‌های نفتی است که باید از این پتانسیل موجود در بدنه وزارت نفت حداکثر استفاده را برد. مدیرعامل نفت پاسارگاد معتقد است: اگر وزارت نفت در بحث تعیین قیمت خوراک و کیوم باتوم و حتی در موضوع قیمت‌های صادراتی قیر نیز ورود کند و بتواند نقش موثری را بازی کند، یقیناً مشکلات صنعت پایین‌دست نفت کاهش می‌یابد. اما اشکال اینجاست که در حال حاضر وزارت نفت هیچ نقشی را در زمینه قیمت گذاری خوراک نمی‌پذیرد و زمانی هم که از سوی تولیدکنندگان پایین دست اعتراض می‌شود، اعلام می‌کنند که پالایشگاه‌ها به بخش خصوصی واگذار شده و وزارت نفت نقشی در قیمت گذاری ندارد. و در حال حاضر قیمت گذاری خوراک از سوی انجمن پالایشی تعیین می‌شود و وزارت نفت هیچ دخل و تصرفی ندارد. از نظر این فعال بخش خصوصی، اشکال قیمت گذاری کنونی نرخ خوراک، اتکا به فرمولی است که زمان زیادی از تصویب آن می‌گذرد و بسیاری از زیرساخت‌هایش دستخوش تغییر شده است. در گذشته بنابر مصوبه هیات دولت، قیمت گذاری و کیوم باتوم به هیات مدیره شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی واگذار شده بود و فرمول فعلی نرخ خوراک از آن زمان ایجاد شد که بحث تحریم‌ها وجود نداشت و قیمت‌های فوب قابل اتکا بود. ولی مشکل اینجاست که همان فرمولی که در مقطع گذشته با آن شرایط بنا شده بود، هم اکنون نیز هم از آن فرمول استفاده می‌شود که متأسفانه معضلات خود را

نشان می‌دهد. از افت نرخ فیول گرفته تا مقررات جدید دریانوردی در خصوص ممنوعیت استفاده از نفت کوره با گوگرد بالا از جمله مواردی است که باید در فرمول جدید مورد توجه قرار گیرد. حتی کاهش شدید و بی رویه قیمت‌های و کیوم باتوم نیز به بازارهای صادراتی آسیب می‌زند.

ناتوانی در سیاست گذاری بلندمدت تولید در پی عدم ثبات در نرخ گذاری‌ها

جبرائیلی یکی از مشکلات قابل توجه صنعت پایین‌دست نفت را نبود ثبات در قیمت گذاری خوراک عنوان کرد و گفت: با شرایط کنونی که نرخ خوراک هر ماهه دستخوش نوسانات شدید از سوی انجمن پالایشی می‌شود، تولیدکنندگان صنایع پایین‌دست نمی‌توانند یک استراتژی بلندمدت برای آینده محصولات خود در پیش

بگیرند. وی تأکید کرد: تولیدکنندگان با شرایط موجود تنها می‌توانند برای چشم‌انداز یک ماهه خود پیش‌بینی داشته باشند. اما مشکل تنها به این موضوع ختم نمی‌شود. بازارهای جهانی چون به تغییرات قیمتی ماهانه در ایران اشراف پیدا کرده‌اند و می‌دانند قیمت خوراک هر ۲۰ روز در ایران تغییر می‌کنند در نتیجه منتظر قیمت‌های جدید از سوی ایران هستند و این خود سبب می‌شود که ما نیمی از ماه را از دست بدهیم چراکه مشتریان همواره در نیمه دوم ماه منتظرند که نرخ قیر صادراتی ایران تغییر کند که این موضوع سبب می‌شود ما در طول ماه مدت زیادی را از دست بدهیم.

پیشنهاد یک تولیدکننده برای قیمت گذاری خوراک

مدیرعامل نفت پاسارگاد پیشنهادی برای تعیین نرخ خوراک صنایع پایین دست نفت به‌ویژه و کیوم باتوم داشت. وی عنوان کرد: یکی از چالش‌های فرمول فعلی، انحرافات شدید قیمتی است. از این رو محدود کردن انحراف و تغییرات شدید قیمتی می‌تواند بسیار موثر باشد چراکه ما هم با کاهش شدید قیمت مخالفیم و هم با افزایش بی‌رویه آن. از سوی دیگر محدود کردن تغییرات شدید قیمت خوراک می‌تواند به اعمال سیاست‌های با ثبات در تعیین قیمت محصولات در یک دوره شش ماهه بسیار موثر باشد. در این حالت است که تولیدکنندگان و خریداران محصول می‌توانند آینده‌نگری و پیش‌بینی‌های درستی از آینده تجاری خود داشته باشند. در نتیجه به نظر جبرائیلی آسیب‌هایی که هم اکنون گریبان صنعت پایین‌دست نفت را



گرفته ناشی از عدم تصمیمات و سیاست‌گذاری واحد در حوزه نرخ‌گذاری خوراک است و سایر موضوعات مرتبط می باشد.

چ‌ه شد که VR عراق جای قیر ایران را گرفت؟

در ادامه جبرائیلی به اثرات تغییرشدید قیمتی نرخ وکیوم باتوم بر بازارهای صادراتی ایران اشاره کرد و گفت: با افزایش ۱۰۰ دلاری قیمت قیر ایران در مردادماه، عراقی‌ها جای ایران را در بازار ترکیه گرفتند. و همین خلای که نتوانستیم بازار خود را در ترکیه حفظ کنیم، سبب شد تا عراق در بازار ترکیه نیز حضور پیدا کند و سهم ایران را از آن خود کند و در طی ۴ سال سهم از بازار خود را در ترکیه صد درصد افزایش دهد. اما مشکل به اینجا ختم نشده و شنیده شده است که اخیرا VR عراق وارد ایران می‌شود و در برخی صنایع تبدیلی داخل کشور که تا پیش از این از وکیوم باتوم‌های مرغوب ایرانی استفاده می‌کردند، مصرف می‌شود با توجه به کیفیت نا مطلوب و پایین VR عراق قطعاً آثار نا مطلوب آن را در طول زمان در بخشهای زیر ساختی مصرف قیر کشور و نیز کاهش ارزش برند قیر صادراتی ایران که از این VR استفاده می کنند شاهد خواهیم بود.

توجه به کیفیت محصولات صادراتی قیر و رعایت کلیه الزامات کیفی تولید قیر در صادرات باید به عنوان محور اصلی صدور مجوزهای صادراتی در نظر قرار بگیرد.

مخالف قوانین حاکمیتی نیستیم

مدیرعامل نفت پاسارگاد در خصوص سیاست‌های کلی و حاکمیتی این‌طور بیان داشت که: سیاست‌های کلان کشور به درستی پایه‌گذاری می‌شود اما زمانی این سیاست‌ها برای صنایع مضر

می‌شوند که سازمان‌های پایین‌دستی روش‌های گوناگونی را برای اجرای این سیاست‌ها به‌کار می‌بندند و تفسیر به رای می‌کنند. اینجاست که اثرات روانی مثبت سیاست‌های درستی که در مجلس و دولت اتخاذ می‌شود از بین می‌رود و به ضد اثر تبدیل می‌شوند. وی معتقد است برای حل این معضل باید دست به کار مقررات‌زدایی بزنییم و از تعداد سازمان‌های پایین‌دست بکاهیم چراکه ما تولیدکنندگان مخالف سیاست‌های دولت و مجلس نیستیم و خود را ملزم به حرکت در چارچوب این قوانین و سیاست‌ها می‌دانیم. اما شاخ و برگي که سازمان‌های متولی و مجری در پایین‌دست اضافه کرده‌اند، چالش‌هایی را برای صنایع و تولیدکنندگان بوجود آورده است.

منافع صنفی در صنعت قیر نادیده

گرفته‌می‌شود

مدیرعامل نفت پاسارگاد با اشاره به نادیده گرفتن منافع صنفی در صنعت قیر گفت: مشکل از آنجا ناشی می‌شود که بخشی از فعالان این صنعت

به دلیل کج سلیقگی‌ها در نرخ‌گذاری خوراک، در حال از دست دادن مشتریان خارجی خود هستیم بطوریکه در یک بازه زمانی ۸ ساله، سهم از بازار ایران در فروش قیر را از ۱۲ درصد به ۶ درصد کاهش یافته که این یک فاجعه است

به جای آنکه به منافع کلان چشم داشته باشند، به منافع بخشی و خرد خود نگاه می‌کنند که این امر حتما برای صنعت و صنف قیرسازان آسیب‌زا خواهد بود. نفت پاسارگاد تنها تولیدکننده قیر در کشور است که در سازمان بورس پذیرفته شده و تمام اطلاعات این شرکت در سامانه کدال منتشر می‌شود. در نتیجه هیچ فردی نمی‌تواند ادعا کند که شرکت نفت پاسارگاد اطلاعات نهانی داشته و از رقبای خود پنهان می‌کند چراکه تمام فعالیت‌های ما در بورس کاملاً شفاف است. اما از سویی دیگر ما به هیچ عنوان نمی‌توانیم به اطلاعات سایر رقبا در صنعت قیر دسترسی پیداکنیم. جبرائیلی همچنین تاکید کرد از آنجاکه دو شرکت نفت پاسارگاد و نفت جی از سوی دولت واگذار شده و خصوصی هستند، دولت موظف به تامین خوراک این دو مجموعه است اما نرخ خوراک در بورس کالا کشف می‌شود. اما اشکال اینجاست که نفت پاسارگاد به هیچ‌وجه در سازوکار کشف قیمت بورس کالا دخالت داده نمی‌شود و در رقابت خوراک وکیوم باتوم نقشی نداشته و مجبور به تبعیت از قیمت گذاری کشف شده است. و امیدواریم این روند به نحوی اصلاح شود که منافع همه طرف‌های صنعت و دولت و پالایشگاه‌ها در آن لحاظ شود.

صدور بی‌منطق پروانه‌های تولید

مدیرعامل نفت پاسارگاد با تاکید بر اینکه یکی از مشکلات صنعت قیر، صدور بی‌حساب و کتاب پروانه تولید است، گفت: صدور بی‌حد و حساب این پروانه‌ها هم بخش خصوصی را گرفتار کرده، هم بخش دولتی و هم خصولتی را درگیر کرده است. اگر منطق و ضوابطی برای صدور پروانه‌های تولید معین می‌شد، الان در زمینه تخصیص خوراک چالش نداشتیم. زمانیکه پروانه ساخت واحدی را صادر می‌کنیم حتما باید میزان خوراک تخصیصی این مجموعه را نیز در نظر بگیریم. این درحالی است که بخش عمده‌ای از مجوزها و پروانه‌های صادر شده در صنف قیر از ظرفیت واحدهای خصولتی گرفته شده است. حال سوال اینجاست که وقتی یک شرکت دولتی واگذار می‌شود و برای آن خوراک تضمینی مشخصی لحاظ می‌شود، چرا باید شرکت‌های نوپا وجدید نیز در این میزان خوراک سهمیم شوند؟ همین موضوع دلیل اصلی کاهش تولید قیر در مجموعه نفت پاسارگاد است. این کاهش تولید که از سال ۹۳ رقم خورده و خسارات وارده به ۵۰میلیون نفر سهامدار شرکت نفت پاسارگاد را چه فردی پاسخگو است؟

مشتری‌بابی به سبک نرخ‌شکنی

جبرائیلی با تایید این موضوع که افرادی هستند بارائنه‌نرخ‌های پایین‌تر از قیمت قیر شرکت نفت پاسارگاد اقدام به فروش این محصول در بازار می‌کنند، گفت: متأسفانه یک آسیبی که به ما وارد می‌شود، نرخ‌شکنی

است. ما با افزایش قیمت قیر در داخل کشور به جهت اجرای پروژه‌های ملی مخالفیم اما همیشه این پیشنهاد را داده‌ایم که قیمت‌های کف صادراتی توسط اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی مشخص شود و همه ملزم به رعایت این کف قیمتی شوند و کسی به خوداجازه ندهد از آن تخطی کند. از سوی دیگر باید بررسی شود که چطور شرایطی پیش می‌آید که نرخ صادراتی برخی محصولات قیر صادراتی پایین‌تر از قیمت محصول پاسارگاد قرار می‌گیرد. اینجاست که نهادهای نظارتی از جمله سازمان استاندارد باید وارد عمل شده و آزمایش کنند که آیا قیری که باقیمت پایین‌تر در بازارهای صادراتی به نام قیر ایران عرضه می‌شود، تمام شاخص های استاندارد را پاس می‌کند و یا با کیفیت پایین عرضه شده و به آبروی صنعت قیر ایران لطمه وارد می‌کند.

رشد صادرات فرآورده های نفتی در زمان تحریم

جبرائیلی با اشاره به تلاش روزافزون صنعتگران برای صادرات گفت: من شاهد هستم که همه فعالان صنعت پایین‌دست نفت با کوشش فراوان سعی در حفظ بازارهای صادراتی خود دارند. از این رو می‌توان امیدوار بود در همین شرایط تحریم نیز شاهد تداوم رشد صادرات فرآورده‌های نفتی باشیم.

افول جایگاه قیر ایران در بازارهای آسیایی

مدیرعامل نفت پاسارگاد با ذکر این موضوع که در گذشته صادرات قیر ایران جایگاه سومی آسیا را داشت گفت: متأسفانه با چالش‌های موجود بر سر راه تولید قیر که اغلب داخلی هستند، جایگاه صادرات قیر ایران در بازارهای صادراتی به رتبه ششم تنزل یافته است و موانع داخلی تاثیرگذارتر از تحریم بوده‌اند.

جبرائیلی به افزایش شدید هزینه های خدمات بندری طی یکسال اخیر علیرغم شرایط سخت تحریمها اشاره و اعلام نمود هیچ سنخیتی بین این افزایش شدید هزینه ها با سیاستهای رونق تولید وجود ندارد.



چه عواملی مانع عرضه بین‌المللی سهام شرکت ملی نفت عربستان شد؟

شکست رویای نفتی بن سلمان



سارا مالکی - دنیای انرژی

توسعه‌ای او می‌کرد تا اقتصاد عربستان از درآمدهای نفتی رها شود اما گذشت زمان و بروز برخی واقعیت‌ها نشان داد که همه‌چیز لزوماً طبق خواست شاهزاده پیش نخواهد رفت. به این ترتیب عرضه اولیه سهام آرامکو پس از سه سال اما و اگر، در شرایطی آماده اجرایی شدن است که از سقف پنج درصدی تعیین شده برای آن فاصله دارد و بر خلاف تصورات اولیه نه تنها سرمایه‌گذاران مطرح در اروپا، آمریکا و آسیا حاضر به خرید سهام شرکت ملی نفت عربستان سعودی نشدند بلکه رقم مد نظر بن سلمان برای ارزش گذاری آرامکو نیز محقق نشد. بنابراین در شرایطی که متقاعد کردن خریداران خارجی برای خرید سهام آرامکو طبق برنامه پیش نرفت و آن طور که انتظار می‌رفت رقابتی میان بورس‌های بین‌المللی برای اجرای IPO آرامکو شکل نگرفت، در مرحله نخست ۵/۱ درصد از مجموع پنج درصد از سهام آرامکو در بورس داخلی این کشور (تداول) عرضه خواهد شد تا تکلیف عرضه باقی مانده سهام آرامکو در بورس‌های خارجی بعداً مشخص شود. طبق اعلام رسمی مقامات آرامکو، ثبت دفتری سهام این شرکت از روز ۱۷ نوامبر شروع و در روز ۴ دسامبر بسته می‌شود. در روز ۵ دسامبر نیز با قیمت مشخص شده، سهام آرامکو در بورس عربستان معامله می‌شود. پنجم دسامبر تاریخی است که نشست رسمی اوپک نیز در همان‌روز برگزار می‌شود. انتظار می‌رود در نشست رسمی ۱۷۷ اوپک در وین، سرنوشت توافق کاهش تولید مشخص شود؛ توافقی که در صورت تمدید یا تعمیق آن نه تنها قیمت‌ها در بازار جهانی نفت تقویت خواهند شد بلکه بدون شک بر معامله سهام آرامکو نیز اثر مثبت خواهد داشت. با این حال به نظر می‌رسد سعودی‌ها برای مستقل نشان دادن آرامکو از تصمیمات دولتی که نکته‌ای مثبت برای آن به شمار می‌رود، در نشست رسمی ۱۷۷ تلاشی در جهت تعمیق توافق کاهش تولید نکنند.

بود که از جذابیت عرضه اولیه آرامکو کاست. در کنار این موضوع، کاهش بهای نفت در طول حدود یک سال گذشته و وجود نداشتن چشم‌اندازی از بهبود چشم‌گیر قیمت‌ها، دیگر دلیلی است که در رابطه با چرایی کاهش محبوبیت عرضه اولیه آرامکو بیان می‌شود. به گزارش بلومبرگ نفت طی یک سال گذشته حدود ۲۶ درصد کاهش قیمت داشته است. گزارش‌های موسسات بین‌المللی همچون آژانس بین‌المللی انرژی نیز نسبت به افزایش عرضه نفت در سال آینده به ویژه از سوی تولیدکنندگان نفت‌های غیرمتعارف، ابراز نگرانی می‌کنند. بنابراین طبیعی است کاهش بهای نفت به تضعیف ارزش آرامکو به عنوان بزرگترین صادرکننده نفت دنیا منجر شود. حملات پهلادی به قلب تاسیسات نفتی آرامکو در ماه سپتامبر که باعث توقف نیمی از تولید روزانه نفت خام عربستان شد نیز دلیل دیگری است که باعث عقب‌نشینی سرمایه‌گذاران بین‌المللی از ورود به عرضه اولیه شرکت ملی نفت عربستان شد. در پی این حملات و اثرگذاری گسترده آنها، این نگرانی پدید آمد که امکان تکرار این حملات در آینده نیز وجود دارد. اگرچه آرامکو تلاش بسیاری کرد تا از سطح این نگرانی‌ها بکاهد، اما این تلاش‌ها باعث نشدند موسسه رتبه‌سنجی فیچ، رتبه اعتباری عربستان را از مثبت A به A- کاهش ندهد.

در کنار تمام این مسائل، مستقل نبودن آرامکو از پادشاهی عربستان دیگر نقطه ضعف این شرکت است که سرمایه‌گذاران خارجی به آن توجه کرده‌اند. در واقع حتی با عرضه پنج درصدی سهام آرامکو، همچنان ۹۵ درصد از سهام این شرکت تحت نفوذ خاندان سلطنتی قرار دارد که می‌تواند با یک اشاره تغییرات دلخواه خود را بر این شرکت اعمال کند. این اعمال نفوذ از میزان تولید نفت آرامکو تا سرمایه‌گذاری در توسعه میادین جدید نفتی را شامل می‌شود، بنابراین طبیعی است سرمایه‌گذاران تمایل خود برای ورود به آرامکو را از دست بدهند. تمام دلایل یاد شده باعث شده‌اند سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به آرامکو به عنوان شرکتی که در سال ۲۰۱۸ حدود ۱۱۱ میلیارد دلار سود خالص به ثبت رسانده که چند برابر سود خالص شرکت‌هایی چون اپل و رویال داچ شل است، تمایل خود را از دست بدهند. این شرکت در ۹ ماه ابتدایی سال جاری میلادی نیز ۶۸ میلیارد دلار درآمد داشته است.



اما در شرایطی که انتظار می‌رفت عرضه اولیه پنج درصد از سهام آرامکو تبدیل به بزرگترین عرضه اولیه تاریخ شود، چه دلایلی باعث شد رویای شاهزاده سعودی رنگ ببازد؟

🔍 شناسایی تهدیدهای آرامکو برای

سرمایه‌گذاران

در شرایطی که عرضه اولیه سهام آرامکو بارها و بارها به علت عدم تطبیق ارزش آرامکو با رقم مدنظر ولیعهد سعودی به تاخیر افتاد و از جذابیت این عرضه اولیه کاست، روند قیمت نفت و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک نیز تبدیل به عواملی برای فاصله گرفتن سرمایه‌گذاران بین‌المللی از IPO آرامکو شدند. طبق اعلام بانک‌ها و سرمایه‌گذاران بالقوه، ارزش واقعی آرامکو به اعداد ۱/۱ تا ۵/۱ هزار میلیارد دلار نزدیک‌تر است تا آنچه ولیعهد سعودی‌ها اعلام کرده است. این نخستین علتی

حملات پهلادی به قلب تاسیسات نفتی آرامکو در ماه سپتامبر که باعث

توقف نیمی از تولید روزانه نفت خام عربستان شد نیز دلیل دیگری

است که باعث عقب‌نشینی سرمایه‌گذاران بین‌المللی از ورود به عرضه

اولیه شرکت ملی نفت عربستان شد

عرضه داخلی الماس پادشاهی

دلایلی که به آنها اشاره شد و در کنار مسائل دیگر در نهایت باعث شد عرضه سهام آرامکو فعلا به یک فرآیند داخلی منتج شود. به این ترتیب از مجموع پنج درصد سهامی که قرار بود در بورس‌های داخلی و خارجی عرضه شود، فعلا فقط ۱/۵ درصد از آن تقریبا به طور کامل به سرمایه‌گذاران سعودی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری در عربستان و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس فروخته خواهد شد. در این میان اخبار منتشر شده حاکی از آن است که رایزنی‌های بن‌سلمان در سفر اخیرش به امارات باعث شده این متحد عربستان، ۱/۵ میلیارد دلار برای خرید سهام آرامکو در عرضه اولیه این شرکت هزینه کند، خبری که البته هنوز تا تایید نهایی فاصله دارد.

بر اساس گزارش‌های موجود، ۵/ ۱ درصد از سهام آرامکو با قیمت هر سهم بین ۳۰ تا ۳۲ ریال عربستان، یعنی بین ۸ دلار تا ۸/۵۲ دلار در بورس تداول عرضه خواهد شد. از این میزان تنها ۵/۰ درصد به سرمایه‌گذاران حقیقی ارائه خواهد شد. اما قیمت تعیین شده برای هر سهم آرامکو به این معناست که آرامکو بین ۶/ ۱ تا ۷/ ۱ هزار میلیارد دلار ارزش‌گذاری شده است. طبق گزارش‌های موجود، انتظار می‌رود با این میزان عرضه اولیه، چیزی حدود ۲۵ میلیارد دلار درآمد نصیب عربستان شود. به این ترتیب عرضه اولیه سهام آرامکو که برای اجرایی شدن آن خالد الفالح، وزیر پیشین نفت عربستان برکنار شد تا روند اجرای آن تسریع شود، به آن اهدافی که مد نظر ولیعهد سعودی بود دست نیافت. حتی ملاقات مدیران بانک‌های سرمایه‌گذاری با مقامات سعودی که گفته می‌شود تنها ۱۰ دقیقه به طول انجامید، نتیجه‌ای در بر نداشت تا در نهایت یک روز بعد از برگزاری این نشست مشخص شود عربستان قصد دارد تنها ۱/۵

درصد از سهام آرامکو را با ارزشگذاری ۶/ ۱ تا ۷/ ۱ هزار میلیارد دلار در بورس داخلی این کشور کلید بزند و برنامه‌های عرضه مستقیم سهام در آمریکا، اروپا و آسیا را نیز لغو کند. البته اقدام عربستان برای لغو عرضه سهام آرامکو به سرمایه‌گذاران بین‌المللی بیشتر به بی‌میلی این سرمایه‌گذاران بازمی‌گردد.

البته همچنان برخی نهادهای خارجی می‌توانند در سهام شرکت آرامکو سرمایه‌گذاری کنند اما با محدودیت‌هایی مواجهند به این معنا که تنها شرکت‌های خارجی که مجوز سرمایه‌گذاری در بورس تداول را دارند می‌توانند در IPO آرامکو مشارکت کنند. محدودیت شرکت‌کنندگان خارجی در خرید سهام آرامکو در حالی است که دولت بر خانواده‌های ثروتمند سعودی فشار آورده و آنها را مجبور به مشارکت در عرضه اولیه شرکت ملی نفت عربستان کرده است. بخش دیگری از متقاضیان سهام آرامکو خریداران حقیقی و خردی هستند که بر اساس گزارش‌های موجود، با استفاده از پول دولت اقدام به مشارکت در این عرضه اولیه خواهند کرد. دولت عربستان به منظور افزایش میزان مشارکت در عرضه اولیه آرامکو، به متقاضیان خرید سهام این شرکت با شرایطی تسهیل شده وام اعطا می‌کند. آرامکو برای تشویق بیشتر، برای خریداران سهام آرامکو جایزه نیز در نظر گرفته است. این جایزه در صورتی به صاحبان سهام اهدا می‌شود که پس از خرید سهم، تا سه ماه اقدام به فروش آن نکنند. با وجود تمام مسائل و موانعی که باعث رنگ باختن رویای ولیعهد سعودی در رابطه با آرامکو شد، این شاهزاده جوان چیزی از عجله خود برای عرضه اولیه سهام آرامکو نکاست. کارشناسان عقیده دارند علت این اتفاق این است که عربستان در قیمت‌های فعلی نفت دچار کسری بودجه خواهد شد. در عین حال این چشم‌انداز وجود دارد که در سال‌های آینده نیاز جهان به نفت کم شود بنابراین بن سلمان باید هرچه سریعتر راهی برای اجرای برنامه‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ پیدا کند هرچند باید دید آیا برنامه‌های بلندپروازانه شاهزاده سعودی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه صنایع، ساخت شهری بزرگ و مدرن در شرق عربستان و... تا چه میزان از درآمد عرضه اولیه‌ای که حالا در آستانه اجرایی شدن است، بهره خواهد برد.

بر خلاف تصورات اولیه نه تنها سرمایه‌گذاران مطرح در

اروپا، آمریکا و آسیا حاضر به خرید سهام شرکت ملی نفت

عربستان سعودی نشدند بلکه رقم مد نظر بن سلمان برای

ارزش گذاری آرامکو نیز محقق نشد

آسیب‌شناسی تحولات

اخیر در عراق

روابط عمومی اتحادیه اوپکس

عراق ۴۰ میلیونی با تولید روزانه ۴.۵ میلیون بشکه نفت و صادرات ۳.۷ میلیون بشکه و بودجه ۱۲۲ میلیون دلاری در سال ۲۰۱۹ از ۹ مهر ۱۳۹۸ شاهد دور جدید اعتراض به فساد در حکومت، بیکاری و فقر و وضعیت سخت زندگی بود. اعتراضاتی که با فرا رسیدن ایام زیارت اربعین فروکش کرد سپس دوباره اوج گرفت. اعتراض به فساد و شرایط زندگی البته در سرتاسر عراق از بصره تا بغداد و اربیل و سلیمانیه همواره در طول سال‌های متمادی برقرار بوده است. معترضین گاه کار را به آنجا رساندند که اردیبهشت ۱۳۹۵ ساختمان مجلس عراق را برای ساعاتی اشغال کردند. هر چند که مشهور است، اشغال مجلس با چراغ سبز حیدرالعبادی، نخست‌وزیر وقت انجام شد. اعتراضات ۲۰۱۹ عراق که از سوی آیت‌الله‌العظمی سیستانی مرجع عالی‌قدر شیعیان، برهم صالح رییس‌جمهور، عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر که چند روزی است باید او را نخست‌وزیر سابق خواند و تمامی ائتلاف‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی در عراق محترم شمرده شد، همگی خواستار پایان خشونت‌ها و حاکم شدن آرامش و پیگیری و اجرایی شدن مطالبات مردم و اصلاحات شدند... اما اعتراض و خشونت‌ها تا امروز ادامه یافته است.

عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر سابق عراق ۳۰ آبان ۱۳۹۷ در نخستین نشست مطبوعاتی‌اش با خبرنگاران عراقی درباره تحریم‌های ظالمانه امریکا علیه ایران گفته بود: بخشی از نظام تحریم‌ها نیستیم، امریکا می‌خواهد تحریم‌هایی را علیه کشور و اشخاصی تحمیل کند، این به خودش مربوط است و سیاست خود امریکاست . تحریم‌های امریکا علیه ایران تصمیم عراق نیست حتی این تصمیم امریکا از تصمیمات بین‌المللی و تحریم‌ها مبتنی بر منشور و قطعنامه‌های سازمان ملل نیست که عراق بخواهد به آن پایبند باشد. عراق بخشی از نظام تحریم‌های امریکا نیست. نخست‌وزیری عبدالمهدی و مواضعش خشم امریکایی‌ها را در پی داشت و باعث شد آنها در دیدارها به صورت شفاهی و کتبی مکررا نسبت به آن واکنش نشان دهند. کارگزاران امریکا تهدید کردند، عبدالمهدی هزینه سختی بابت مواضعش خواهد پرداخت.

۹ مهر ۱۳۹۸ یک سال بعد از روی کار آمدن عبدالمهدی، اعتراض به فساد در عراق آغاز

شد، مطالبه حقی که همه بر آن تاکید کردند؛

این بار اما شرایط به گونه دیگری رقم خورد.

نه حرف آیت‌الله‌العظمی سیستانی و نه هیچ شخصیت دیگری، فضای عراق را آرام نکرد و همسایه غربی را در یک نا آرامی و بی‌ثباتی و بی‌دولتی فرود برد و هسته‌های داعش را در استان دیاله عراق فعال کرد که نیروهای حشدالشعبی به مقابله با آنان برخاسته‌اند. بنا به گفته حسن دانایی فرد، سفیر سابق ایران در عراق در خصوص اوج گرفتن ناآرامی‌ها در عراق و تصمیم نخست وزیر این کشور مبنی بر استعفا گفت: تقاضاهای به حق مردم عراق انباشت مطالبات سیاسی و فشاری که در عراق وجود دارد را کسی نمی‌تواند منکر شود مردم تقاضاهایی در بخش‌های مرکزی و جنوبی عراق دارند که واقعا قابل چشم پوشی نیست.

منتهی در این بین بعضی بیشتر از خارج خط می‌گیرند و اصرار بر موج سواری بر فضای ناآرام عراق را دارند که مصداق آن ماجرای حمله به کنسولگری ایران در نجف یا برخی شعارهای ضدایرانی است.

در همین زمینه، یک کارشناس مسائل عراق نیز با اشاره به تبلیغات گسترده برخی جریان‌ها و کشورهای خاص علیه ایران در عراق، معتقد است که کج سلیقگی‌های داخلی در نحوه تعامل با عراق و نیز حساسیت‌های قابل توجه سیاسی و امنیتی متأثر از مسائل و رقابت‌های بین المللی، در جریانات اخیر از جمله حمله به کنسولگری کشورمان در نجف دخیل بوده است.

اردشیر پشنگ در مورد آسیب‌شناسی تحولات اخیر در عراق و حمله به اماکن دیپلماتیک ایران از جمله در نجف گفت : نشانه‌ها روابط بسیار نزدیک و در هم تنیده که از آن به عنوان رابطه استراتژیک بین تهران و بغداد یاد می‌شود، گاه به مانند شمشیری دو لبه عمل می کند. بدین معنی که همانطور که وقتی گفته می شود نزدیک ترین دولت به عراق و حامی منطقه ای این کشور، ایران

امریکایی‌ها این روزها خوشحال هستند، هم عراق را بی‌ثبات کرده‌اند، هم نخست‌وزیری که آشکارا مخالفش بود را حذف کردند، هم فرماندهان بزرگ نیروهای حشدالشعبی ترور شده‌اند، هم تهدید فعال شدن داعش عملیاتی شده و هم در یک حرکت نمادین آن هم در سالروز تسخیر سفارت امریکا در تهران به کنسولگری‌های ایران در عراق حمله کردند

به گفته این تحلیلگر مسائل عراق، در چرایی حمله به مراکز دیپلماتیک نزدیک بودن دولت‌های ایران و عراق به هم تنها بعدی از ماجرا است، در این بین بایستی به حضور بازیگران رقیب که سعی دارند در آب گل آلود عراق ماهی‌های مد نظر خود را از دست ایران ربوده و در سبد خود قرار دهند، اشاره کرد. بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای که طبیعتاً بر آتش این گمانه زنی‌ها و اتهامات بیشتر می‌دمند تا بی‌ثباتی و ناآرامی علیه دولت مستقر و نیز ایران بیشتر شود. آنان مخالف وضع موجودند و از هر فرصتی برای ضربه زدن به موقعیت ویژه و ممتاز روابط تهران - بغداد استفاده می‌کنند. در چنین موقعیتی هم از ابزارهای نرم نظیر تهییج افکار عمومی معترضین بصورت مستقیم و غیرمستقیم با استفاده از شبکه‌های تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی استفاده می‌کنند و هم در بعد روابط آشکار بدنبال ایجاد صف بندی‌های

جدید و تغییر در آرایش سیاسی موجود در عراق به نفع خود و علیه ایران هستند. متأسفانه در میان این همه حساسیت‌ها و رقابت‌ها که بدان اشاره شد، دیده می‌شود برخی از شخصیت‌ها، تربیون‌ها و یا رسانه‌ها در داخل به اشتباه باعث غبارآلودتر شدن فضای موجود شده و با اظهار نظرهای نسنجیده، تیترهای رسانه‌ای که شائبه دخالت در امور داخلی عراق دارد، باعث افزایش حساسیت و واکنش بخشی از جامعه و گروه‌های سیاسی عراقی می‌شوند. موضوعی که باعث می‌شود در زمان بحرانی شدن و اعتراضات خیابانی تبدیل به مستمسک‌های قابل جستجو و عیان توسط برخی از معترضین علیه ایران شود در نتیجه می‌بایست در این حوزه‌ها بازبینی جدی کرد، چرا که در جهان رسانه و شبکه‌های اجتماعی دیگر هیچ گفته یا نوشتاری محلی و ملی محسوب نمی‌شود و با مانیتورینگ لحظه به لحظه این گفته‌ها بعدی فرامحلی و فراملی به خود می‌گیرند و زمینه

ساز بروز آسیب‌های جدی می‌شوند. پشنگ همچنین می‌افزاید: مساله دیگر به اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی باز می‌گردد همانطور که می‌دانیم ایران در یکی از امنیتی‌ترین مناطق جهان قرار گرفته است و از دیرباز رقابت‌های امنیتی بسیاری وجود داشته است امری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به شرایط منطقه و تعارضی که منافع ایران با منافع برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیدا کرد، تشدید شده است و در نتیجه رویه و اولویت در سیاستگذاری ایران عمدتاً نگاهی امنیتی و سیاسی بوده است تا اقتصادی. یکی از خروجی‌های چنین دیدگاهی اولویت یافتن رابطه سیاسی - امنیتی به جای رابطه زیربنایی و اقتصادی میان دو کشور ایران و عراق است. گرچه در حال حاضر میزان تبادلات ایران و عراق در سطح بالایی قرار دارد و طی دو سال اخیر ایران در صدر روابط بازرگانی و اقتصادی با عراق قرار داشته است اما ظرفیت و کشش طرفین در این حوزه بسیار بیشتر از رقم ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلاری در سال است. سیدصادق حسینی روزنامه نگار هم در ارتباط با تحولات اخیر عراق می‌نویسد: امریکایی‌ها این روزها خوشحال هستند، هم عراق را بی‌ثبات کرده‌اند، هم نخست‌وزیری که آشکارا مخالفش بود را حذف کردند، هم فرماندهان بزرگ نیروهای حشدالشعبی ترور شده‌اند، هم تهدید فعال شدن داعش عملیاتی شده و هم در یک حرکت نمادین آن هم در سالروز تسخیر سفارت امریکا در تهران به کنسولگری‌های ایران در عراق حمله کردند. اگر امریکا در بازی سیاسی تشکیل دولت شکست خورد، یک سال تلاش کرد تا در بازی ناامنی و بی‌ثباتی امتیازات مورد نظرش را بگیرد. برای مردم عراق که مطالبه مبارزه با فساد و ناکارآمدی دارند اما وضعیت بدتر شده. حالا نه دولت دارند نه افقی برای تشکیل دولت و مبارزه با فساد و تبعیض و ناکارآمدی متصور است. حالا دیگر چای شیرین عراقی به تلخی می‌زند.





حمیدرضا شکرهی - دنیای انرژی

سهمیه بندی بنزین دوباره آغاز شد اما با اعتراض و تنش و درگیریهای دامنه داری که در سراسر کشور گسترش یافت. طبیعتا در چنین شرایط التهاب آوری، طرح مباحث کارشناسی و منطقی درباره قیمت بنزین، چندان گوش شنوایی پیدا نمی کند چرا که مشکلات مالی مردم در سالهای اخیر افزایش یافته و دیگر توان تحمل فشار دیگری را ندارند. به ویژه در مورد قیمت بنزین که در کشور ما، همواره همچون تابویی غیر قابل تغییر بوده و هر بار تغییر آن، التهابات و حواشی فراوانی را ایجاد می کرده است. اما آیا همیشه اینگونه بوده است؟

قیمت بنزین طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ از لیتری ۶ ریال به لیتری ۸ ریال و سپس لیتری ۱ تومان افزایش یافته است. در سال ۵۹ قیمت هر لیتر بنزین ۳ تومان شد و تا پایان جنگ ثابت ماند. پس از آن قیمت بنزین هر لیتر ۵ تومان شد و در سال ۷۴ به ۱۰ تومان رسید و از آن زمان که اواخر دوران ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی بود تا اواخر دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی، هر سال قیمت بنزین رشد اندکی متناسب با نرخ تورم پیدا می کرد. همگی به یاد داریم که در آن سالها با پایان تعطیلات نوروزی و اتمام سفرهای نوروزی مردم، قیمت بنزین اندکی افزایش می یافت و همه به این روال عادت کرده بودند. نه خبری از اعتراض بود و نه خبری از ذخیره کردن بنزین. اما در سال ۸۳، مجلس اصولگرای وقت، طرح تثبیت قیمتها را تصویب کرد و اجازه نداد رشد قیمت بنزین به شیوه گذشته تداوم یابد. استدلال نمایندگان محافظه کار مجلس وقت این بود که قیمت بنزین بسیار گران است و باید ارزانتر باشد. آن زمان دولت سیدمحمد خاتمی روی کار بود و تصمیم درباره تثبیت قیمت بنزین، در چارچوب رقابتیهای سیاسی آن روزهای طیف محافظه کار آن زمان

بنزین ارزان، سهمیه بندی، وزیرساختمانی که فراهم نشد!

(اصولگرای امروز) با اصلاح طلبان قابل تبیین و تحلیل است. اما وقتی دولت اصلاح طلب خاتمی، جای خود را به دولت اصولگرای محمود احمدی نژاد داد، شعار تثبیت قیمتها رنگ باخت و اصولگرایان در دولت و مجلس وقت، به واقعیتهای اقتصادی که قیمت بنزین را بالاتر از قیمت لیتری ۸۰ تومان آن روزها نشان می داد پی بردند. اینگونه بود که افزایش قیمت بنزین کلید خورد و در سال ۸۶، طرح سهمیه بندی بنزین آغاز شد. بدین ترتیب هر لیتر بنزین سهمیه ای ۱۰۰ تومان و هر لیتر بنزین آزاد ۴۰۰ تومان عرضه شد که آن زمان تنش هایی ایجاد کرد. اما زمینه ای فراهم شد تا یکی از مهمترین حامل های انرژی یعنی قیمت بنزین، به قیمت واقعی نزدیک شود. در سال ۸۹ بنزین سهمیه ای ۴۰۰ تومان و بنزین آزاد ۷۰۰ تومان شد و چهار سال بعد در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی، قیمت هر لیتر بنزین آزاد و سهمیه ای هر کدام ۳۰۰ تومان افزایش یافت. سال ۹۴، پایان دوران سهمیه بندی بنزین بود. دولت روحانی و به ویژه شخص بیژن



زنگنه وزیر نفت، با سهمیه بندی و دودنرخی کردن بنزین مخالف بودند و آن را فسادآور و عامل زحمت مردم می دانستند و بدین ترتیب عمر کارت سوخت به پایان رسید و بنزین تک نرخه با قیمت لیتری هزار تومان عرضه شد. این تغییر قیمتها، چه در اواخر دولت محمود احمدی نژاد و چه در دولت حسن روحانی با واکنش چندانی از سوی مردم مواجه نشد چراکه رشد قیمت بنزین تقریبا منطقی بود و با سطح درآمدهای مردم تناسب نسبی داشت. مشکل از جایی آغاز شد که از سال ۹۴، نه دولت و نه مجلس، جسارت تغییر قیمت بنزین و اصلاح قیمت حامل های سوخت را پیدا نکردند.

در این مدت، به ویژه از سال ۹۶ قیمتها رشد کرد و مشکلات اقتصادی مردم بیشتر شد. کسی نمی تواند این موضوع را انکار کند که بنزین بسیار ارزان بود و هر لیتر بنزین کمتر از آب معدنی ارزش داشت و به همین دلیل افزایش قیمت آن، بدیهی بود. اما چهار سال دست نزدن به قیمت بنزین و تبدیل کردن بنزین به تابویی غیرقابل تغییر، جسارت را از مسوولان برای اصلاح قیمت بنزین گرفته بود. مجلسیان به هوای نزدیک بودن به انتخابات مجلس و دولت به دلیل نزدیک بودن به انتخابات ریاست جمهوری، تا سال ۹۶ اصلاح اساسی قیمت بنزین را به تاخیر انداختند چون تابوی قیمت بنزین می توانست موجبات کاهش محبوبیت آنها را فراهم سازد. در اواخر سال



۹۶ که تصمیم به افزایش قیمت بنزین گرفتند ناآرامی های دی ماه آن سال، اجرای تصمیم را به تعویق انداخت و حدود یک سال بعد هم لو رفتن تصمیم مسوولان برای افزایش قیمت بنزین، چند ساعت پیش از اجرای طرح، و بروز ازدحام غیرقابل باور در جایگاههای عرضه سوخت، مسوولان را از اجرای طرح منصرف کرد. اما سرانجام وقت موعود فرا رسید و قیمت بنزین همراه با دودنرخی کردن افزایش یافت. اما این تصمیم با واکنش جدی مردم مواجه شد. دلیل اصلی آن را شاید بتوان در دو موضوع جداگانه بررسی کرد. نخست حجم بالای مشکلات اقتصادی مردم در سالهای اخیر به ویژه سه سال گذشته که تورمی نزدیک به پنجاه درصد را ایجاد کرده و سفره مردم را روز به روز کوچکتر کرده است، موجب شد مردم احساس کنند توان مقابله با افزایش نرخ بنزین را که بنا به تجربه می توانست در قیمت سایر کالاها و خدمات تاثیرگذار باشد، ندارند. دومین نکته، غافلگیری مردم در قبال این تصمیم بود که درست در همان زمان اجرای طرح، اطلاع رسانی در مورد آن صورت گرفت و همین امر، ناراحتی مردم را افزون کرد و پس از آن آنچه همگان شاهد بودیم ایجاد شد.

طبیعتا از منظر کارشناسی نمی توان از تثبیت قیمت بنزین و عدم افزایش آن دفاع کرد؛ همانگونه که نمی توان تصمیم به پرداخت یارانه معیشتی را با درآمد مازاد بنزین، تصمیمی دقیق و کاملا قابل دفاع ارزیابی کرد. اما به نظر می رسد دولت و مجموعه دستگاههای تصمیم گیر و تاثیرگذار، در برخی حوزه های مرتبط با موضوع بنزین می توانستند عملکرد بهتری در سالیان گذشته داشته باشند تا زمینه مقبولیت بیشتر این تصمیم را در افکار عمومی فراهم سازند. دو منظر را با هم مرور می کنیم: الف) حمل و نقل عمومی ما در کلان شهرها که در صورت تقویت، می تواند موجب کاهش تقاضا برای استفاده از خودروهای شخصی و به

تبع آن کاهش مصرف بنزین شود، سالهاست درجا می زند. شش سال از استقرار دولت روحانی گذشته اما در این مدت شش سال، به گفته رئیس شورای شهر تهران حتی یک دستگاه اتوبوس از سوی دولت تحویل شرکت واحد نشده! ایستگاههای جدید مترو راه اندازی شده اما تعداد واگن ها آنقدر محدود است که ازدحام در ساعات پررفت و آمد، امان مردم را بریده است و مترو و اتوبوس، ظرفیت کافی برای پاسخ به نیاز مردم را ندارند. سایر کلان شهرها هم اوضاعی بهتر از تهران ندارند. در این سالها توسعه تاکسی های اینترنتی، مردم را به سمت استفاده از خودروهای تک سرنشین و دوسرنشین سوق داده و عملا تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی به فراموشی سپرده شده است. در واقع در سالیان اخیر، مسوولان برای تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی در کلان شهرها گام بلند و محسوسی برنداشتند تا مردم به چشم خود ببینند ناوگان حمل و نقل عمومی توسعه یافته و دعوت از مردم برای استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، یک دعوت بدون تامین زیرساختها نیست.

ب) خودروهای موجود در کشور خودروهایی پرمصرف است که نقش مهمی در رشد مصرف سوخت دارند. در واقع اگر همین خودروهای در اختیار مردم، از استاندارد لازم برخوردار بود، بدون افزایش قیمت و فشار بیشتر به مردم، مصرف بنزین به نصف کاهش می یافت. چراکه میانگین مصرف بنزین در خودروهای استاندارد در دنیا کمتر از ۶ لیتر و در ایران بیشتر از ۱۰ لیتر است و در خودروهایی همچون نیسان وانت که بخش مهمی از حمل و نقل درون شهری و حتی برون شهری کالاها را بر عهده دارند، به بیش از ۱۳ لیتر در هر صد کیلومتر می رسد. طی سالهای اخیر نه تنها خودروسازان داخلی برای ارتقا سطح استاندارد خودروهای تولیدی خود برای صرفه جویی در مصرف سوخت، گام مهمی برنداشته اند و دور باطل گذشته را ادامه داده اند، بلکه در حوزه های جدیدی همچون تولید خودروهای هیبریدی هم ورود نکرده اند. از آن سو دولت برای حمایت از صنعت خودروی ناکارآمد داخلی، نه تنها تعرفه واردات خودرو را افزایش داد بلکه پس از مدتی عملا مانع واردات خودرو شد تا هیچ امکانی برای بهره مندی از خودروهای روز و

مسوولان برای تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی در کلان شهرها گام بلند و محسوسی برنداشتند تا مردم به چشم خود ببینند ناوگان حمل و نقل عمومی توسعه یافته و دعوت از مردم برای استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، یک دعوت بدون تامین زیر ساختها نیست

کم مصرف جهان برای مردم ایجاد نشود. حتی خودروهای هیبریدی که زمانی قرار بود با اتخاذ تصمیمی جدید با تعرفه نزدیک به صفر وارد کشور شوند تا هم زمینه کاهش مصرف سوخت فراهم شود و هم آلودگی شهرها را کاهش دهد، عملا با محدودیتها و موانع فراوانی مواجه شدند. طبیعتا با تولید چنین خودروهای غیراستانداردی در داخل کشور و ممانعت از واردات خودروهای استاندارد و به روز دنیا، نمیتوان صرفا از مردم برای صرفه جویی در مصرف سوخت انتظار داشت.

خلاصه آنکه دو گام مهم برای صرفه جویی در مصرف سوخت، به روزرسانی ناوگان حمل و نقل عمومی و بهبود کیفی خودروها بود که در سالهای اخیر انجام نشد. ای کاش مسوولان به جای تکرار تجربه شکست خورده و تورم زای پرداخت نقدی یارانه، حداقل از بخشی از درآمدهای حاصل از رشد قیمت بنزین، برای توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی و تجهیز زیرساختهایی استفاده می کردند که می تواند در کاهش مصرف سوخت در درازمدت تاثیرگذار باشد. فراموش نکنیم که با تصمیم فعلی مسوولان برای بنزین، اگر بار دیگر هم قرار بر افزایش قیمت بنزین باشد – که قطعاً لزوم آن ایجاد خواهد شد – باز هم شاهد نگرانی و التهاب و حاشیه خواهیم بود. این روند باید در جایی به نقطه پایان برسد. هرچند موارد فوق به معنای مخالفت با افزایش قیمت بنزین نیست و از هر منظری که بنگریم، رشد قیمت بنزین – البته نه لزوما با شیوه کنونی – ضرورتی ناگزیر برای کشور است، اما واقعیت آن است که نه تنها باید برای حامل های انرژی تصمیمات جدی و جامع و درازمدت و تاثیرگذاری اتخاذ کرد، بلکه باید زمینه های اجرای هر طرحی را نیز به طور کامل فراهم ساخت تا علاوه بر کاربردی بودن، زمینه جلب رضایت عامه مردم را نیز، چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت فراهم سازد.

PETRONOL®
Lubricants & Additives

Unit 77, 7th Floor, No.15, Zomorod Tower, Ashrafi Esfehaneh, Tehran, IRAN

+98 21 40442390

+98 21 40442475

www.petronoil.com

info@petronoil.com

۵۰ سال پیش هم یک بار قیمت بنزین یک شبه ۲ برابر شد

ما شاهد روزهایی تاریخی هستیم



نادی صبروی - دنیای انرژی

مقدمه

قیمت بنزین بالاخره تغییر کرد، ظاهرش این بود که این تغییر یک شبه رخ داد، اما اگر سر نخ را بگیریم و به چند ماه عقب‌تر برگردیم، تصمیم برای تغییر قیمت بنزین به خاطر هزار و یک دلیل که به نظر می‌رسد کاستن از انگیزه قاچاق مهم‌ترینش بوده از مدت‌ها پیش وجود داشت و یک بار هم مدیر روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، به خاطر اینکه خبرهایی در مورد آن را با چند رسانه از جمله فارس و تسنیم در میان گذاشته بود طعم بازداشت چند ساعته را چشید. مردم، مانند هر مصرف‌کننده‌ای در هر جای دنیا، واکنش خوبی به این تغییر نشان نداده‌اند؛ طبیعی است، تا دیروز برای یک کالا N تومان پرداخت می‌کردی و امروز قرار است N ضرب در ۳ پرداخت کنی، اصلا حس خوشایندی ندارد و البته دغدغه اصلی مردم هم به نظر می‌رسد افزایش قیمتی است که انتظار دارند روی کالاها پیش بیاورد، هر چند از آن طرف هم احتمالا اگر افزایش قیمت بنزین صورت نمی‌گرفت، بودجه ۹۹ با مالیات‌های سنگینی بسته می‌شد که در نهایت به افزایش هزینه تمام شده تولید کالاها منجر می‌شد و باز هم می‌شد همان آش و همان کاسه. در این گزارش سعی کردیم ۲ دیدگاه در مورد دستکاری قیمت بنزین و کلان‌تر از آن، انرژی را در مقابل هم بیاوریم. یکی از جواد صالحی اصفهانی اقتصاددان ایرانی فارغ‌التحصیل دانشگاه هاروارد که اکنون در دانشگاه ویرجینیا تک به تدریس اقتصاد مشغول است و دیگری فرشاد مومنی استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی که به سخنرانی‌هایش در موسسه دین و اقتصاد مشهور است. چرا این دو نفر؟ چون هر دوی آن‌ها در میان گروه همفکران خودشان این ویژگی را دارند که خوب می‌توانند مباحث را جمع‌بندی کرده و از منظری کلی و همچنین با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص سپهر اقتصادی ایران آن را تحلیل کنند، هر چند در اینجا باید این نکته را نیز در نظر گرفت که فرشاد مومنی گاهی اوقات از ادبیات آکادمیک دور می‌شود. . برای اینکه بدانیم ما در تاریخ کشورمان تنها مردمی نیستیم که شاهد یک شبه چند برابر شدن قیمت سوخت باشیم، تحلیلی از هادی صالحی اصفهانی برادر جواد صالحی اصفهانی درباره تجربه دوبرابر شدن قیمت بنزین ایران در دهه ۴۰ هم ضمیمه این مطلب شده است.

نیروی کار در ایران به گواه شاخص‌های مختلف، نیروی

گرانی نیست اما با این وجود همواره در رقابت با چیزی بوده

که به گرد پای آن رسیدن کار راحتی نیست: «یارانه‌های

سنگین انرژی»

کنار شنیده می‌شد، قیمت ارز تغییرات زیادی

کرده بود و اختلاف شدید قیمت سوخت میان

ایران و کشورهای همسایه به ویژه افغانستان،

انگیزه قاچاق را بسیار بالا برده بود. اما چیزی

که صالحی اصفهانی در این گفت و گو از آن

صحبت می‌کرد قاچاق نبود، از دید اقتصاددان

کهنه‌کار و دنیا دیده‌ای مانند او چیز مهم‌تری

در این میان با واقعی نبودن قیمت سوخت و

به طور کلی «انرژی» در حال قربانی شدن بود:

تولید و اشتغال. در جایی از این گفت و گو این

استاد اقتصاد دانشگاه ویرجینیا تک می‌گفت:

«من اهل نیشابور هستم، چند وقت پیش به

شهرم رفته بودم و دیدم کارخانه‌ها چقدر

مکانیزه شده‌اند.» خب احتمالا به نظر شما

می‌آید که چقدر خوب که یک ناظر بیرونی

درباره کارخانه‌های ایران همچین نظری

داشته باشد، اما ادامه صحبت‌های صالحی

اصفهانی بعد دیگری از ماجرا را نشان می‌دهد:

«برایم عجیب است، وقتی کارگر پشت در

کارخانه بیکار باشد دستگاه‌های مکانیزه در

حال فعالیت باشند». این اقتصاددان در ادامه

در این گفت و گو شرح می‌دهد که از نظر

او چیزی که باعث می‌شود کارگر پشت در

کارخانه بیکار باشد اما در کارخانه از تجهیزات

مکانیزه استفاده شود «غیر واقعی بودن

قیمت انرژی» است. وقتی مجری از او سوال

می‌کرد که یعنی مثلا حرکت کارخانه‌های

اروپایی به سمت مکانیزه‌تر شدن به این دلیل

بوده که قیمت کارگر برایشان گران‌تر تمام

می‌شده او جواب می‌داد که دقیقا این انتخاب

کارخانه‌های اروپا از سر اجبار به خاطر گران

بودن نیروی کار بوده است، چیزی که در

ایران صدق نمی‌کند. نیروی کار در ایران به

گواه شاخص‌های مختلف، نیروی گرانی نیست

اما با این وجود همواره در رقابت با چیزی

بوده که به گرد پای آن رسیدن کار راحتی

نیست: «یارانه‌های سنگین انرژی». تجربه یک

شبه چند برابر شدن قیمت سوخت البته در

تاریخ ایران نمونه مشابه دارد. این چیزی است

که یک بار هادی صالحی اصفهانی برادر جواد

صالحی اصفهانی که او هم در امریکا البته در

دانشگاه ایلینویز اقتصاد تدریس می‌کند در

یک گفت‌وگوی ویدیویی به آن اشاره می‌کند.

طبق روایت او، اوایل دهه ۴۰ که هادی یک

دانش‌آموز در نیشابور بوده، قیمت بنزین در

ایران یک شبه ۲ برابر می‌شود. اما یک تفاوت

عمده این تغییر با تغییری که اکنون در بنزین

رخ داده این بوده که در آن دهه تصمیم بر این

می‌شود که قیمت بنزین ایران به عنوان یک

تولیدکننده نفت «بالا‌تر از قیمت جهانی» قرار

بگیرد و حتی گران‌تر از قیمت بنزین امریکا

باشد. تفاوت دوم هم در تصمیمی است که

برای منابع مالی آزاد شده از محل افزایش

قیمت گرفته می‌شود. سیاست‌گذاران دهه

۴۰ منابعی که از بالا رفتن قیمت سوخت

آزاد می‌شود را صرف توسعه زیر ساخت و

یک سری برنامه‌های آموزشی از جمله اعزام

دانشجو به خارج از ایران می‌کنند، تغییر

اخیر در قیمت بنزین و رسیدن حالت غیر

سهمیه‌ای آن به لیتری ۳۰۰۰ تومان اما

آن‌طور که اعلام شده تماما قرار است صرف

حمایت از اقشار ضعیف جامعه بشود که البته

برای فهم این تدابیر لازم است موقعیت فعلی

ایران در حوزه بین‌الملل را نیز از یاد ببریم. اما

به هر حال اگرچه بسیاری اقتصاددان‌ها همواره

از واقعی شدن قیمت انرژی حمایت می‌کنند

و آن را متضمن بهتر شدن وضعیت مردم در

میان‌مدت و درازمدت می‌دانند، هستند کسانی

که شاید البته با نگاهی بیشتر کوچه و بازاری و

کمتری تاریخی و علمی، اما پرترفدار، هم کل

این سیاست را زیر سوال می‌برند و هم در بهترین

حالت اجرای آن را منوط به وجود شرایطی

خاص می‌کنند، شاید بتوان «فرشاد مومنی» را

سردسته‌ی آن‌ها دانست که زمان فعلی را زمانی

نامناسب برای این تغییر توصیف کرده است .

آن‌طور که ایلنا جدیدترین صحبت‌های این



پیش از تجربه افزایش قیمت حامل‌های انرژی در دی ماه ۱۳۸۹،

سالانه یک درصد جمعیت ایران از ناحیه هزینه‌های کمرشکن درمان

به زیر خط فقر می‌افتادند در حالی که در اولین سال پس از اجرای

این سیاست ضریب آن به ۳ برابر افزایش یافته است

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی را پوشش داده، او در این اظهارات نسبت به تبعات «انسانی»،

«اجتماعی» و «محیط زیستی» افزایش قیمت حامل‌های انرژی در ایران هشدار داده است. مومنی در

اثبات این ادعای خود گفته است که در گزارش کمیسیون بهداشت و کمیسیون اجتماعی مجلس و

نیز وزارت بهداشت به صراحت اشاره شده است که پیش از تجربه افزایش قیمت حامل‌های انرژی در

دی ماه ۱۳۸۹، سالانه یک درصد جمعیت ایران از ناحیه هزینه‌های کمرشکن درمان به زیر خط فقر

می‌افتادند در حالی که در اولین سال پس از اجرای این سیاست ضریب آن به ۳ برابر افزایش یافته

است. این اقتصاددان گفته است تقریبا تمامی مطالعات نشان دهنده این هستند که هزینه‌های سلامت

در ایران با هر یک واحد افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ۲.۵ تا ۳.۵ برابر افزایش می‌یابند، جملاتی که

البته باید در نظر داشت با توجه به وعده‌ای که در خصوص ثابت ماندن سطح قیمت‌ها در افزایش قیمت

بنزین که اخیرا اعمال شده داده شده است، می‌تواند این بار رخ ندهد. با نگاهی به دیدگاه‌های مختلفی

که درباره قیمت سوخت و انرژی وجود دارد، فارغ از اینکه تصمیم اخیر به مذاقمان خوش آمده یا نه

و فارغ از اینکه در روزها و ماه‌های پیش رو چه اتفاقی رخ دهد، می‌شود یک چیز را با اطمینان گفت:

رویدادهایی که این روزها شاهد آن هستیم احتمالا در آن دسته‌ای قرار خواهند گرفت که مثل تغییرات

دهه ۴۰، دهه‌ها بعد درباره اثراتی که بر آینده ایران گذاشته‌اند بحث خواهد شد.



تجربه طولانی در نظامات بین المللی گذشته به درستی نشان داده است که حاکمیت دولتی در اجرای فعالیت های اقتصادی من جمله صنعت احداث نمی تواند کارا باشد و قطعا محکوم به شکست است



عرصه مهندسی و اجرای طرحها و پروژه های صنعت نفت، کوشش در جهت ارتقاء شأن و منزلت حرفه مهندسی و پیمانکاری و تلاش در راستای شکل گیری و توسعه نظام ها و تشکل های مهندسی و حرفه ای در کشور و اعتلای سطح علمی و فنی و اعضاء از طریق ارتباط و همکاری مستمر با مراکز و نهادهای علمی و انتقال تجربیات و نتایج مطالعات در مورد نیازهای فنی و حرفه ای و ارائه طرح ها و روش های نوین علمی و اجرایی و توسعه استانداردها، ضوابط، مقررات و معیارهای فنی و علمی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی و توسعه منابع انسانی از طریق آموزش و یادگیری مداوم سازمانی از جمله اهداف این انجمن به شمار می رود . انجمن اپک دارای ۲۸۰ عضو فعال در صنعت احداث شامل پیمانکاران C/EPC/GC/E&P و همچنین مهندسين مشاور شاغل صنعت نفت در بخش های مختلف و همچنین پیمانکاران و مشاوران در سایر حوزه های وابسته صنعت احداث من جمله کارهای سیویل می باشد . از جمله پروژه های انجام یافته در این انجمن می توان به پروژه های متنوعی در پالایشگاه های نفتی و گازی، کارخانجات پتروشیمی، خطوط لوله اصلی انتقال گاز و تاسیسات وابسته و اتمام نزدیک به ۹۷۲ در پروژه های مختلف صنعت نفت توسط اعضاء اشاره نمود که زمینه فعالیت

انجمن صنفی کارفرمایی شرکتهای مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی (APEC) به عنوان بزرگترین انجمن در صنعت احداث کشور خصوصا در صنعت نفت از دو دهه پیش با حضور تعدادی از شرکتهای مطرح در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی با به عرصه وجود گذاشت. اعضای این انجمن فعالیت خودشان را در صنعت گاز منطقه عسلویه و فاز ۱ آغاز نمودند و در کارنامه افتخارات این انجمن فاز ۱۲ به عنوان یکی بزرگترین فازهای گازی عسلویه خوش درخشیده است . گسترش ارتباط و تداوم و تحکیم پیوند و همبستگی با ارکان صنعت نفت در جهت خودکفایی ملی در

پایین دستی صنعت نفت مثبت است در این نمایشگاه می توان به معرفی ساختارهای پروژه های پایین دستی، مدیریت اجرای پروژه ها، حضور بخش خصوصی فعال در این عرصه پرداخت . بخش اعظم پتانسل انجمن اپک در بخش فعالیت پایین دستی است و پیمانکاران انجمن ما در دو دهه گذشته در تمام پروژه های پایین دستی صنعت نفت فعال بودند .

وضعیت کنونی تجارت نفت و فرآورده های نفتی، مشکلات و تنگناهای موجود و راه های برون رفت از آن

تجارت نفت به معنای فروش نفت خام نیست بلکه ورود به صادرات فرآورده های نفتی با ارزش افزوده بالاست که تبلور آن عمدتا در صنایع پتروشیمی و سایر محصولات مشابه در صنعت گاز است . در حال حاضر در شرایط خاص جنگ اقتصادی و تحریم بسیار سنگین مواجهیم و در این ارتباط انتقال تکنولوژی رایج در سطح بین المللی مشکل است ولی می توان این تنگناها را با هوشیاری به فرصت تبدیل نمود و با فراهم آوردن امکانات برای شرکتهای دانش بنیان در سطح کلان این کمبودها را به حداقل برسانیم .

۴۵ هزار نفر را در این انجمن ایجاد کرده است که اغلب این اعضا دارای تحصیلات دانشگاهی در بخش های صنعت احداث هستند. مهندس محمدرضا طبیب زاده عضو هیئت مدیره این انجمن ضمن معرفی انجمن اپک، به سوالات خبرنگار دنیای انرژی در خصوص رویدادها و مشکلات روز تشکل های خصوصی صنعت نفت پاسخ گفت :

اولین نمایشگاه پایین دستی نفت و لزوم حضور بخش خصوصی در عرصه های نمایشگاهی

قطعا نظر این تشکل خصوصی در مورد برگزاری اولین نمایشگاه فعالیت های

وضعیت توسعه تجارت با کشورهای همسایه

کشور ما از موقعیت بسیار مناسب در منطقه و در فضای تجارت با همسایگان قرار دارد. بخش قابل توجهی از همسایگان ما نیاز مبرم به گاز و نفت و صنایع وابسته به آن دارند این مساله هم می تواند در مورد صدور خدمات فنی مهندسی و یا کالای نفتی صورت گیرد. انجمن APEC به عنوان یک پتانسیل بالقوه در سطح کشور در این مسیر فکر و حرکت می نماید که به محض فضای مساعد سیاسی بتواند در وهله اول با کشورهای همسایه خصوصا افغانستان ، عراق و کشورهای CIS به منظور تبادلات فنی و مهندسی کالا و تجهیزات ورود نماید . البته باز شدن سیستم بانکی و خصوصا Swift برای تسهیل در این مورد از اولویت اول برخوردار است و نقش وزارت امور خارجه بر اساس مواد ۹ و ۱۰ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار در مورد ایجاد پلتفرم های لازم در این مورد بسیار مهم است .

اولویت APEC در توسعه خدمات فنی و مهندسی نفت

پیمانکاران و مهندسین عضو APEC هر کدام با توجه به علائق و سلائی خود در حوزه صدور خدمات مهندسی فعالند. این فعالیت و تبلور در صنایع نفت عراق بسیار چشم گیرتر به نظر می رسد . البته با کشورهای CIS و شرکتهای منطقه ای نیز در این زمینه می توان با توجه به امکانات موجود در صدور خدمات مهندسی فعال شد . بر این اساس اولویت شرکتهای عضو ما بایستی هدف گیری در صدور خدمات فنی مهندسی به همراه ورود به پروژه های داخلی را در اولویت قرار دهند و مسئولان نظام نیز باید از شرکتهای بخش خصوصی در عمل پشتیبانی لازم را بنمایند .

وضعیت خصوصی سازی و حمایت دولت از تشکل های خصوصی

بر اساس گفته ها و شنیده های مقامات رسمی دولتی، خصوصی سازی به معنای واقعی صورت نگرفته

است. بر اساس قانون اجرای سیاست های اصل ۴۴ و مندرجات سند چشم انداز تا افق سال ۱۴۰۴ برای جایگزینی کامل بخش دولتی به بخش خصوصی اقدامی میسر انجام نگرفته است . از طرفی جایگاه بخش خصوصی در کشور نیز علیرغم وجود قوانین کاملا شفاف بالادستی من جمله آخرین قانون مرتبط با عنوان قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و ورود اتاق و حضور شورای گفتگو در این قانون به عنوان مدخل ورود برای ارائه خواسته های بخش خصوصی به مسئولان سه قوه گرچه قدم هایی برداشته شده است ولی به واقع برای بخش خصوصی راضی کننده نیست . انتظار ما به عنوان فعالان صنعت احداث این است که شرایط اتاق ها به نحوی تعریف و تبیین شوند که نمایندگان واقعی بخش خصوصی از صنعت احداث بتوانند به صورت فعالانه حضور بیشتری داشته باشند و در شرایط موجود مضيقه بخش خصوصی رفع شود . همچنین قوه مجریه بخش خصوصی

را رقیب خود نداند و فعالیت خود از حالت حاکمیتی به فضای رگولاتوری بدل نماید و به واقع کار را به بخش خصوصی واقعی بسپارد. تجربه طولانی در نظامات بین المللی گذشته به درستی نشان داده است که حاکمیت دولتی در اجرای فعالیت های اقتصادی من جمله صنعت احداث نمی تواند کارا باشد و قطعاً محکوم به شکست است .

روابط APEC با تشکل ها و انجمن های

موازی نفت

از مهمترین اهداف این انجمن همکاری با تشکل ها، فدراسیون ها و نهائتا ورود به کنفدراسیون ها است. هم اکنون انجمن APEC در فدراسیون صنعت نفت، فدراسیون صادرات انرژی و صنایع وابسته، شورای هماهنگی تشکل ها ، موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث و انرژی، شورای گفتگو، انجمن نفت ایران، کمیسیون انرژی اتاق و همچنین زیر ساختهای اتاق کاملاً فعال عمل می نماید. اعضای اپک معتقدند که صدای خواسته هایشان به ذی نفعان در قالب چند صدایی و اجماع به مراتب کارا تر است.

توسعه استارت آپ ها و شرکتهای

دانش بنیان

بطور مشخص موضوع استارت آپها چه در صنعت نفت و چه در بخش های دیگر، پشتیبانی و بکارگیری سرمایه های بخش خصوصی را نیازمند بوده و دولت باید از فضای موجود خود خارج شده و نگرش خود را در مورد بخش خصوصی به عنوان یک رقیب کنار بگذارد و چنین تصور نماید که ورود به بازارهای نوین در سطح جهانی و انتقال تکنولوژی از درون و داخل کشور از طریق شرکتهای دانش بنیان تنها و تنها توسط بخش خصوصی مسئولیت پذیر و زیرساختهای آن صورت می گیرد . در شرایط موجود استارتاپ مشخصی در صنعت نفت نداریم چرا که این صنعت کلاً در اختیار

از جمله پروژه های انجام یافته انجمن اپک می توان به اتمام نزدیک به ۹۷۲ در پروژه های مختلف صنعت نفت توسط اعضا اشاره نمود که زمینه فعالیت ۴۵ هزار نفر را در این انجمن ایجاد کرده است که اغلب این اعضا دارای تحصیلات دانشگاهی در بخش های صنعت احداث هستند

دولت بوده و بخش خصوصی تنها با تعریف پروژه ها (یعنی شروع استارت اپ) توسط دولت وارد حلقه فعالیت شده و در تصمیم گیری و تصمیم سازی ها این بخش تصرفی ندارد .

فعالیت های برون مرزی APEC

سه عامل مهم کیفیت، کمیت و زمان به عنوان مبانی اخلاق حرفه ای اعضای اپک به شمار میروند و با توجه به تنگناهای موجود در کشور و نبود تامین منابع مالی، عدم داشتن رتبه بندی بین المللی و نداشتن امکانات مالی در سیستم بانکی و نداشتن پاره ای از استانداردهای بین المللی در تولید داخلی کشور، اعضای انجمن اپک فعالیت آن چنانی در مناقصات بین المللی ندارند .

وضعیت بانکی کشور در فعالیت APEC

بی تردید وضعیت بانکی کشور، نبود سهولت در امکانات بازار پول و همچنین بازار سرمایه روان در فضای کسب و کار اعضای APEC اثرات جدی داشته است. دولت در چند سال گذشته در مورد تامین منابع مالی پروژه ها، تعهدات را عمدتاً به دوش پیمانکاران انداخته است و عملاً دولت برای اجرای پروژه ها امکاناتی ندارد و شروع همکاری با پیمانکاران برای ورود به پروژه ها نیازمند تامین منابع مالی از منابع غیر دولتی است که در این راستا ساختارهای لازم دولتی برای کمک به پیمانکاران یا وجود ندارد یا اگر وجود داشته باشد ممکن است در عمل دچار مشکلات عدیده باشد .

وضعیت کنونی خدمات فنی و مهندسی نفت

حضور نزدیک به ۲۸۰ عضو انجمن APEC فعال در حوزه های پیمانکاران C/GC/E&P/EPC و همچنین متجاوز از ۷۰ مهندس مشاور در زمینه های مختلف صنایع نفت بهترین گواه در وجود نقش این انجمن در صنایع بالادستی، میان دستی و پایین دستی است . با مقایسه پتانسیل های اعضای انجمن APEC و با نگاه به موضوع PPP = Purchasing Power Parity به عنوان یک مدل بین المللی در شرایط کنونی اعضای انجمن APEC با رکود قابل توجه در خدمات فنی مهندسی چه در داخل و خارج مواجه هستند و عملاً جایگاه بخش خصوصی توسط بخش دولتی و شبه دولتی گرفته شده است که ما همواره این گلایه را به مسئولان منعکس نموده ایم .



اوپک می‌تواند دریچه کوچک ارتباط دو همسایه شود؟

نادی صبری - دنیای انرژی

مقدمه

بدگمانی به عضو شدن در سازمان‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی در ایران فقط مربوط به روزهایی که ما در آن زندگی می‌کنیم نمی‌شود، لایه‌لای کتاب خاطرات دکتر فواد روحانی نماینده ایران در اوپک و اولین دبیر کل این سازمان می‌شود دریافت که ایران و البته بهتر بگوییم شاه سابق، برای اینکه ایران هم در کنار اتحادی که داشت بین ونزوئلا و اعراب شکل می‌گرفت قرار بگیرد یا نه شک و تردید داشته و تا مدتی هم دم لای تله نمی‌دهد اما بالاخره این اتفاق میافتد و اوپک به لاینفک نفت ایران تبدیل می‌شود آن‌قدری که حالا در وزارت نفت یک اداره کل به نام این سازمان وجود دارد. چند وقت پیش در حاشیه یکی از همایش‌های اقتصادی، دکتر جواد یارجانی که به خاطر سال‌ها فعالیت به عنوان رییس این اداره کل، کوله‌باری از تجربه دارد ملاقات کردم. ذهنم با این سوال در گیر بود که انتصاب عبدالعزیز بن سلمان به سمت وزیر انرژی عربستان که نخستین منصوب شدن عضوی از خاندان سلطنتی به این عنوان به حساب می‌آید چه اثری بر سازمان دارد؟ این سوال از این جهت برایم ایجاد شده بود که به نظرم می‌آمد اگر فضای اوپک سیاسی تر شود قاعدتا ایران هم باید در دودوتا چهارتاهایی که آنجا دارد تجدید نظر کند. سوال را با دکتر یارجانی مطرح کردم و نه فقط جوابی جالب توجه برای آن بلکه نکاتی خواندنی و شنیدنی فراتر از این مسئله شنیدم، از جلسه‌ای که اخیرا در اوپک برگزار شده و از مپنا و سابیک به عنوان نماد صنعت ایران و عربستان در آن تقدیر شده، تا نوع شخصیت عبدالعزیز بن سلمان. شما را به خواندن این گپ و گفت دعوت می‌کنم.

وقتی از دکتر یارجانی درباره این سوال کردم که آیا از نظرش تغییر وزیر انرژی عربستان به معنای سیاسی تر شدن فضای اوپک و در نتیجه بیانگر نیاز ایران به اتخاذ سیاست‌های جدید در این سازمان است اول سوال من را به طور مستقیم جواب نداد، پاسخش ابتدا من را گیج کرد اما کم کم متوجه منظور او از این



جواب شدم. رئیس اسبق اداره کل اوپک و مجامع بین المللی وزارت نفت اول از همه از این صحبت کرد که باید توجه کرد درست است اوپک تنها سازمان مربوط به کشورهای در حال توسعه است و ۶ دهه به موجودیتش ادامه داده اما «نباید» اوپک را بیشتر از چیزی که هست ارزیابی کرد و روی آن امید بنا کرد. در دنیای امروز پدیده **overestimate** یکی از بزرگ‌ترین مشکلات است و شاید کمتر کسی به جز افرادی که از نزدیک مسائل مربوط با چیزی مثل اوپک را لمس کرده باشند می‌تواند تصویری واقعی از آنچه بودن در این سازمان به طور کلی برای ایران یا هر کشوری دارد ترسیم کند.

دکتر یارجانی به همین نکته هم بسنده نکرد و از چیزهای بیشتر و مهم‌تری که باید به آن توجه کرد تا کشوری موفق‌تر بود صحبت کرد؛ خلاصه‌اش می‌شود «اهمیت چطور خرج کردن پول نفت». او در این مورد گفت: «در دوره پهلوی سال ۵۱ و ۵۲ قیمت نفت ۴ برابر شد اما این پول صرف خرج‌های نادرست شد و کشور دچار تورم شد. این موضوع یکی از عوامل تسریع‌کننده انقلاب هم بود». دکتر یارجانی در واقع بر این باور است که تحولات درونی اوپک و کشورهای عضو اگرچه برای ما مهم است اما چیزی که از آن باید برای ما مهم‌تر باشد این است که بالاخره پس از سالیان سال دریابیم که باید درآمدهای حاصل از فروش نفت را چطور خرج کنیم. او بر این باور است که چیزی که باید اکنون مسئله اساسی برای همه ایرانی‌ها باشد این است که اجازه ندهیم وابستگی دنیا به ما به عنوان تامین‌کننده انرژی کم بشود، خب اگر ما این را به عنوان یک هدف قبول کنیم و با در نظر گرفتن اینکه اوپک قرار نیست برایمان معجزه کند و فقط یک ابزار از بین ابزارهای مختلف به حساب می‌آید، آیا تغییر مهره از سوی کشوری مانند عربستان سیگنالی می‌دهد که لازم است ایران هم به عنوان یک کشور عضو تغییر سیاست و استراتژی در پیش بگیرد؟ از دیدگاه رئیس سابق اداره امور اوپک وزارت نفت، انتخاب عبدالعزیز بن سلمان

از منظری می‌تواند «فرصت» محسوب شود، او می‌گوید در وضعیتی که مقامات ایران و عربستان با یکدیگر ارتباطی ندارند، وجود کسی در اوپک که هم دیپلمات است، هم از خاندان سلطنتی است و هم با هیات ایرانی رابطه خوبی دارد می‌تواند دریچه‌ای هر چند کوچک برای تعامل دو همسایه که سال‌های اخیر رابطه شان همواره شکرآب بوده را باز کند.

یارجانی که از فضای اوپک شناخت خوبی دارد می‌گوید: روابط ایران و عربستان البته فقط نفت نیست و دست‌هایی در کار است که به هیچ وجه نگذارند این دو کشور بزرگ منطقه به همدیگر نزدیک شوند. در سیاست امریکا برنارد لوییس یک تئورسین بوده است که می‌گویند کسینجر از او مشورت می‌گرفته، همه کسانی که دنبال خاورمیانه جدید بودند از این تفکر سرچشمه می‌گیرند. او به اسرائیل بسیار نزدیک بوده است. باور این گروه درباره منطقه‌ای که ما در آن قرار داریم این است که باید از این تفاوت‌های مذهبی و ملی در منطقه استفاده کنند تا این کشورها دائم در حال برخورد باشند. این‌ها توانستند جنگ‌های زیادی را در منطقه به راه بیندازند و اوپک هم در همین راستا خاری در چشم



آن‌ها است، چرا که جایی است که در آن اینگونه کشورها می‌توانند با هم حرف بزنند. تبدیل شدن اوپک به ابزاری برای رفع کدورت میان کشورهای عضو البته بی‌سابقه هم نیست. دکتر یارجانی در این مورد خاطره‌ای تعریف کرده و گفت: یک بار من شاهد بودم در دهه ۹۰ رابطه ایران و ونزوئلا در دولت قبل از چاوز بد شد و حتی به قطع رابطه هم رسید، تنها جایی که این دو کشور توانستند با هم حرف بزنند اوپک بود. نماینده ایران و ونزوئلا با هم صحبت کردند و مسئله حل شد. او بر این باور است که اگرچه این مسئله در مقایسه با آنچه که بین ایران و عربستان اتفاق افتاده بسیار کوچک است اما اوپک می‌تواند

در وضعیتی که مقامات ایران و عربستان با یکدیگر ارتباطی ندارند، وجود کسی در اوپک که هم دیپلمات است، هم از خاندان سلطنتی است و هم با هیات ایرانی رابطه خوبی دارد می‌تواند دریچه‌ای هر چند کوچک برای تعامل دو همسایه که سال‌های اخیر رابطه شان همواره شکرآب بوده را باز کند

جای مناسبی برای شروع باشد، شروعی که حتما «درک مناسب» بین دو طرف لازمه آن است. از نظر دکتر یارجانی احترامی که در اوپک، به عنوان سازمانی که در آن بشکه‌های نفت تعیین‌کننده وزنه و جایگاه یک کشور است برای ایران قائل می‌شوند به خاطر سابقه طولانی افراد ایرانی همچون بیژن زنگنه وزیر نفت در آن جاست. در تشریح همین دیدگاه بود که یارجانی از یک نشست که اخیرا در اوپک برگزار شده صحبت کرد و گفت: اخیرا مپنا به عنوان نمونه موفق صنعت ایران به همراه سابیک عربستان به درخواست دبیرکل اوپک به وین رفتند تا کشورهای دیگر ببینند این دو کشور عضو چه توانایی‌هایی دارند. اما نکته‌ای که از نظر رئیس اسبق اداره اوپک وزارت نفت ایران در این رخداد توجه‌برانگیز است چیست؟ او در این مورد گفت: «ما می‌دانیم سابیک سابیک است چون هیچ مشکلی برای گرفتن تکنولوژی ندارد اما اگر مپنا مپنا است به خاطر تلاش بزرگانی مثل آقای زنگنه در زمان تاسیس آن است، علی‌رغم مشکلات آن‌ها از این دوران گذشتند، کسانی چون مهندس صفایی فراهانی بودند که باعث شدند مپنا افتخار شود. دبیر کل اوپک در این جلسه گفت اگر من بودم برای آقای زنگنه درخواست نوبل صنعت می‌کردم.»

هنر ورشکست کردن شرکت ها



دکتر سید مرتضی هاشمی
مدیر عامل شرکت پروتاک

در ادبیات اقتصادی، ورشکستگی به معنی وضع نامطلوب مالی، شکست اقتصادی و عدم قدرت پرداخت دیون است و یک بنگاه اقتصادی زمانی ورشکسته تلقی می شود که قدرت پرداخت بدهی خود را نداشته باشد و یا نصف سرمایه اولیه خود را از دست داده باشد. عوامل متعددی از جمله ویژگی های سیستم اقتصادی که بنگاه در آن فعالیت می کند از نظر باز وبسته بودن، تغییرات در تجارت، تغییرات در تقاضا، تکنولوژی، پارادایم صنعت، نیاز مشتری و ... در ورشکستگی دخیل می باشد. یک شرکت ناگهان و غیر منتظره دچار ورشکستگی نمی شود بلکه دارای مرحله نهفته ای است که برای مدت مدیدی قابل شناسایی نباشد و طبیعی است که شناسایی عوامل منتج به ورشکستگی در مرحله نهفتگی می تواند تا حدود زیادی از بروز این پدیده جلوگیری کند.

تحریم ها بهانه ای برای نادیده گرفتن سوء مدیریت و زیان انباشته در شرکتی شد که از سال ۱۳۵۱ با همکاری بخش خصوصی در اراک با زمینی به مساحت ۹۰هکتار با هدف مونتاژ ماشین آلات راه سازی تاسیس شد و ۵۵٪ از سهام شرکت متعلق به سازمان گسترش و

نوسازی صنایع ایران و ۴۵٪ از آن متعلق

به برادران رضایی بود. شرکت هپکو در

زمینه ماشین آلات کشاورزی، معدنی،

واگن ها، کامیون ها، جرثقیل، تجهیزات

معادن، نیروگاه ها، سد ها، تجهیزات صنایع

نفت و گاز و ... فعالیت می کرد. درسال ۱۳۸۵

به بهانه اجرای سیاست اصل ۴۴ این مجموعه

به عددی نزدیک به ۷۴۰میلیارد ریال به بخش

خصوصی واگذار گردید. مدیر جدید هنر این

را داشت که یک شرکت ۵۰ ساله بین المللی

با هزاران کارگر و بازار انحصاری را به

مرحله ورشکستگی بکشاند. در ورشکستگی

شرکت هایی از قبیل هپکو، آذر آب، آلومنیوم

سازی اراک و ... چه عواملی دخیل هستند

هدف از طرح این مساله شناسایی عوامل

تاثیرگذار در ورشکستگی شرکت ها در ایران

در مقایسه با کشورهای پیشرفته است :

با نگاه دقیق مشخص می شود که علت

ورشکستگی در شرکت های دولتی و یا

خصولتی با شرکت های خصوصی کاملا

متفاوت است. در ابتدا لازم است به صورت

اجمالی نگاهی به اقتصاد ایران داشته باشیم،

سهم شرکت های دولتی از اقتصاد ایران

حدود ۴۸٪ و سهم دولت در تولید ناخالص

داخلی ۱۹.۵٪ و ارگان هایی از قبیل ستاد

اجرایی، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، بنیاد

تعاون ارتش و سپاه و... حدود ۱۰٪ می باشد

و مابقی سهم شرکت های خصوصی می باشد.

در شرکت های دولتی و خصولتی با اغماض

از اینکه دولتی هستند و یا خصوصی، نحوه

انتخاب مدیریت و هیئت مدیره در آن

سازمان ها، نحوه ارزیابی، اینکه ورشکست

هستند و یا نه؟ ما تنها به علل و عوامل

ورشکستگی و عدم کارایی اشاره خواهیم کرد.

اکثر این شرکت ها یا ورشکسته هستند که به

دلیل سانسور خبری و دولتی بودن اعلام نمی

شود و یا در مرحله نهفته ورشکستگی می باشند

که دارای کارایی و قابلیت لازم نیستند و تعداد

دیگری که به ظاهر سودده می باشند بالطبع

از حمایت ۱۰۰٪ دولتی و رانت و ایجاد بازار

انحصاری و مونوپل بهره می برند. علت تمامی

این مشکلات چیست ؟ در چه سازمان هایی

فساد و اختلاس شکل می گیرد؟ روزی رد نمی

شود که خبر از فساد سازمان یافته، اختلاس،

ورشکستگی و... از اخبار شنیده نشود. ریشه

تمامی این مشکلات در کجاست؟ با نگاهی

اجمالی به ظاهر سازمان های اقتصادی

غیرخصوصی(دولتی، خصولتی، ارگانی، نظامی

و...) تمامی موارد به ظاهر درست چیده

شده است، دفاتر مرکزی با متراژ بالا و جای

مناسب، پول فراوان، امکانات سخت افزاری

فراوان، بودجه بی حساب و کتاب، روابط

خارجی سازمانی بسیار خوب، نفوذ در سایر

دستگاه ها، رانت دولتی و خبری و روابط ویژه

شرکت های خصوصی به جهت مارکتینگ، شناسایی مشتریان بالقوه،

تبدیل مشتریان بالقوه به بالفعل، چگونگی و ابزار بازاریابی به شدت رنج

می برند و از آن جا که مالک هستند هزینه کردن در موضوعات فوق

علی الخصوص برندینگ و بازاریابی برای آنها سخت و بیهوده تلقی

می شود و امکان مواجهه با مشتری ناراضی را ندارند

با سایر سازمان ها و ... پس چرا این شرکت ها باز ورشکست می شوند؟ یا توانایی و قابلیت لازم

را ندارند؟ با بررسی و نگاهی عارضه یابانه نبود کار ریشه ای اولین موضوعی است که به چشم

می خورد، نبود سیستم تفکر و تعقل، عدم ثبات مدیریت، آینده نگری و... از دلایل اولیه می باشد.

در سال های اولیه فعالیت هر شرکتی، ابتدا می بایست به جای رشدی مانند گیاه کدو که ریشه

ای ندارد و فقط تنه بزرگ می کند، به دنبال ریشه بود مرحله معرفی شرکت مرحله دواندن

ریشه است و تنها از این طریق امکان ادامه حیات میسر می شود. براساس قانون دوم پارکینسون

هر مدیری یک درجه از مدیر بالا دستی خود پایین تر است و یا به عبارتی هر مدیری در هر

انتصابی که انجام می دهد نفرات بعدی زیر مجموعه خود را یک درجه پایین تر از خود انتخاب

می کند. معیار انتخاب مدیر در یک مجموعه اقتصادی چیست؟ چه میزان معیارها با معیارهای

انتخاب مدیر در کشورهای پیشرفته مطابقت دارد؟ مدیر ارشد یک مجموعه که می بایست

دارای تفکر سیستمی و استراتژیک باشد و تمامی المان های مربوط به رشد، سود دهی و بقاء

سازمان را رعایت کند و همچنین انتصابات حرفه ای و درست انجام دهد، تصمیمات استراتژیک

را اتخاذ نماید، مدیریت درست برندینگ و منابع انسانی را به درستی انجام دهد که منجر به

ایجاد انگیزه و نشاط در سازمان شود، رهبری درست و کاریزما برای سازمان باشد و هزاران المان

دیگر... چگونه انتخاب میشود؟ علی الخصوص در سازمان های بروکراتیک که ذاتا ایجاد تغییرات

و انگیزه در این نوع از سازمان ها سخت می باشد و کار اجرایی بر دوش مدیران میانی است که

می بایست توسط مدیر ارشد انتخاب گردند، چه میزان ضوابط در انتصابات دخیل است؟ منظور

از فساد سازمان یافته چیست؟ میزان انگیزه در بدنه سازمان های اقتصادی چه میزان است ؟

چه تعداد افراد از بدنه سازمان های اقتصادی دولتی به مدیریت ارشد می رسند ؟ این مدیر

ارشد که بدون هیچ تخصص و تلاشی انتصاب شده است چه میزان باید نظر افرادی که او را

گمارده اند، تامین کند؟ حال انتصابات این مدیر ارشد به چه گونه ای است؟ و یا مدیری که

بدون هیچ زمینه و انگیزه تنها برای مدت کوتاه تصدی پست مهم مدیرعاملی را می گیرد

چگونه می توان از آن سازمان انتظار کار ریشه ای و اصولی را داشت؟ در هرکدام از سازمان

های اقتصادی غیر خصوصی بالغ بر چندین شرکت زیر مجموعه وجود دارد که به اصطلاح

حیات خلوت مدیران می باشد که انتصابات در آنها وضعیت بسیار وخیم تری دارد. با نگاهی به

موارد فوق و موارد دیگر از این دست می توان نتیجه گرفت که معضل اساسی بدنه شرکت های

غیر خصوصی در ایران سوء مدیریت است، مدیریت کار بسیار پیچیده ای است که مدیر می بایست به تمامی موارد در سازمان توجه کند به همین علت است که مدیران ارشد اجرایی در تمام دنیا دارای حقوق های بسیار بالایی هستند چرا که می بایست پاسخگوی هیئت مدیره، کارکنان، کشور، مردم و... باشند

حقوق های نجومی برای افراد بی کفایت

حقوق نجومی برای افراد با تخصص و مدیران قوی و با سواد و پاسخگو امری بدیهی است، اما چند درصداز مدیران سازمان های غیر خصوصی ما شرایط فوق را دارا هستند؟ به مدد حمایت های دولت و نبود شفافیت در این سازمان ها وضعیت درستی از سودده بودن و یا ورشکست بودن در دسترس نیست ولی علت اصلی ورشکستگی و عدم کارایی در این سازمان ها سوء مدیریت می باشد. در شرکت های خصوصی وضع به گونه ایی متفاوت است، چرا که در ایران اکثرا مالکان، مدیران شرکت هستند. یک مدیرعامل موفق می بایست دارای ویژگی هایی از قبیل : خود انگیزی، صداقت، عدالت، قابلیت اعتماد، اعتماد به نفس، انعطاف پذیری، دانش صنعت، توانایی تفویض اختیار، آشنایی با مفاهیم مدیریت مالی، تفکر سیستمی، سخنور قوی، تعاملات سازنده ، قاطعیت، تصمیم سازی درست و صریح، فروشنده قوی، دارا بودن اطلاعات به روز صنعت، آشنایی با متد روز و استراتژی های فروش، دانش برندینگ و بازاریابی، مدیریت ریسک و ... باشد. تخصص یک آیتم از چندین ویژگی یک مدیر عامل موفق می باشد، طی ارتباط و جلساتی که نگارنده با چندین شرکت خصوصی که توسط مالکان آن اداره می شود داشتم یک موضوع کاملا روشن می باشد که این شرکت ها به

جهت مارکتینگ، شناسایی مشتریان بالقوه، تبدیل مشتریان بالقوه به بالفعل، چگونگی و ابزار بازاریابی به شدت رنج می برند و از آن جا که مالک هستند هزینه کردن در موضوعات فوق علی الخصوص برندینگ و بازاریابی برای آنها سخت و بیهوده تلقی می شود و امکان مواجهه با مشتری ناراضی را ندارند.

یک محصول یا یک خدمت دارای ۵ ویژگی بنیادی می باشد :

- سطح مزیت ذاتی: نیاز بنیانی که مشتری ها را با استفاده از عرضه محصول یا خدمت راضی می کند.
 - سطح عام محصول: کارکرد اصلی محصول که تنها شامل ویژگی هایی می شود که اساسا برای عملکرد محصول لازم هستند و هیچ عامل تمایزی را برای آن ایجاد نمی کند.
 - سطح مورد انتظار محصول: مجموعه ای از ویژگی هاست که خریدار به صورت طبیعی انتظار دارد با خرید محصول آن ها را به دست آورد.
 - سطح برتری محصول : (محصول برتر) آن دسته از مزیت ها و ویژگی های محصول یا خدمت مرتبط با آن را شامل می شود که می تواند موجب تمایز محصول از رقبا شود.
 - سطح ویژگی های بالقوه: (محصول بالقوه) شامل تغییرات و پیشرفت هایی است که محصول در آینده می تواند از آن بهره مند شود.
- از ویژگی های فوق، شرکت ها تنها در سطح برتری محصول می توانند تمایز ایجاد کنند که در اکثر شرکت های خصوصی داخل این سطح دیده نمی شود . در بازاریابی شما هرچقدر حلقه ارتباط با مشتری را افزایش دهید برد بیشتر متعلق به شماست. با نگاهی به این شرکت ها اکثرا در ابتدا شروع مناسب داشته ولی به مرحله رشد و بلوغ یا نمی رسند و یا اگر می رسند خیلی سریع به مرحله افول



یک شرکت ناگهان و غیر منتظره دچار ورشکستگی نمی شود بلکه دارای مرحله نهفته ای است که برای مدت مدیدی قابل شناسایی نباشد و طبیعی است که شناسایی عوامل منتج به ورشکستگی در مرحله نهفتگی می تواند تا حدود زیادی از بروز این پدیده جلوگیری کند

می باشد. همچنین در مدیریت علمی تیلور نیز اشاراتی به این موضوع شده است . علت تأکید این موضوع چندین سال پس از انقلاب صنعتی چه بود ؟ در اوایل انقلاب صنعتی رشد روز افزون تقاضا و پیشی گرفتن تقاضا از عرضه، حرکت به سوی تولید انبوه، ظهور تئوری های مدیریت جهت افزایش بهره وری از جمله کارسنجی، زمان سنجی و مدیریت علمی تیلور و در این شرایط فقط تولید اهمیت داشت چرا که هرچه تولید می شد به فروش می رسید و تمرکز فقط بر داخل شرکت و خط تولید و خود کالا بود. کما اینکه در اوایل انقلاب صنعتی خودروسازی فورد و نظریات آقای فورد مبنی بر ساختار مکانیکی شرکت ها، فوردیزم که آقای گارت مورگان از آن تعبیر سازمان ها به مثابه ماشین کرده اند نشان از شرایط آن دوران دارد. اما طی چند سال پس از شروع انقلاب صنعتی راه اندازی شرکت های متعدد در هر رده محصول، تولید افزایش یافت و از تقاضا پیشی گرفت . در این زمان بود که رقابت شکل گرفته و تمرکز شرکت ها به بیرون از سازمان ها و مشتری معطوف گشته، تئوری های سازمان به شرکت های ارگانیکی ارتقا پیدا کرد و علم برندینگ و

بازاریابی و تمرکز بر نیازهای مشتری شکل گرفت در این دوران بود که جدایی مالکیت از مدیریت مطرح شد. در واقع از آن سال ها به بعد نظریات متعالی در خصوص سازمان ها، سازمان های نوآور، سازمان های هولوگرافیک، سازمان های یاد گیرنده، یادگیری دو حلقه ای و چند حلقه ای همه نشان از آن داشت که برای رقابت در محیط های جدید نیاز به علم و آمادگی لازم جهت برخورد با محیطهای پیچیده کسب و کار امروزی دارد. چرا که برای ورود به بازار، رشد و توسعه بازار و محصول، طولانی نمودن دوران بلوغ، برندینگ و شناسایی نیاز مشتری، نیاز به یک مدیر توانا و قابل دارد که در اکثر مالکان این ویژگی ها یافت نمی شد. در نتیجه در شرکت های خصوصی نیز عدم آگاهی از علم مدیریت و سوء مدیریت عامل اصلی ورشکستگی می باشد.

در حال حاضر سونامی سوء مدیریت در تمام پست ها و جایگاه های دولتی و خصوصی به راه افتاده که منجر به ورشکستگی و عدم کارآمدی در سازمان های کشور گردیده است . در این میان تخلفات در واگذاری اصل ۴۴ به قیمت های بسیار پایین و به افرادی که شایستگی و توانایی لازم را ندارند نیز به این سونامی دامن زده است . حال تا به کی این وضعیت ادامه پیدا می کند؟ چه زمانی می بایست جلوی این سونامی را گرفت؟ چه زمانی معیارهای انتخابات و انتصابات عوض می گردد؟ اینرسی استراتژی ها، تفکرات و معیار های قبلی به قدری قدرتمند است که تغییر جهت آن و ایجاد تغییرات در آن بسیار سخت، زمان بر و انرژی بر است اما شدنی است و اقدامات اصلاحی می بایست هرچه سریعتر آغاز گردد.



بازی منصفانه یا همکاری فراتر از خودخواهی



محمد رضا مجیدی
کارشناس اقتصاد و مدیریت

مقدمه ۱: اواخر دهه هفتاد بود که در یکی از شرکت های بزرگ تولیدی زیر نظر یک مدیر به شدت خودخواه کار می کردم و به علت مخالفت با رفتارهای غیر منصفانه وی در توزیع پاداش پایان سال تعیین شده از طرف هیات مدیره از همکاری با شرکت استعفاء دادم زیرا وی تصور می کرد که پاداش معین شده صرفا متعلق به خودش است و کارکنان زیردست حقی نسبت به آن ندارند اگر هم احیانا مبلغی را توزیع میکرد آن قدر ناچیز بود که به گونه ای توهین آمیز محسوب می شد و در شان همکاران نبود . حدودا سه ماه بعد از استعفاء اینجانب، این مدیر خودخواه هم به دلیل عدم توان در نگهداری نیروهای واحد خودش توسط هیات مدیره به شکلی

بسیار غیر مودبانه از شرکت اخراج شد . این استعفاء برای هر دو ما ضرر داشت ، اما برای من حداکثر ضرر یک یا دو ماه حقوق بود که از دست دادم تا کار جدیدی پیدا کردم ولی ایشان با اصرار در رفتار غیر منصفانه اش یک شغل خوب و عالی با حقوق و مزایای فوق العاده که میلیون ها تومان پاداش سالانه را برایش ایجاد می کرد را از دست داد.

مقدمه دوم : حدودا“ دوسال قبل یکی از

دوستان فنی تعریف می کرد که به یکی از شرکتهای تولید کننده فرآورده های نفتی مراجعه کرده و طرحی جدید و نوآورانه برای تولید محصولی با ارزش افزوده بالا پیشنهاد داده است اما نهایتا“ گفتگو ها به نتیجه خاصی نرسید و سرمایه گذاری صورت نگرفت زیرا صاحب سرمایه ٪۹۵ از سود را برای خود طلب می کرد و برای دانش فنی صرفا ٪۵ در نظر گرفته بود ، به همین دلیل این دوست محقق عقب نشینی می کند و مذاکره ناتمام می ماند. در زندگی روزمره موضوعات عینی فراوانی هست که اگر طرفین با هم در خصوص آن توافق کنند سودی به وجود می آید و هر دو منتفع می شوند اما اگر همکاری نکنند هم، باز هر دو متضرر خواهند شد . اینجا یک سوال مهم و بنیادین بوجود می آید که چرا بعضی از افراد در تقسیم منافع به گونه ای سهم خواهی می کنند که در نهایت طرف مقابل میز مذاکره را ترک می کند و از ابتدا سودی ایجاد نمی شود که بین آنها تقسیم گردد ؟ .

برای درک بهتر این مسئله فرض کنید فردی در روزی بسیار گرم در محلی کم رفت و آمد ایستاده و برای رفتن به یک جلسه هم عجله دارد بعد از مدتی یک تاکسی می آید . این فرد پیشنهاد دربست به مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان می دهد اما راننده تاکسی ۳۰۰۰۰ تومان طلب می کند . اگر مسافر پیشنهاد راننده را نپذیرد و تاکسی برود به این زودی ماشین دیگری نخواهد آمد و احتمالا به جلسه مورد نظر هم نخواهد رسید پس بهتر است پیشنهاد راننده را قبول کند . از طرف دیگر برای راننده هم مناسب نیست که بدون مسافر در خیابان ها چرخ بزند ، لذا بهتر است عدد کمتر پیشنهاد شده را بپذیرد زیرا مسیر خلوت است و اگر این مسافر را سوار نکند احتمالا مسافر دیگری هم نخواهد داشت . پس عدم توافق آنها موجب متضرر

شدن هر دو ایشان خواهد شد.

اقتصاددانانی که در حوزه تحلیل رفتار افراد و سازمان ها مطالعات کرده اند به این نتیجه رسیدند که همیشه منطق عقلی بر رفتار اشخاص حاکم نیست بلکه مجموعه ای از عوامل دیگر نیز بر رفتارها و انتخابات افراد تاثیرگذار است . برای نمونه در مثال بالا اگر مسافر و راننده تاکسی هر دو کاملا منطقی رفتار کنند باید پیشنهاد طرف مقابل را بپذیرند چون هر فرد با پذیرش پیشنهاد دیگری وضعیتش بهتر می شود ولی چون فکر می کند نفعی که طرف مقابل از مبادله می برد بیش از نفعی است که او دریافت می کند حاضر به همکاری نیست حتی به قیمت بدتر شدن وضع خودش، پس در تصمیم گیریها فاکتورهای فرهنگی و غیراقتصادی زیادی دخالت دارد که باید به آنها توجه شود به عبارتی درتحلیل منازعات یا همکاری ها نباید صرفا به منطقی بودن رفتارها تاکید شود . متخصصین تئوری بازیها برای فهم این رفتار یک بازی طراحی کرده و مورد آزمایش قرار دادند تا میزان تاثیر خودخواهی یا انصاف را در تبادلات اقتصادی به محک و آزمایش بگذارند . این بازی که به بازی اولتیماتوم معروف است به شکل زیر می باشد :

پولی به بازیکن اول می دهند و می گویند سهمی برای خودت بردارد و بقیه را به نفر دوم بدهید ، نفر دوم حق دارد پیشنهاد طرف اول را قبول یا رد کند اگر قبول کرد نفر اول هم مالک پول دریافتی خود خواهد بود ، اما اگر نفر دوم پیشنهاد را رد کرد به هیچ کدام پولی نمی رسد و پول داده شده به نفر اول هم پس گرفته می شود . نتایج تجربی این بازی در گروه های مختلف نشان داد که اولاً به طور معمول نفر اول سهمی حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد را به طرف مقابل می دهد چون همیشه از این میترسد که نفر دوم پیشنهاد وی را رد کند و عملا به ضررش تمام شود ، ثانيا نفر دوم لزوما همیشه هر پیشنهادی را نمی پذیرد و برخی پیشنهادها را رد می کند. یعنی حتی مایل است خودش نفعی نبرد ولی اجازه هم نمی دهد که سودی نصیب طرف اول شود. در این بازی تصور نفر دوم از مفهومی به اسم انصاف باعث می شود که برخی پیشنهادهای مثبت ولی به زعم او غیرمنصفانه را رد کند. (تجربه نشان داده است معمولا پیشنهادهای زیر ٪۲۰ رد می شود). از دیدگاه صرفا اقتصادی این رفتار منطقی نیست زیرا حتی اگر نفر اول هزار تومان پیشنهاد بدهد نفر دوم باید قبول کند چون این عدد بالاخره بهتر از هیچی است . اما نتایج بررسی ها نشان میدهد، افراد تنها به منفعت فکر نمی کنند و به مسایلی مثل عدالت و تنبیه طرف مقابل به خاطر سو استفاده از موقعیت هم فکر می کنند. پاسخ دهندگان تمایل دارند که حتی اگر برایشان هزینه داشته باشد ، رفتارهای نامطلوب و غیرمنصفانه را مجازات کنند، یعنی گاهی از نفع فردی چشم پوشی می شود تا سایر انگیزه ها از جمله حس انتقام از رفتار طرف مقابل فرصت بروز پیدا کند.

حال با این توضیحات بهتر می توان درک کرد که چرا در بسیاری از مذاکرات ، طرفین به نتایج مطلوب نمی رسند؟ چون یک طرف زیاده خواه است و تصور می کند زرنگی و باهوش بودن یعنی سهم خود را حداکثر کردن و سهم طرف مقابل را در حداقل نگهداشتن، اما فراموش می کنند که این نحوه تفکر گاهی منجر به اتمام بازی می شود .

نتیجه : خلاصه اینکه باید مواظب بود روزی مخاطب این ضرب المثل قرار نگیریم که می گوید طرف هم از گندم ری جا ماند و هم خرما ی بغداد ، ضرب المثلی درباره آدمهای طمع کار که برای به دست آوردن سودی بالاتر دست به کارهایی می زند که عملا به هدف اصلی خودش هم نمی رسند.

خودکفایی در تولید گریس

نیاز اساسی صنایع کشور به روانکارهایی با کیفیت بالا Hitec که عمدتاً وارداتی بوده و در شرایط تحریم موجب خروج ارز زیادی از کشور می شود. شرکت کیمیا روانکار پارس تولید کننده انواع روانکارهای خودرویی و صنعتی در انواع عمومی و تخصصی را بر آن داشته است تا با سعی و کوشش فراوان، اقدام به تولید انواع گریس ها و روغن ها معادل نمونه های وارداتی نماید که کاملاً با نمونه اصلی قابل رقابت بوده و لحاظ قیمت بسیار مقرون به صرفه تر می باشد. که از جمله این گریس ها، می توان به گریس آلومینیوم کمپلکس اشاره کرد. مهندس سعید گیویان قائم مقام شرکت کیمیا روانکار پارس در گفتگویی با خبرنگار دنیای انرژی به بررسی تخصصی انواع روانکارها پرداخت که در ادامه می آید:

مثال می توان از گریس های با تغلیظ کننده صابون های سدیم، کلسیم، لیتیم، باریم، آلومینیوم و کمپلکس آنها نام برد. گریس های کمپلکس، روانکارهایی هستند که از لحاظ خواص فیزیکی و شیمیایی منحصر به فرد بوده و تولید آنها نیازمند تکنولوژی و دانش پیشرفته می باشد. صابون کمپلکس از واکنش فلزات با اسید چرب و یک عامل کمپلکس دهنده حاصل می شود. عامل کمپلکس می تواند یک اسید آلی یا معدنی ساده و یا نمک مزدوج آن ها باشد. عوامل کمپلکس معمولاً وزن مولکولی کمتری نسبت به مشتقات اسید چرب دارند. بر اثر واکنش صابون با عامل کمپلکس، الیافی در ساختار گریس تشکیل می گردد که خواص ویژه ای در گریس ایجاد می کند. به منظور ارتقاء خواص گریس از قبیل نقطه قطره ای، خواص تحمل فشارهای بالا (EP) و ... از صابون های کمپلکس به جای صابون های ساده استفاده می شود. همچنین، گریس های کمپلکس می توانند در درجه حرارت های بالاتری نسبت به گریس های معمولی کار کنند و در نتیجه پایداری آنها در برابر اکسید شدن بیشتر است.

❏ گریس های آلومینیوم کمپلکس:

گریس آلومینیوم کمپلکس به عنوان گریس های چندمنظوره دما بالا، یکی از پرمصرف ترین روانکارهای صنعتی و بسیار حائز اهمیت در صنایع بزرگی از جمله معدن، فولاد، سیمان و خودروسازی می باشد. در این نوع صابون ها، کاتیون آلومینیوم سه ظرفیتی با یک آنیون هیدروکسیل و دو گروه آنیون کربوکسیلات، ترجیحاً غیر مشابه، واکنش داده و تشکیل کمپلکس می دهد. آنیون های کربوکسیلات می توانند از یک اسید آروماتیک همانند بنزوآت و یا یک اسید آلیفاتیک مانند استئاریک اسید تشکیل شوند. دو روش برای تولید گریس های آلومینیوم کمپلکس

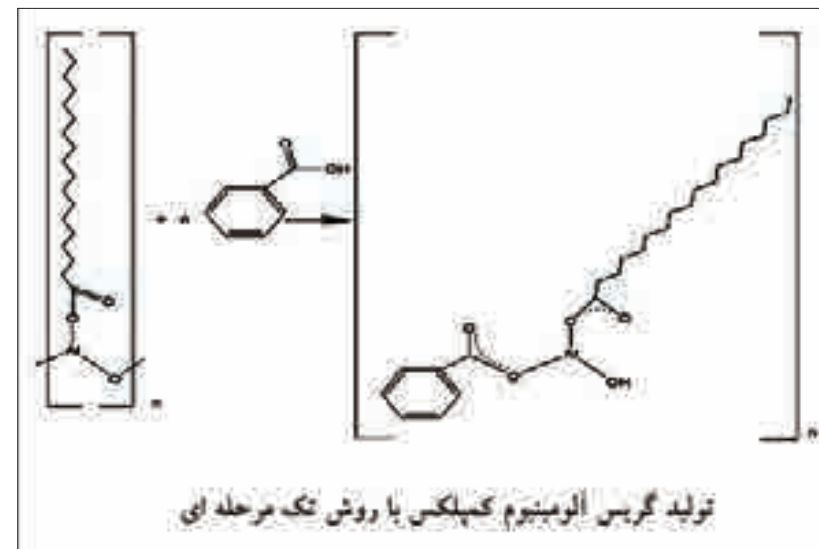
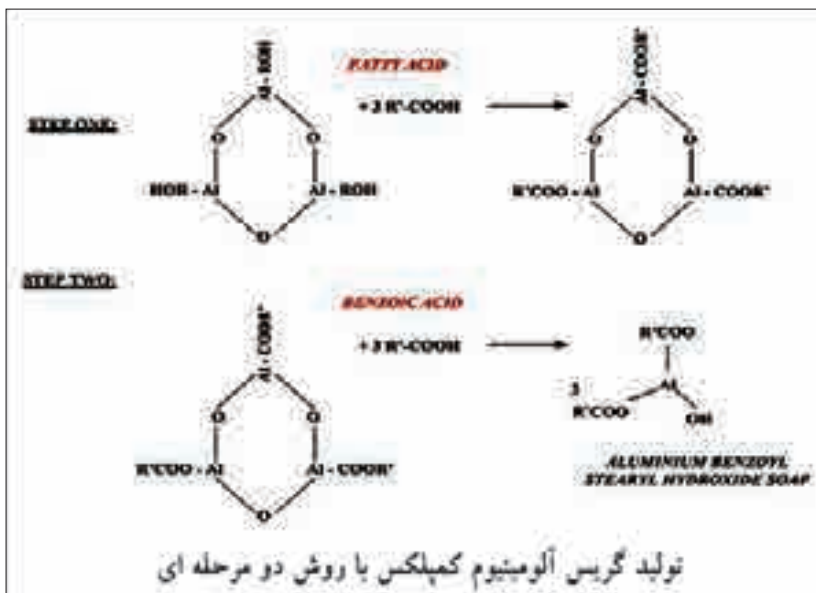
وجود دارند. روش دو مرحله ای و روش تک مرحله ای. روش دو مرحله ای، روشی پیچیده تر و طولانی تر می باشد. در مرحله اول، ترکیب آلومینیوم دار که محصول واکنش آلومینیوم و ایزوپروپیل الکل هست، با اسید چرب واکنش داده و جزء الکلی از واکنش آزاد می گردد. در مرحله دوم واکنش، محصول واکنش مرحله اول با بنزوئیک اسید واکنش داده و گریس آلومینیوم کمپلکس حاصل می گردد. در روش تک مرحله ای، ماده تغلیظ کننده ساده آلومینیوم با بنزوئیک اسید واکنش داده و گریس آلومینیوم کمپلکس تولید می شود. از آن جایی که در روش تک مرحله ای مقدار الکل در پیش ماده بسیار ناچیز است، بنابراین، نیازی به استفاده از سیستم تهویه نیست و هزینه تولید نیز بسیار کمتر می باشد

❏ ویژگی های خاص گریس های آلومینیوم کمپلکس

گریس های آلومینیوم کمپلکس از اواسط قرن بیستم معرفی شده اند و پس از آن، ابداعات و خلاقیت های زیادی در این زمینه انجام گرفته و طی چندین سال بعد، اصلاحات گوناگونی بر فرمولاسیون آن صورت پذیرفت. بیشتر این تلاش ها پیرامون بهبود خواص پایداری حرارتی، مکانیکی، تحمل در فشارهای بالا و مقاومت در برابر آب این گریس بود. گریس آلومینیوم کمپلکس، یکی از گریس های پایدار در برابر آب می باشد. همچنین، نقطه قطره ای شدن این گریس ها بالای ۲۲۰ درجه سانتی گراد (در بعضی موارد تا ۲۸۰ درجه سانتی گراد نیز گزارش شده است). بوده و پایداری آن در شرایط دمایی بالا، بسیار خوب و برگشت پذیر می باشد، به این معنی که اگر در مدت زمان کوتاهی درجه حرارت گریس به بالاتر از نقطه قطره ای شدن گریس برسد و سپس سرد شود، گریس، ساختار اولیه خود را حفظ می کند.



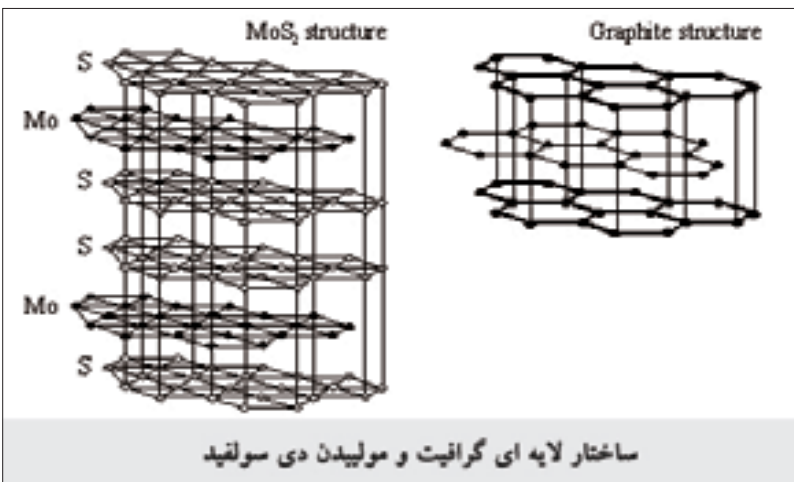
در بین تمامی گریس ها، گریس آلومینیوم کمپلکس دارای ریزترین لیاف بوده و این خاصیت باعث می شود که این نوع گریس با حداقل مقدار ماده تغلیظ کننده، بهترین ژل را ایجاد نماید. همین قابلیت تشکیل ژل با حداقل مقدار ماده تغلیظ کننده، باعث می گردد پمپ کردن و اسپری کردن این گریس در سیستم های روانکاری بسیار آسان باشد و در اثر فشار جریان، روغن و صابون از یکدیگر جدا نشوند. بنابراین، جهت ساخت و فرموله کردن این گریس، دانش، تجهیزات و تکنولوژی های پیشرفته نیاز می باشد. همچنین، به منظور دستیابی به خواص



و ویژگی های فوق العاده، در فرمولاسیون این گریس، از افزودنی های خاصی استفاده می گردد که بهینه کردن مقدار استفاده از آنها در کارایی گریس بسیار موثر است و در صورت بهینه استفاده نشدن نه تنها خواص مناسبی به گریس نمی دهند بلکه می تواند باعث کاهش طول عمر چرخ دنده هایی شود که گریس در آنها مورد استفاده قرار می گیرد. این افزودنی ها می تواند شامل مواد ضد اکسایش (Antioxidants)، ضد خوردگی (Anticorrosion)، افزودنی های فشار بالا (Extreme Pressure)، ضد سایش (An-tiwear)، اصلاح کننده اصطکاک (Fric-tion Modifiers)، و روانکارهای جامد یا (Solid Lubricants)، باشند که در ادامه مطلب، به شرح مختصری از هر یک پرداخته شده است.

❑ مواد ضد اکسایش

این افزودنی روغن پایه و مواد تغلیظ کننده را از خطر اکسید شدن و در نتیجه تخریب ساختار، حفظ می کند. فرآیند اکسایش از طریق تولید رادیکال های آزاد آلکیل تحت شرایط سخت از قبیل دمای بالا در حضور اکسیژن مولکولی اتفاق می افتد که حاصل آن، تولید رادیکال پراکسید و رادیکال آلکیل می باشد. سپس، رادیکال پراکسید با جدا کردن هیدروژن از مولکول های هیدروکربن، رادیکال هیدروژن پراکسید و رادیکال آلکیل ثانویه را تولید می کند. مواد ضد اکسایش بر اساس عملکرد خود به دو دسته تقسیم می شوند. مواد ضد اکسایش نوع اول، مثل آمین های آروماتیک، از طریق محافظت از رادیکال پراکسید مانع از پیشروی فرایند اکسایش می گردند. مواد ضد اکسایش نوع دوم از قبیل مواد آلی گوگرد دار یا فسفر دار نیز از طریق تخریب رادیکال هیدروژن پراکسید عمل می کنند.



❑ مواد ضد خوردگی

مواد ضد خوردگی، عموماً یک سر قطبی و یک سر غیر قطبی دارند. از طریق سر قطبی به سطح فلز متصل می شوند و دم غیر قطبی آنها مانند سدی، مانع جذب آب روی سطح فلز شده و بنابراین، مانع از تشکیل زنگ آهن روی سطح آلیاژ فلزی می گردند.

❑ افزودنی های فشار بالا، ضد سایش و اصلاح کننده اصطکاک

روانکاری دانش آسان سازی حرکت نسبی سطوح در تماس با یکدیگر است. روانکاری مرزی Boundary lubrication یکی از مهمترین مفاهیم در علم روانکاری است و به مواردی مرتبط

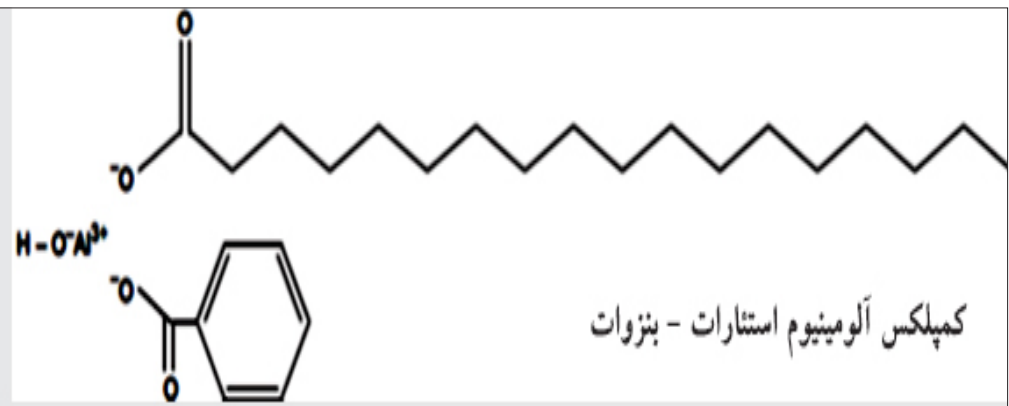
EP کاهش می یابد و یا استفاده بیش از حد از ادتیو ضد سایش مثل ZDDP باعث تغییر گرید این نوع گریس می گردد. روش دیگر جهت کاهش سایش در روانکاری مرزی، افزایش گرانروی روغن است. از آن جایی که گریس آلومینیوم کمپلکس عمدتاً در مابین چرخ دنده های باز استفاده می گردد، وجود این افزودنی ها در آن و همچنین استفاده از روغن پایه با گرانروی بالا، بسیار ضروری می باشد.

❑ روانکارهای جامد

افزودنی دیگری که در گریس های آلومینیوم کمپلکس به منظور کاهش اصطکاک بین سطوح فلزی و همچنین، پر کردن خلل و فرج روی سطح فلز، به کار می رود، روانکار جامد یا Solid lubricant می باشد. از معروف ترین این مواد می توان به مولیبدن دی سولفید MoS2 و گرافیت اشاره کرد. خاصیت روانکاری این دسته از مواد به ساختار لایه ای آنها مرتبط است. این لایه ها به صورت موازی با سطح قرار می گیرند و به راحتی روی یکدیگر می لغزند و در نتیجه در فشارها و دماهای بالا از اصطکاک جلوگیری می کنند. اندازه ذرات و ضخامت صفحات، از عوامل بسیار مهمی هستند که حتماً باید برای دستیابی به بهترین عملکرد، بهینه شوند. ذرات بیش از حد بزرگ، خود باعث سایش

بیشتر و کاهش عمر قطعات فلزی می گردند. کاربردهای گریس آلومینیوم کمپلکس گریس های آلومینیوم کمپلکس عمدتاً در صنایع سیمان، معدن، ماشین آلات راه سازی و کشاورزی، کوره ها و چرخ دنده های باز و روانکاری یاتاقان و چرخ های تجهیزات متحرک کاربرد دارند. همچنین، در مواردی از قبیل: بلبرینگ چرخ خودروهای سبک و سنگین، ماشین آلات کارخانجات صنایع غذایی (با روغن گیاهی)، آسیاب های فولادی، بخش های متحرک در قایق های موتوری، آسیاب های صنعت تولید کاغذ (استفاده از گریس های کلسیمی و لیتیومی در دو سر خشک و تر آسیاب، با محدودیت مواجه هستند)، صنایع چسب (این گریس ها به منظور روانکاری میکسرهای Benbury که عمدتاً مرطوب، داغ و در محیط خورنده هستند، استفاده می شوند.

صنعت نساجی (این گریس ها به جهت اینکه علاوه بر خواص عالی روانکاری از پایداری مناسبی بر روی بلبرینگ ها برخوردار هستند، مانع لک شدن پارچه های تولیدی می شوند) و به طور کلی در هر صنعتی که عملیات روانکاری باید در دماهای بالا، محیط مرطوب، محیط خورنده، چسبندگی بالا به قطعات و تحت فشار های بالا انجام پذیرد، این گریس مورد استفاده قرار می گیرد.





دیوار هزارتوی چالش های اقتصادی دو بخش خصوصی و دولتی را در خود محصور کرده است؛ برای خروج از این هزارتو زمان زیادی جهت آزمون و خطا وجود ندارد. بنابراین در شرایطی که مضیقه های مالی و زمانی کار را برای سکنداران تجاری سخت تر از پیش کرده اند باید به فکر متوسل شدن به یک نهاد رگولاتوری تازه نفس در تنظیم بده بستان های اقتصادی بود. دراین فرآیند چالش ها فقط در کمبود منابع مالی خلاصه نمی شود بلکه اداره سرمایه های صنعتی که تعدادشان در کشور کم نیست، از تولید تا فروش نیازمند اجرای راهکارهای عملیاتی در فضایی بدون رانت است. در این میان فاکتوری به نام شفافیت در معاملات می تواند به کمک بیاید و دست رانت خواران و دلالان را از بازارهای اقتصادی که به شدت آسیب پذیر شده اند، کوتاه کند. مصداق این آسیب پذیری را می توان در حوزه های کلیدی انرژی همچون نفت، گاز و پتروشیمی تا آب و برق جستجو کرد که در مواردی روند تولید و تجارت را با اخلاص هایی مواجه می کند؛ از یک سو صدور دستورات عمل های گاه و بیگاه و از سوی دیگر حضور دلالان عرصه را برای دو طرف دولتی و خصوصی به تنگ آورده است. اگر

متوسل شدن دیر هنگام به رگولاتوری بورس در سبد نفتی

کشور زمانی که تیغ تحریم زیر گلو ی صنعت نفت بود اجرایی

شد، اگر زودتر با بسترسازی مناسب این اتفاق می افتاد شاید

نتایج بهتری عاید این صنعت می شد

نگاهی به آمارهای روزانه که حکایت گر افزایش

قاچاق و به موازات آن بالارفتن حاشیه سود

ناشی از قاچاق فراورده های نفتی و غیر نفتی

است انداخته شود می توان این گونه نتیجه

گرفت که موارد اشاره شده دراین روند بی

تاثیر نبوده اند. درخصوص صدور بخشنامه ها که

محدودیت حرکتی برای بخش خصوصی ایجاد

کرده است، خواهان توقف آن شده اند. اما در

مورد حذف کارچاق کن ها بعضاً به رینگ بورس

به عنوان یک ” نهاد رگولاتوری معاملاتی “ که به

چشم بسیاری از تجار و دست اندرکاران آن طور

که باید و شاید نمی آید، تکیه می شود.

زنگاری که پاک شد

یکی از دلایل زنگار گرفتن تالار بورس انرژی

تا پیش از این عدم اعتماد و یا جدی نگرفتن

کارایی آن در برخی بازارها محسوب می شد.

بورس انرژی که به تازگی توانسته در معاملات

داخلی و خارجی فرآورده های نفتی حضوری

موثر پیدا کند، با همکاری سازمان های ذی ربط

همچون شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده

های نفتی همراه با عرضه های مداوم توانست

خودی نشان دهد و روند مذکور را به مرحله

ای برساند که وزیر نفت مهر تایید خود را

به عملکرد این بازار بزند. هرچند در خصوص

عرضه محموله های نفت خام هنوز هدف

تعریف شده به منظور صادرات به منصف ظهور

نرسیده است ولی همچنان مدیران نفتی با ابلاغ

بخش نامه هایی درصدد پیدا کردن راهی جهت

موفقیت این پلن اقتصادی هستند. باید اذعان

کرد متوسل شدن دیر هنگام به رگولاتوری

بورس در سبد نفتی کشور زمانی که تیغ تحریم

زیر گلو ی صنعت نفت بود اجرایی شد، اگر زودتر

با بسترسازی مناسب این اتفاق می افتاد شاید

نتایج بهتری عاید این صنعت می شد. حال

در سبد انرژی، برق بعنوان یکی از سرآمدان

واردکننده وجوه ارزی وریالی در حاشیه معاملات

بورسی قرار گرفته است، کالایی که می تواند در

بازار عرضه و تقاضا سنگینی بار درآمد های نفتی

را تا حدی به دوش بکشد؛ هرچند در حال حاضر

تجارت برق به حیات خود ادامه می دهد ولی

وجود این بازار مالی را نیز نمی توان نادیده گرفت

و برای این مهم باید شرایطی ایده آل تری جهت

جذب عرضه کنندگان برق در بورس فراهم کرد.

سهم رکاب زنی نیروگاه ها در رینگ بورس

درشرایطی که صنعت برق کشور یک خیز

اساسی برای افزایش ظرفیت نیروگاه ها برداشته

است، به گونه ای که تا سال آینده ۳۵۰۰

مگاوات به ظرفیت برقی اضافه خواهد شود،

این سوال پیش می آید که سهم بورس انرژی

از میزان عرضه برق تولید شده از این حجم

ظرفیت چقدر خواهد بود؟ به عبارت دیگر از

بین سهم ۳۱ درصدی واحدهای سیکل ترکیبی،

سهم ۳۰.۵ درصدی واحدهای گازی، سهم

۱۹.۳ واحدهای بخار، سهم ۱۴.۶ درصدی

برق آبی ها همینطور سهم تجدید پذیرها

با نقش یک درصدی نیروگاه های اتمی که

هم اکنون برای تولید ظرفیت کلی ۸۲ هزار

مگاواتی برق در حال رکاب زدن هستند،

چند درصدشان به عنوان بازیگر اصلی بورس

انرژی در حال فعالیت و عرضه برق تولیدی

در بورس هستند؟ و اصولا چه بازه زمانی را

می توان برای فراهم کردن امکان حضورشان

در بورس تعیین کرد آن هم باتوجه به

اینکه فقط برای سال جاری وزیر نیرو

نوید تکمیل و بهره برداری از ۹ نیروگاه را

می دهد؟ هرچند در شرایط فعلی که بنا

به سخن مسوولان ظرفیت عرضه برق

۴۷ نیروگاه در بورس انرژی وجود دارد

تعداد نیروگاه های حاضر از تعداد انگشتان

دست نیز کمتر است. دلیل این امتناع را

باید یا در عدم جذابیت بورس جستجو کرد

یا در مشکلات دیگری که مربوط به آن سوی

تعاملات می شود. در خصوص احتمال نخست

باید گفت امتیازهایی برای نیروگاه داران در

نظر گرفته شده است تا رغبت و انگیزه را برای مشارکت در این بازار دوچندان کند، اما آیا

مفادی که به عنوان امتیاز در نظر گرفته شده توانایی لازم برای افزایش مشارکت نیروگاه داران

چه دولتی و چه خصوصی را برای حضور در این کانال معاملاتی دارد یا خیر؟ . در باب دوم باید

این نکته را در نظر گرفت شاید این پس زدن ها که تبدیل به یک معمای بی جواب شده است

در شرایط فعلی، اولویت اجرایی برای مدیران ندارد. مدیرانی که وقتی از جانب خبرنگاران مورد

سوال قرار می گیرند یا اظهار بی اطلاعی می کنند یا شروع به ارائه آماری می کنند که بیانگر

یک تناقض از افزایش عرضه ها در بورس است! .

درحال حاضر نیروگاه داران حال و روز مناسبی ندارند؛ زمانی که دخل و خرج با یکدیگر

سرناسازگاری داشته باشد نمی توان با زور و اجبار یا با صدور بخش نامه هایی که در زمان

نامناسبی ابلاغ شده اند صرفا به یک کار تبلیغاتی اکتفا کرد. چرا که عملا هیچ خروجی مثبتی

را عاید ان دستگاه اجرایی نخواهد کرد. تضاد بخش نامه ها با شرایط فعلی نیروگاه داران مصداق

بارزی دراین مورد است. نیروگاه های دولتی که تحت تابعیت سیاست های وزارت نیرو از جمله

شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی است حضور فعالی در بورس نداشته اند. محسن

طرز طلب مدیرعامل این شرکت معتقد است در شرایط بدهی نیروگاه داران اقدام عرضه برق در

بورس با توجه به ارزان بودن قیمت فروش دراین کانال محلی از اعراب ندارد. وقتی از طرزطلب

درخصوص برنامه عرضه برق در بورس پرسیدم با نگاهی حاکی از عدم رضایت از اوضاع پیش رو

گفت: ما به عنوان فروشنده هر جا که برق را به قیمت مناسب تری بخرند عرضه می کنیم. اگر برق

تولیدی را با قیمت مناسب در بورس بخرند در این کانال به فروش می رسانیم. هرچند ممکن

است این امر در تعارض با سیاست وزارت نیرو باشد. این سخن را می توان اتمام حجت صنف

نیروگاه داران دولتی دراین جریان قلمداد کرد چراکه کفه ترازوی بدهی ها با درآمد هایشان

همخوانی ندارد و این به معنای آن است که حتی امتیازهایی که در کنار عرضه برق برای فروش

در بورس انرژی قرار داده اند تمام و کمال رضایت این بخش را جلب نکرده است .

پایانی بر یک تبعیض

در مقام قیاس تعاملات دو بخش نفت و نیرو با کانال بورس که وجه اشتراکاتی به همراه دارند،

سوال این است که چرا پیگیری هایی که در عرضه نفت و فراورده های نفتی در بورس انرژی

انجام می گیرد در خصوص کالاهای دیگری همچون برق که اهمیتی کمتر از محصولات اشاره

شده در صنعت نفت ندارد، صورت نمی گیرد؟ از یک سو اتاق بازرگانی تهران با یک اقدام مثبت

خواهان ایجاد پل ارتباطی بخش خصوصی و بورس با وزارت نفت می شود تا گره نفت در بورس

انرژی را سفت تر کند، از سوی دیگر نمایندگان مجلس مصرانه رخدادهای مربوط به این صنعت

را دنبال می کنند اما در صنعت برق چنین واکنش هایی به این شدت و حدت دیده نمی شود.

آیا این امر به برندینگ و میزان ارزآوری کالاها مربوط می شود؟ اگر اولویت بندی ها زیر سایه

نام وزارت خانه ها رنگ می گیرد یا از درجه اعتبار ساقط می شود، می توان با احیای پیشنهادی

که تا پیش از این چند بار از سوی مقامات ذی ربط بر مبنای ادغام وزارتخانه های نفت و نیرو

و تبدیل به وزارتخانه انرژی عنوان شد این تبعیض را رفع و رجوع کرد و در ادامه با بازخوانی

کروکی نفت، جایگاه از دست رفته برق را به موازات پتروشیمی ها و فراورده های نفتی حداقل

برای مجلسی ها بتوان احیا کرد! تا بدین ترتیب راهکارهای مناسبی هم برای رونق گرفتن عرضه

برق در بورس ارائه شود.



دو پلان و یک برداشت از سیماک صنعت برق

ریسه ای با چراغ های نیمسوز!

سمیه مهدوی
خبرنگار نفت و انرژی

در حال حاضر در صنعت برق بالغ بر ۴۰۰ قرارداد به ارزش ۱۳۰۰ میلیارد تومان متوقف شده است که به تعبیری امکان ادامه آن ها از طرف شرکت ها وجود ندارد و این امر تبدیل به یک معضل اصلی در صنعت برق شده است

دولتی ساخت. اما از آنجایی که مرز گلایه یا همان انتقاد و راهکار برای هموار کردن مشکلات در برخی موارد به باریکی مو رسیده است، نمی توان به راحتی این دو مورد را از هم تمیز داد. چه بسا در مواردی قابل تشخیص هم باشد ولی وجودشان لازم و ملزوم یکدیگر تلقی می شود و در نتیجه غیرقابل تفکیک به نظر می رسند.

اقتصاد بحران زده کشور بخش های متعددی را در اختیار دارد تا در مواقعی که دست و پای صناعی مانند نفت با بند تحریم ها به زنجیر کشیده شد، حوزه های ارزآور دیگری را روانه میدان صادرات کند. صنعت برق نیز این پتانسیل را در بردارد تا بخشی از کمبودهای بودجه را جبران کند، اما نه در شرایطی که خود گرفتار چالش های عدیده ای شده است. بخش عمده ای از این چالش های این صنعت به همان دور باطل باز می گردد، در زنجیره تعاملات، گاه دولت از سوی تصمیم و عملکرد نمایندگان مجلس شگفت زده می شود، در اپیزود بعدی بخش خصوصی از عملکرد دولتی ها و این دور همچنان بین این سه مهره ادامه پیدا می کند. شاید وجه اشتراک سخنان دو طرف معاملات یعنی دولت و بخش خصوصی اهمیت بر انجام مذاکره و گفتن باشد؛ همان اصلی که از سوی وزیر نیرو به آن تاکید شده است.

از جمله محافلی که به صورت فشرده ملاقات هایی بین این دوی بخش صورت می گیرد نشست هایی

صنایع کلیدی کشور در یک دور تسلسل گرفتار شده اند، تسلسلی که با رصد تکرار آن در طول تاریخ می توان به عدم اصلاح آن در ساختار اقتصاد کشور صحنه گذاشت. بی تردید باید اذعان کرد با اپیدمی شدن این پروسه، سرگردانی سرمایه ها امری محرز خواهد بود؛ چه ارزهای بالقوه مانند میلیاردها بشکه ای که در زیر زمین جا خوش کرده اند و چه ریال های بالفعلی که در دست مردم معطل یک بازار کم ریسک برای سرمایه گذاری هستند. پس باید در شرایط بحرانی حال حاضر که مبدل به قصه ای نخ نما شده است پیش نیازهای مربوط به بازدهی طرح ها و پروژه ها را رصد کرد که با یک ارزیابی مشخص شود اصولا کجای کار می لنگد؟. هرچند برای بهبود اوضاع تصمیم به همزیستی مسالمت آمیز و مشارکت با بخش خصوصی گرفته شده است ولی در این میان گاه چالش هایی نیز شکل می گیرد. این درحالی است که بنا به اظهار نظر مسوولان ذی ربط نباید از دریچه گلایه صرف به این موضوعات وارد شد بلکه باید آسیب شناسی را ضمیمه نظرات کارشناسانه و چالش های بخش های غیر

است که در حاشیه نمایشگاه هایی که هرساله برگزار می شود رخ می دهد. بعضا آنچه که دراین نشست ها مطرح می شود شاید در مواردی تکرار مکررات باشد و علی رغم واگویی کردن های مسائل همچنان معضلات به قوت خود باقی بمانند. اگر نشست سال گذشته مدیران ارشد وزارت نیرو با بخش خصوصی در نمایشگاه تجدیدپذیرها را با نشست نمایشگاه برق سال جاری در ترازوی قیاس بگذاریم سخنان وزیر نیرو بیانگر دو نکته خواهد بود، نکته ای که از یک گلابه شروع می شود و به خواستار شدن عدم گلابه کردن ختم می شود. خوب به خاطر دارم که درنشست سال ۹۷ آقای اردکانیان از یک تصمیم که توسط مجلس گرفته شده بود گلابه کرد و تعجب خود را از قانونی شدن بند رایگانی آب و برق مدارس نشان داد. وی در همان جلسه شگفتی خود را از این تصمیم بیان کرد، مضمون سخنان وی این بود که از یک طرف در بحث مصرف تلاش بر فرهنگ سازی و تاثیر گذاری است و از سوی دیگر با این تصمیم مجلس هرآنچه سایرین رشته کرده بودند پنبه خواهد شد. وی با آوردن خاطره ای از دوران کودکی اش حسن ختام سخنان خود را اینگونه قرارداد: کوزه اصلاح روش مصرف را در میانه راه رها نکنیم.

اما در نشست اخیر مدیران در نمایشگاه برق امسال یک جمله دیگر مطلع کلام وی شد : موضوع اقتصاد صنعت برق جز با مشارکت و همکاری حل نمی شود. او در ادامه گفت از میان گروه کثیر صنعت برق در بخش غیر دولتی باید افراد پائیش بگذارند نه از موضع گلابه بلکه از جبهه آسیب شناسی تا مشخص شود کجا باید دولت را یاری داد. سخنی که فحوای آن گویای عدم گلابه صرف از چالش های پیش رو توسط بخش های خصوصی یا

در بخش خدمات فنی و مهندسی آمار به شدت نزولی است از سال ۹۴ که دو و نیم میلیارد دلار صادرات داشتیم در حال حاضر به -۴۰۰ ۵۰۰ میلیون دلار افت کرده است که این رقم یک پنجم رقم صادرات در سال ۹۴ است، در بخش تجهیزات نیز آمار نزولی بوده است.

کارشناسان ذی ربط بود.

نائب رئیس هیات مدیره سندیکای برق:

توقف ۱۳۰۰ میلیارد تومان قرارداد برقی

اما باید اذعان داشت یکی از چالش های بخش خصوصی توقف قراردادهای برقی است که به اذعان بخش خصوصی با تعدد اعمال سلیقه از دستگاه های متولی دچار مشکلات حادی شده است. به این معنا که دستگاه های متولی ریسک های قراردادی شان را به گردن پیمانکار می اندازند و در نتیجه به دلیل عدم امنیت ایجاد شده در قراردادها، مناقصات بلامتکلیف باقی می مانند و در عمل با توقف قراردادها، پروژه ها می خوابند. امری که مستلزم گفتگوی دو بخش خصوصی و وزارت نیرو برای فیصله دادن به مشکلات است. پیام باقری نایب رئیس هیات مدیره سندیکای برق در گفتگو با خبرنگار دنیای انرژی می گوید: در چند سال اخیر باتوجه به اینکه نرخ ارز به صورت غیرقابل کنترلی بالا رفته و قیمت نهادهای تولیدی افزایش پیدا کرده است، منتج به این موضوع شده که سازنده و پیمانکار امکان اتمام قراردادهای منعقد شده را نداشته باشند. به گفته باقری در حال حاضر

و با توجه به عدم آماده کردن زیرساخت ها مشکلاتی بوجود می آید. وی اوضاع صادرات برق را نیز جالب نمی داند؛ در بخش خدمات فنی و مهندسی آمار به شدت نزولی است از سال ۹۴ که دو و نیم میلیارد دلار صادرات داشتیم در حال حاضر به ۵۰۰-۴۰۰ میلیون دلار افت کرده است که این رقم یک پنجم رقم صادرات در سال ۹۴ است، در بخش تجهیزات نیز آمار نزولی بوده است. در بخش برق نیز صادرات انحصاراً توسط بخش دولتی انجام می شود بنا به دلایلی بخش خصوصی به این حوزه وارد نشده است.

مدیرعامل توانیر: راه حل قانونی پیدا

نکنیم قراردادها لغومی شوند

اما از آن جایی که در روی دیگر سکه تجارت برق بخش دولتی قرار گرفته است؛

روایت دیگری را در تعامل بین این دو نهاد حکایت می کند . در گفتگوی دیگر دنیای انرژی با محمد حسن متولی زاده، مدیرعامل توانیر دراین خصوص می گوید: سال قبل با استفاده از ظرفیت های قانونی که وجود داشت در مجموع صنعت برق بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان از بدهی های صنعت برق پرداخت شد و با وصول مطالبات آن چه ارزی و چه ریالی یک بخش نقدینگی قابل ملاحظه ای تزریق شد. لذا خیلی از طرح هایی که به دلیل بدهی یا کمبود نقدینگی متوقف شده بود فعال شد و بخش زیادی از آن نیز به بهر برداری رسید. متولی زاده معتقد است، به طور معمول در بخش توزیع هرسال ۳۰۰ هزار طرح اجرا می کنیم . تعداد محدودی از طرح ها عمدتاً به دلیل مشکلات قراردادی که ناشی از تغییرات

نرخ ارز بوده و مسائلی که مربوط به تعدیل نرخ ارز بوده است و امکان حل و فصل در چارچوب قرارداد را نداشت باقی مانده است که به تدریج این تعداد یا در حال رفع است یا در این شرایط اگر یک راه حل قانونی برای تامین تعدیل یافت نشود تا پیمانکار آن انتظاراتی که دارد تامین شود، مجبور به خاتمه قراردادها هستیم.

آنچه مسلم است روایت های دو بخش دولتی و خصوصی متفاوت از یکدیگر به نظر می رسد اما انتظار می رود کوزه اجرای طرح های اقتصادی که بعضاً دست به دست شده و به بخش خصوصی می رسد نیز با یاری دولتی ها در میانه راه رها نشود و این انتظار عدم انتقاد نباید یک طرفه از سوی بخش دولتی مطرح شود تا در نهایت یک تعامل منطقی بین این دو شکل بگیرد.



جمهوری آذربایجان



پیش بینی وضعیت بالا دستی و پایین دستی نفت در ۵ سال آینده



رضا مدیر
دنیای انرژی

چالش ها و فرصت ها در صنایع نفت آذربایجان

نقاط قوت: موقعیت راهبردی در بین مراکز تقاضای آسیای میانه و شرق اروپا، گسترش زیرساخت های صادرات برای دسترسی به بازارهای منطقه ای و حوزه های نفتی مهم جدید قابل اکتشاف

نقاط ضعف: دورنمای کاهش رشد تولید نفت، عدم دسترسی کافی به دکل های بالادستی اکتشاف و تولید و رشد محدود تقاضای داخلی نفت

فرصت ها: توسعه حوزه نفت شاه دنیز که برآورد ظرفیت آن تا حد ۱۶ bcm میلیارد متر مکعب می رسد. طیف وسیعی از پروژه های گازی بزرگ برای تولید شامل ابشرون، امید و گاز عمیق ACG

تهدید ها: تکیه بیش از حد بر درآمدهای نفت و گاز که موجب آسیب پذیری ساختاری اقتصاد کلان شده است و همکاری ضعیف منطقه ای و ادامه اختلاف نظر در مورد حوزه خزر همچنین تثبیت سطح پایین قیمت های نفت که تهدید کننده هزینه های بالاتر و توسعه های فنی چالش آمیز تر است

آخرین تحولات اکتشاف بالادستی:

در صورت تأیید گزارش ها مبنی بر حل شدن اختلافات کشورهای ساحل خلیج فارس، این امر فرصت های اکتشافی در این حوزه را افزایش می دهد. همچنین فعالیت اکتشافی کماکان نازل

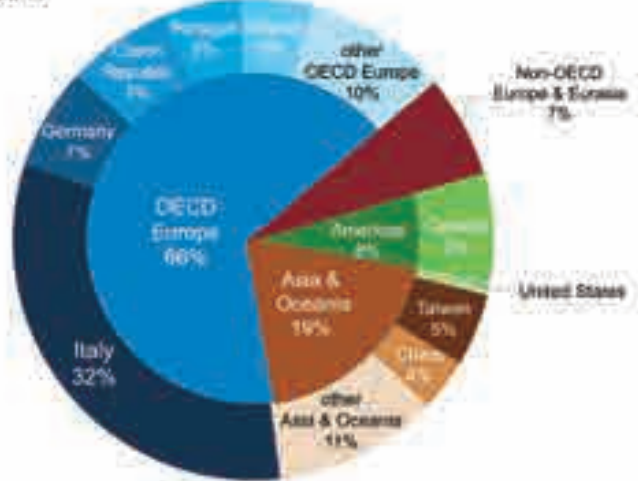
گزارش EIA (اداره اطلاعات انرژی آمریکا) ذخایر اثبات شده این کشور معادل ۹۵۵ میلیارد متر مکعب bcm و ذخایر اثبات شده نفت آن حدود ۴/۶ میلیارد بشکه می باشد. برآوردها حاکی از آن است که ارقام یاد شده قابل افزایش چشمگیر نیز می باشد. مؤسسه زمین شناسی آمریکا USGS میانگین منابع نفتی قابل استحصال، متعارف، کشف شده منابع نفتی حوزه خزر را حدود ۲۰ میلیارد بشکه نفت و ۶/۹ تریلیون متر مکعب tcm و ۹/۳ میلیارد بشکه مایعات گازی NGLs برآورد کرده است. بخش اعظم این صنایع در ناحیه جنوب خزر و آبهای آذربایجان، ترکمنستان و ایران قرار دارد که تاکنون به علت اختلافات فرصت اکتشاف پیدا نکرده است. لازم به یادآوری است که هر قدر اکتشاف نفت وارد آبهای عمیق تر خزر می شود، بر میزان مخازن و اکتشافات گازی افزوده و از منابع نفتی کاسته می شود. از این رو عدم اکتشاف های قابل توجه نفتی رشد تولید نفت در آینده را تهدید می کند و شرکت سوکار تلاش می کند با فعالیت های جدید، مناطق خشکی را که نفت بیشتری دارند توسعه بیشتری دهد. در این فرایند شرکت های بین المللی نفتی از جمله کونکوفیلیپس و توتال از شرکای اصلی سوکار به حساب می آیند.

تولید نفت و گاز

کاهش سریع تولید از حوزه های آذری-چیراگ-گوناشی ACG و فقدان پروژه های بزرگ و جدید توسعه ای، موجبات رکود و کاهش تولید نفت را فراهم کرده است. البته نقطه امید ایشان تولید مایعات گازی است که قرار است از حوزه شاه دنیز از سال ۲۰۱۹ به بعد افزایش یابد. بطور کلی در سال ۲۰۱۷ تولید نفت خام، کاندنسیت و مایعات گازی NGL نسبت به سال قبل از آن حدود ۴/۵ درصد کاهش داشته و بنظر می رسد همین سطح

تولید برای سال ۲۰۱۸ حفظ شود. با توجه به اینکه آذربایجان در چهارچوب توافق اوپک - غیر اوپک بایستی مقداری از تولید خود را کم کند و از سوی دیگر توانایی تولید بیشتر هم ندارد، میتوان گفت این کشور به ناچار تا حد زیادی (حدود ۹۳ درصد) به توافق پایبند خواهد بود. بیشتر کاهش تولید نفت آذربایجان معلول کاهش تولید حوزه های ACG بوده که فقط ۲۰٪ تولید برآورد شده را تحویل داده است. به همین لحاظ یک موافقت نامه اولیه (LOI) بین شرکت سوکار از یک طرف و کنسرسیومی (شرکت بین المللی عملیاتی AIOC) به رهبری BP متشکل از شرکتهای بی پی، شورون، اینپکس، استات اویل، اگزان موبیل، تی پی او، ایتوچو و او ان جی سی از سوی دیگر برای پیشرفت کار در این حوزه ها تدوین شده است. بر حسب این موافقت، مجوز AIOC که قرار بوده در ۲۰۲۴ منسوخ شود، تا ۲۰۵۰ اعتبار خواهد داشت. پیش بینی می شود با این تحریم، جذب سرمایه گذاری خارجی سال های آتی تقویت شده و روند کاهش تولید کمتر شود. با همه این احوال، پیش بینی ها برای تولید نفت در سال های آینده حکایت از کاهش دارد. بیشتر حوزه های نفتی آذربایجان قدیمی و رو به افول هستند. سوکار مستمراً می گوید سرمایه گذاری جدیدی در

Figura 4 . Azerbaijan crude oil exporty by destination, 2017



Source: U.S. Energy Information Administration based on Azerbaijan partner country import statistics - Global Trade Tracker

بر حسب گزارش EIA (اداره اطلاعات انرژی آمریکا) ذخایر اثبات شده این کشور معادل ۹۵۵ میلیارد متر مکعب bcm و ذخایر اثبات شده نفت آن حدود ۴/۶ میلیارد بشکه می باشد

مجموع صادرات نفت خام و سایر مایعات هیدروکربوری این جمهوری بین ۷۱۰ الی ۷۲۰ هزار بشکه در روز می باشد که پیش بینی می شود طی ده سال آینده بین ۵ تا ۱۰ درصد کاهش یابد. به علت مشکلات بخش پالایشگاهی، مازاد مصرف فرآورده های نفتی برای صادرات چندان چشمگیر نمی باشد

این حوزه ها انجام می دهد تا از افول آنها جلوگیری کند، لکن جزئیاتی ارائه نمی دهد. برای تقویت استفاده از این حوزه ها پروژه های محدود تزریق گاز نیز توسط سوکار عملیاتی شده است. نقطه مهم نگرانی آن است که طی سال های اخیر هیچگونه حوزه بزرگی کشف نشده و عملیات توسعه ای چشمگیری در جریان نیست که کاهش تولید در حوزه های ACG را جبران کند. البته با توجه به اینکه بیشتر حوزه های گازی آذربایجان میزان قابل توجهی کاندنسیت دارند، پیش بینی می شود از سال ۲۰۱۹ به بعد همراه با بهره برداری کامل از پروژه شاه دنیز ۲، سطح تولید مایعات این کشور کاهش زیادی نیابد. برآوردها حاکی از آن است که میزان کاهش از سال ۲۰۲۵ تسریع خواهد شد و تولید مایعات هیدروکربوری این کشور در سال ۲۰۲۷ در حدود ۷۶۰ هزار بشکه در روز خواهد بود .

بخش پایین دستی صنعت نفت:

دور نمای این بخش رو به بهبود است که علت اصلی آن بستن بخش های ناکارآمد پالایشگاهی و ادامه نوسازی در این بخش می باشد. این امر منجر به سرویس دهی بهتر به بازار داخلی و باز شدن راههای جدید برای صادرات شده است. آخرین تحولات حاکی از روز آمد کردن و گسترش بخش های

پالایشگاه حیدر علی اف در باکو توسط شرکت سوکار دارد و این شرکت گزارش نموده که کار کرد این پالایشگاه از ٪۸۹ در سال ۲۰۱۶ به ٪۹۱ در سال ۲۰۱۷افزایش یافته است . البته برآورد ناظران بین المللی برای سال ۲۰۱۸ در مورد میزان تولید فرآورده های نفتی کماکان در سطح ۱۲۲۰۰۰ بشکه در روز است که بالغ بر ٪۲افزایش نسبت به سال ۲۰۱۷می باشد. لازم به یادآوری است که جمهوری آذربایجان دو پالایشگاه دارد که ظرفیت اسمی مجموع آنها ۴۰۰ هزار بشکه در روز است. با این حال خوراک دریافتی آنها با توجه به سطح بهره برداری نازل خیلی کمتر است. مدیریت هر دو پالایشگاه بر عهده شرکت ملی نفت آذربایجان (سوکار) است. برآوردها حاکی از آن است که طی دهه آینده ظرفیت پالایشگاهی و میزان تولید فرآورده های نفتی کمابیش در سطح فعلی خواهد بود. همانطور که اشاره گردید، شرکت سوکار یک برنامه وسیع نوسازی در بخش پایین دستی را در دستور کار قرار داده که اهم آن شامل موارد زیر است: بستن پالایشگاه آذر نفتیباگ در سال جاری میلادی، روز آمد کردن، ارتقاء پیچیدگی پالایشگاه و گسترش پالایشگاه حیدر علی اف در سال ۲۰۲۰، راه اندازی یک پالایشگاه گرین فیلد بعنوان فاز دوم مجتمع نفت و گاز و پموشیمی OGPC در سال ۲۰۳۰ . البته ناظران بین المللی چندان خوش بین نیستند که فاز ۲مربوط به OGPC آن طور که آذری ها می گویند پیش برود. دلایل کند کننده شامل دورنمای پایین تقاضا در منطقه واشباع روزافزون بازار جهانی فرآورده های نفتی می باشد. همه ناظران کمابیش اتفاق نظر دارند که با بسته شدن پالایشگاه آذر نفتیباگ که ظرفیت آن ۲۳۰ هزار بشکه در روز است و توسعه پالایشگاه حیدر غلی اف در حد ۳۰ هزار بشکه در روز ، ظرفیت پالایشگاهی این جمهوری کاهش چشمگیری خواهد داشت.

قرار است در تابستان ۲۰۱۸ با بکار افتادن واحد قیر پالایشگاه حیدر علی اف ، پالایشگاه آذر نفتیباگ تعطیل شود. در پروسه نوسازی پالایشگاه حیدر علی اف متوجه شدند هزینه لازم بمراتب بیش از یک میلیارد دلار است که برآورد می شود تا سطح ۱/۷ میلیارد دلار افزایش خواهد داشت ولی به هر حال فاینانس ارتقاء پالایشگاه و گسترش آن بر عهده صندوق دولتی SOFAZاست که بنیه مالی خوبی دارد. قرار است این نوسازی کارایی و سطح بهره برداری پالایشگاه را به نحو چشمگیری افزایش دهد که منجر به کاهش هزینه ها و افزایش مارژین سود سوکار خواهد شد . هر چند بخش پایین دستی کمک بمراتب کمتری از بخش بالادستی به درآمد دولت می کند، ولی با توجه به استمرار و طولانی شدن سطح پایین قیمت ها، افزایش مارژین های سود برای سودآوری کلی شرکت سوکار نقش کلیدی دارد. برنامه مدرن سازی منافع متعدد دیگری هم دارد. از یک سو در نتیجه این برنامه طیفی از فرآورده های با ارزش افزوده بیشتر تولید می شود. این فرآورده ها(عمدتاً بنزین) سوکار را قادر می سازد به نحو بهتری نسبت به افزایش مصرف داخلی پاسخگو باشد و در عین حال استاندارد بنزین آن با استاندارد یورو ۵ مطابقت پیدا کند. در حال حاضر بعلت کیفیت پایین بنزین ، آذری ها نمی توانند بدون مانع آن را صادر کنند. بنابراین برنامه نوسازی امکان رقابت سوکار در بازار روسیه و اروپا را برای این شرکت فراهم می آورد و همچنین در این امر در بازارهای دیگر منطقه ای نیز موفق تر ظاهر خواهند شد. برآوردها حاکی از آن است که تولید فرآورده های نفتی طی دو سال آینده در حد ۱۲۴ هزار بشکه در روز است که طی دو الی سه سال پس از آن به حدود ۱۴۵ هزار بشکه در روز بالغ خواهد گردید. برنامه های دولتی حاکی از آن است که تولید فرآورده های نفتی اتانول در سال ۲۰۲۷ بالغ بر ۱۵۴ هزار بشکه



در روز خواهد بود. در کوتاه مدت مصرف داخلی فرآورده های نفتی به علت رکود نسبی اقتصادی افزایش ندارد، لکن پیش بینی می شود تحت تأثیر افزایش مصرف در بخش حمل و نقل، به تدریج طی دهسال آینده افزایش یابد. بر حسب آمارهای EIA (اداره آمار آمریکا) مصرف داخلی آذربایجان در سال ۱۹۹۴ معادل ۱۸۷۰۰۰ بشکه در روز بوده که بعلت بحران اقتصادی بویژه در بخش صنعت، سطح مصرف در دهه ۱۹۹۰ و ادامه آن در ده سال اول قرن میلادی حاضر، به شدت سقوط کرد و در سال ۲۰۰۴ به ۱۱۳۰۰۰ بشکه در روز بالغ گردید. از آن تاریخ به بعد نیز تحت تأثیر افزایش مصرف گاز، مصرف فرآورده های نفتی کاهش یافته و در سال ۲۰۱۶ فقط ۹۱۰۰۰ بشکه در روز بوده که پیش بینی می شود طی ده سال آینده کمابیش در همین سطح باقی بماند. یک عامل دیگر کاهش مصرف فرآورده های نفتی، بهره گیری روزافزون از گاز برای تولید برق می باشد و در حال حاضر فقط در ساعات اوج مصرف از فرآورده های سنگین (نظیر نفت کوره) در نیروگاهها استفاده می شود. علاوه بر این جمهوری آذربایجان از انرژی تجزیه پذیر هیدرو نیز برخوردار است که ٪۱۵ تولید براق آن را تأمین می کند. افزایش مصرف بیشتر معلول افزایش بنزین و گازوئیل در بخش حمل و نقل بوده، در حالیکه تقاضا برای فرآورده های سنگین تر بویژه نفت کوره کاهش داشته و دورنمای آن نیز افزایش ندارد.

صادرات نفت خام و فرآورده

نفت خام صادراتی آذربایجان از طریق دو خط لوله صادر می شود. یک خط لوله به نام خط لوله صادراتی غرب WRED0 با صد هزار بشکه ظرفیت در روز بخشی از نفت خام این کشور را به دریای سیاه و بندر سوپسامی برد و خط لوله دیگری به نام باکو-تفلیس-سپهان (BtC) بخش دیگری از نفت خام را صادر می کند. بازارهای اصلی نفت خام این کشور بخش مدیترانه ای اروپا و آمریکای شمالی و نیز هندو اندونزی و تایلند در آسیا است. نفت خام آذری عمدتاً سبک است و حاصل آن حدود ٪۲۵ بنزین می باشد که با کیفیت مناسبی که دارد مورد توجه اروپاییهامی باشد که این امر بویژه با کاهش تولید لیبی بیشتر شده است. مجموع صادرات نفت خام و سایر مایعات هیدروکربوری این جمهوری بین ۷۱۰ الی ۷۲۰ هزار بشکه در روز می باشد که پیش بینی می شود طی ده سال آینده بین ۵ تا ۱۰ درصد کاهش یابد. به علت مشکلات بخش پالایشگاهی، مازاد مصرف فرآورده های نفتی برای صادرات چندان چشمگیر نمی باشد. در حال حاضر صادرات فرآورده های نفتی در حدود ۳۰ هزار بشکه در روز است که کیفیت آن نیز چندان رضایتبخش نیست و عمدتاً راهی ترکیه و گرجستان می شود. بانوسازی و تقویت این بخش، پیش بینی می شود میزان صادرات فرآورده های نفتی طی سالهای آینده به حدود ۵۰ هزار بشکه در روز بالغ گردد.

۱۰ تکنولوژی برتر سال ۲۰۱۹ که دنیا را برای همیشه تغییر خواهد داد

مقدمه : همه ما این جملات تکراری را شنیده‌ایم که روزی سفر به ماه تنها در داستان‌های ژول ورن ممکن بود، یا ربات‌ها فقط در رمان‌های ایزاک آسیموف و آرتور سی. کلارک امکان هم صحبت شدن با انسان‌ها را داشتند، اما حالا همه این خیالبافی‌های ساخت ذهن نویسندگان نابغه آنها به طریقی به حقیقت پیوسته است. با این حال اگر الان به شما بگویند تصور کنید در حال برگزاری قرار ملاقات خود با افرادی هستید که در حال حاضر کیلومترها دورتر از شما هستند اما می‌توانید با آنها دست داده، دستی هم به پشت هم بزنید و خوش و بشی دوستانه داشته باشید، برایتان مسئله همانقدر دور از ذهن است که سفر به ماه در زمان ژول ورن. یا مثلا موقعیتی مثل این را در نظر بگیرید که در حالی که روی میل گرم و نرم‌تان ولو شده‌اید، چای داغی رو مزه مزه می‌کنید که ربات‌تان بر طبق بهترین دستور العملی که طبق ذائقه‌تان می‌تواند وجود داشته باشد دم کرده است. احتمالا با شنیدن این تصویر پیش خود فکر می‌کنید: آه، باز هم صحنه‌ای از یک فیلم علمی-تخیلی! به هر حال اینها و بسیاری از موقعیت‌های تخیلی دیگر نه تنها دست نیافتنی نیستند بلکه در حال حاضر در حال تست شدن و آماده‌سازی هستند! در ادامه نگاهی شده به ۱۰ تکنولوژی برتر سال ۲۰۱۹ از نظر انجمن جهانی اقتصاد که می‌تواند کروی زمین و زندگی بشر را در آینده دستخوش تغییرات زیادی کنند، طبیعی است که از آن جایی که «انرژی» از مهم‌ترین المان‌های زندگی انسان مدرن است، این تکنولوژی‌ها نیز مستقیم یا غیر مستقیم به انرژی مربوط باشند.



سهراب صالحین دنیای انرژی

پلاستیک‌های طبیعی: پیش از این، ضعف عمده‌ی پلاستیک‌های طبیعی که از مواد قابل برگشت به چرخه طبیعت ساخته شده بودند آن بود که مقاومت پلاستیک مصنوعی را نداشتند. با بهبود تکنولوژی و استفاده از موادی مانند سلولوز و لیگنین از پسماند گیاهان، پلاستیک‌های طبیعی با مقاومت بالاتر ساخته شده‌اند. این بدان معنی است که دیگر تنها شاهد استفاده از پلاستیک‌های طبیعی یا اصطلاحا گیاهی در تهیه لیوان‌ها و ظروف یکبار مصرف نیستیم بلکه می‌توان از آنها برای تهیه طیف وسیعی از مواد مصرفی استفاده کرد.

ربات‌های اجتماعی: ربات‌ها در حال حاضر قابلیت تشخیص صدا، چهره و احساسات را با استفاده از دنبال کردن الگوهای رفتاری و تماس چشمی پیدا کرده‌اند. محققان در حال آماده‌سازی این ربات‌ها برای کمک به افراد سالمند، تدریس به کودکان و انجام فعالیت‌های مختلف روزانه هستند. تصور کنید با آسودگی در حال خواندن کتاب مورد علاقه‌تان هستید در حالی که پدر سالخورده مبتلا به آلزایمرتان ساعت‌هاست در حال گردش و گشت و گذار توسط رباتش است. رباتی که پدرتان را به هر قسمت شهر که او بخواهد می‌برد و هر وقت خواست به منزلش بازمی‌گرداند.

لنزهای کوچک برای دستگاه‌های مینیاتوری:

لنزهای بسیار کوچک که سبکتر و کوچکتر از لنزهایی هستند که قبلا ساخته شده و به متالز معروفند، امکان بهبود ساخت سنسورها و تجهیزات پزشکی تصویری، بهتر از همیشه را می‌دهند. تجهیزاتی که می‌توانند کمک کنند بسیاری از بیماری‌هایی که تاکنون علل و شروع آنها مشاهده نمی‌شد، مشاهده شوند.

استفاده از نارسایی پروتئینی به عنوان دارو:

نارسایی‌های پروتئینی که باعث بیماری‌هایی چون سرطان در انسان می‌شوند حالا با پیشرفت‌های پزشکی قابل استفاده برای درمان بیماری‌ها می‌شوند.

کودهای هوشمند که باعث کاهش آلودگی

محیطی می‌شوند: پیشرفت‌های جدید در کودها بر خروج مواد مغذی لازم در خاک با تمرکز بر قابلیت خروج آرام این مواد تمرکز داشت. اما همچنان آلاینده‌هایی چون آمونیاک، اوره و پتاس وجود داشتند که به محیط زیست آسیب وارد می‌کردند. کودهای جدید از منابع دیگری از نیتروژن و میکرواورگانیزم‌ها استفاده می‌کنند که آسیب کمتری به طبیعت می‌زنند.

حضور مخابراتی: تصور کنید که در حال انجام

یک کنفرانس ویدیویی هستید در حالی که نه تنها احساس می‌کنید با بقیه در یک اتاق حضور دارید بلکه می‌توانید لمس دیگران را نیز حس کنید! ترکیبی از «واقعیت افزوده یا AR، واقعیت مجازی یا VR، اینترنت جی ۵ و سنسورهای پیشرفته باعث تجربه حس حضور فیزیکی به افراد در یک کنفرانس ویدیویی کاری را می‌دهند، طوری که آنها بتوانند

یکدیگر را لمس کنند. از دیگر افق‌های این تکنولوژی معاینه‌ی بیماران توسط پزشکان بدون حضور آنان در مطب پزشک است. بنابراین در آینده‌ای که ممکن است دور نباشد، زمانی که احساس کسالت داشتید، به دلیل فرار از انتظار خسته‌کننده در محیط استرس‌زای مطب دکتر، درمان خود را به تعویق نمی‌اندازید بلکه در حالی که در خانه یا دفتر کارتان نشست‌اید و کارتان را انجام می‌دهید همزمان منتظر رسیدن نوبتان هستید تا در همان حال مشکل را با پزشک خود در میان قرار دهید و او نیز شما را معاینه کند.

بسته‌بندی و شناسایی پیشرفته خوراکی:

حدود ۶۰۰ میلیون از مردم جهان، سالانه خوراکی‌های آلوده مصرف می‌کنند بدون آنکه از آن آگاه باشند. این آلودگی که ردیابی آن، قبلا روزها و حتی هفته‌ها زمان می‌برد حالا می‌تواند با استفاده از تکنولوژی بلاک‌چین در چند دقیقه ردیابی شود. به این شکل که در هر مرحله از تولید، خوراکی‌ها نظارت شده و یک زنجیره نظارتی توسط بلاک‌چین تشکیل می‌شود. همچنین سنسورهای موجود در بسته‌بندی می‌توانند شناسایی کنند که چه زمان خوراکی در معرض خرابی قرار گرفته است و بسیاری از اسراف‌ها در اثر دورریزی مواد خوراکی که تاریخ انقضای آن فرا رسیده ولی هنوز قابل استفاده هستند کاهش پیدا می‌کنند.

راکتورهای ایمن‌تر: اگرچه نیروگاه‌های اتمی

کربن دی‌اکسید تولید نمی‌کنند اما ریسک داغ شدن بیش از حد آنها در نتیجه ترکیب با آب و تولید هیدروژن و در نهایت انفجار آنها وجود دارد، چرنوبیل را که یادتان است؟ ظهور سوخت‌های جدید احتمال داغ شدن و در نتیجه تولید هیدروژن را کاهش می‌دهند که نسل جدید رآکتورهای ایمن را تشکیل می‌دهند. ایمن شدن رآکتورهای هسته‌ای

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های دولت‌های مختلف مخصوصا کشورهایی مانند ژاپن است که بسیار به این سوخت‌ها وابسته هستند.

ذخیره‌سازی داده‌های دی ان ای: دیسک‌های سخت که در حال حاضر منبع ذخیره‌سازی اطلاعات هستند جای خود را به نسل جدیدی از ذخیره‌سازها بر پایه دی ان ای می‌دهند. این یافته مهم باعث می‌شود بتوان حجم داده‌های کل یک سال جهان را بر روی یک دی ان ای با ابعاد یک متر مربع ذخیره‌سازی کرد. این تکنولوژی قطعا یکی از مهمترین تکنولوژی‌های عصر حاضر است که از آن به عصر انفجار اطلاعات تعبیر می‌شود.

ذخیره‌سازی انرژی‌های تجدیدپذیر در ابعاد بزرگ: انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی این محدودیت را داشتند که به دلیل در دسترس نبودن همیشگی، مصرف آنها با کاستی‌هایی همراه بود. نسل جدید باتری‌های لیتیوم-یونی اما این امکان را می‌دهند که بیش از ۸ ساعت انرژی تجدیدپذیر در آنها ذخیره بماند تا تقاضا در بازه‌های زمانی پرمصرف پاسخ داده شود. تکامل باتری‌های لیتیومی تا حد زیادی می‌تواند وابستگی به سوخت‌های فسیلی رو کاهش دهد. در حال حاضر استفاده از خودروهای برقی هر روز مخاطبان بیشتری پیدا می‌کند و شرکت‌هایی مانند تسلا در حال نوآوری‌های در زمینه‌ی ساخت این نوع باتری‌ها هستند تا این خودروها را تبدیل به رقبای سرسختی برای خودروهای بنزینی کنند.

پیشرفت تکنولوژی با وجود مزایای آن، منتقدان بسیاری نیز دارد. کسانی که تکنولوژی را عامل و مسبب اصلی بسیاری از بیماری‌های مدرن، کشتارهای جمعی، انزوا و نارسایی‌های ژنتیکی می‌دانند. با وجود این اما همانطور که نیر ایال، مشاور معروف شرکت‌های فناوری ساکن سیلیکون‌ولی و نویسنده کتاب‌های پرفروشی مانند به قلاب افتاده ذکر می‌کند، ایراد کار الزما در تکنولوژی نیست، تکنولوژی می‌تواند بسیار مفید باشد. ایراد کار در استفاده از آن است که به درون هر انسان برمی‌گردد.





استارتاپ های حوزه انرژی



محسن تابش - انرژی بان
مدیرکلینیک جامع انرژی ایران
www.ClinicEnergy.com

استارتاپ فی سی (FiCi) - تولید انرژی الکتریکی با پنجره های شفاف

پنجره های شفاف با قابلیت تولید انرژی الکتریکی از طریق سلول های خورشیدی (پاور ویندوز) یک فناوری جدیدی بوده که توسط استارتاپ فی سی بنیانگذاری شده است. فردیناند گراپ پرهاوس، مدیرعامل استارتاپ فی سی چنین می گوید: املاک تجاری بزرگ، انرژی بسیار زیادی مصرف می کنند. اگر شما بخواهید این ساختمان ها را به سلول های خورشیدی مجهز کنید، فضای پشت بام آن ها پاسخگو نیست؛ لذا استفاده کردن از نمای خارجی ساختمان به طور قابل توجهی به تولید انرژی مستقل در این ساختمان کمک خواهد کرد. در لبه های این پنجره ها از سلولهای خورشیدی استفاده شده است که در یک زاویه ی خاص قرار گرفته اند؛ این ویژگی به سلول ها این امکان می دهد که نور خورشید عبوری از پنجره را برای تولید انرژی الکتریکی استفاده کنند. به گزارش گراپ پرهاوس، این پنجره ها می توانند بین ۸ تا ۱۰ وات انرژی تولید کرده و به کاربر این امکان را بدهند که با انرژی به دست آمده از هر مترمربع، یک گوشی را دو بار در روز شارژ کند. این پنجره ها برای اولین بار در مرکز اصلی رابوبانک، بزرگترین بانک هلند، مورد استفاده قرار گرفتند. در این پروژه از ۳۰ متر مربع از پاور ویندوزها استفاده شد. اولین پروژه در مقیاس بزرگ توسط این شرکت نیز با تجهیز ۱۸۰۰ متر مربع از ساختمان بزرگ و تازه تأسیس مجتمع مسکونی بولدتاور در آمستردام به پاور ویندوز صورت گرفت. گراپ پرهاوس در این باره می گوید: هزینه ی سیم کشی برای انتقال انرژی الکتریکی به چنین پنجره هایی، در ساختمان های تجاری مستقل قابل توجه است و سرمایه گذاری در پنجره های تولیدکننده

در ۱۴ ژوئن منتشر شد و شامل شرکت های توسعه دهنده فناوری های مختلف مانند هوش مصنوعی، راه حل های امنیتی- سایبری و بیوتکنولوژی می باشد.

استارتاپ اسکریمز (Screems) - نوآوری مپس (MAPS) جهت جلوگیری از انتشار گازهای گلخانه ای

این شرکت با نوآوری بسیار عجیب خود بنام MAPS (Major Appliance Power Station)، یک فناوری کاملاً تجدیدپذیر و جدید را بوجود آورده است. MAPS دستگاهی با توانایی تولید برق در مقیاس میکرو بوده و قابلیت نصب در خانه ها و یا شرکت های کوچک و متوسط (SME) را دارد. اصول کاری سیستم های مپس تولید شده توسط این شرکت هلندی، بر اساس موتور استرلینگ است. در واقع می توان گفت که سیستم مپس یک Micro-CHP (تولید همزمان برق و حرارت) است که برپایه موتور استرلینگ بدون پیستون همراه با یک پک باتری هیبرید و ماژول انتخابی فتوولتائیک کار می کند. در این

با استفاده از باتری های جدید لیتیوم یونی با چگالی بالا، در

خودروهای الکتریکی، تنها با یک بار شارژ کردن می توان مسیری

۱۰۰۰ کیلومتری (۶۲۱ مایل) را طی کرد که این مقدار در مقایسه با

باتری های لیتیوم یونی موجود در بازار، افزایش قابل توجهی را نشان

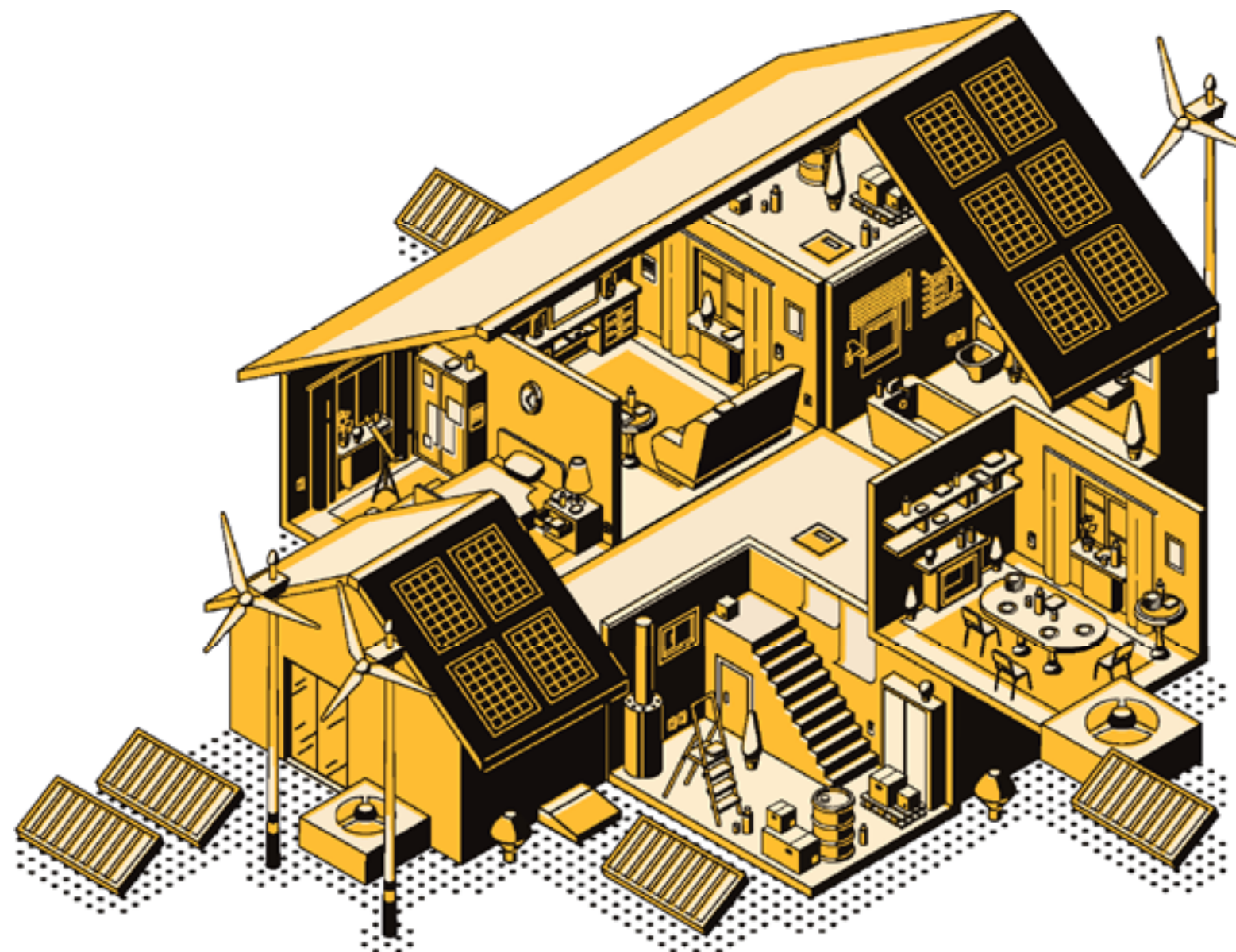
سیستم پدیده ای که منجر به تولید انرژی می شود، بنام tSP می باشد. این نوعی از انرژی پتانسیل است که توسط شرکت اسکریمز به شکل نوع جدیدی از انرژی تجدیدپذیر کشف شده است. پس در دستگاه مپس الکتریسیته لازم برای لوازم خانگی، تجهیزات برقی و الکترونیکی، حرارت لازم برای گرم کردن آب، رایانه و شارژ کردن خودروی برقی از چرخش یک ژنراتور با استفاده از انرژی جنبشی تولید شده در این دستگاه، تامین می شود. از جمله مزیت های بسیار مهم محصول تولیدی شرکت اسکریمز، همانطور که در معرفی اهداف این شرکت نیز بیان شد، تاثیر فوق العاده آن در جلوگیری از انتشار دی اکسید کربن می باشد. از دیگر مزیت های سیستم مپس در تولید انرژی الکتریسیته، هزینه پایین برق تولیدی است. در واقع مپس انرژی برق را از خانه با قیمت ۸ سنت به ازای هر کیلو وات ساعت تولید می کند. این در حالی است که قیمت برق در اتحادیه اروپا بطور میانگین ۲۰ سنت و در آمریکا ۱۳ سنت می باشد. شرکت اسکریمز، تجهیزات مپس را بصورت رایگان و بدون هزینه خرید، نصب، تعمیر و نگهداری و یا سرویس به مشتریان خود عرضه می کند. ولی الکتریسیته تولید شده را به مبلغ ۸ سنت به ازای هر کیلو وات ساعت می فروشد که این یک پیشنهاد و فرصت جذاب و مقرون به صرفه برای مشتری می باشد.



☑ استار تاپ سولار گپس (Solar Gaps) – کاهش میزان مصرف برق با تولید پرده های خورشیدی هوشمند

شرکت سولار گپس جهت برطرف ساختن مشکل نبود پشت بام جهت نصب پنل های خورشیدی، اقدام به تولید پرده های خورشیدی هوشمند کرده است. این پرده هوشمند به گونه ای طراحی شده است که در طول روز و بصورت خودکار، انرژی خورشیدی را در خود ذخیره کند و با تبدیل آن به انرژی الکتریکی، نیروی لازم برای دستگاه های الکترونیک داخل خانه را تأمین می کند. این شرکت که در اوکراین واقع شده است، چنین ادعا دارد که انرژی به دسته آمده از این پرده هوشمند قادر به کاهش میزان مصرف برق در خانه ها، به طور میانگین تا ۷۰ درصد می باشد. این پرده در طول روز متناسب با چرخش خورشید حرکت می کند تا بتواند حداکثر انرژی خورشیدی را دریافت کند. یک متر مربع از آن با در اختیار داشتن تابش خورشید می تواند صد وات انرژی الکتریسیته تولید کند. به عبارتی یک پنجره استاندارد به اندازه ۲ متر، انرژی لازم برای شارژ یک لپ تاپ را تأمین می کند. شرکت سولار گپس چنین پیش بینی کرده است که با مجهز شدن سازمان های بزرگ به پرده های خورشیدی هوشمند، می توان به طور کامل انرژی مورد نیاز آن را از طریق خورشید تولید کرد. عملکرد پرده های خورشیدی هوشمند بدین صورت بوده که با نصب آن در بخش بیرونی

پنجره های شیشه ای، بخش ویژه آن که در قسمت داخلی پنجره قرار می گیرد، انرژی خورشیدی را به انرژی الکتریسیته تبدیل می کند. سپس این انرژی به دست آمده به راحتی به دستگاه های الکتریکی انتقال داده می شود. این انرژی همچنین می تواند در باتری های ویژه پرده هوشمند ذخیره شود تا در زمان مورد نیاز، مورد استفاده قرار گیرد. در حقیقت پرده هوشمند با یک ورودی شارژی عرضه می شود تا بتوان از انرژی به دست آمده توسط آن در دستگاه های الکترونیک مختلف استفاده کرد. پرده هوشمند ساخت شرکت سولار گپس همچنین دارای یک اپلیکیشن ویژه تلفن همراه هوشمند می باشد. این اپلیکیشن کنترل این پرده



هوشمند خورشیدی را برای افراد خانه آسان می کند. از جمله ویژگی های بسیار مفید این اپلیکیشن، مطلع شدن از مقدار انرژی ذخیره شده در مخزن های پرده، بستن پرده در زمان هایی که به پرده نیازی نبوده و تنظیم حرکت خودکار آن با تابش خورشید جهت دریافت بیشترین میزان انرژی اشاره کرد . این پرده هوشمند همچنین توسط Google home و آمازون نیز قابل کنترل می باشد.

☑ استار تاپ اینولیس (Innolith) – دستیابی به فناوری جدید در باتری خودرو های الکتریکی

استار تاپ اینولیس قصد دارد تا که با استفاده از باتری های جدید لیتیوم یونی با چگالی بالا، به راهکارهایی مناسب جهت بهبود عملکرد، افزایش طول عمر توسعه باتری های قابل استفاده در خودروها دست پیدا کند. این شرکت با ادعای تولید اولین باتری ۱۰۰۰ وات بر کیلوگرم قابل شارژ در جهان، بر آن است تا پیشرفت بزرگی را در باتری های قابل استفاده در خودرو های الکتریکی ایجاد نماید. لازم به ذکر است که با استفاده از این باتری ها در خودرو های الکتریکی، تنها با یک بار شارژ کردن می توان مسیری ۱۰۰۰ کیلومتری (۶۲۱ مایل) را طی کرد که این مقدار در مقایسه با باتری های لیتیوم یونی موجود در بازار، افزایش قابل توجهی را نشان می دهد. اهمیت این موضوع از این جهت است که جدیداً تسلا در مدل ۳ خود، از سلول های ۲۱۷۰ با چگالی انرژی حدود ۲۵۰ وات بر کیلوگرم استفاده کرده و در تلاش است تا این مقدار را به ۳۳۰ وات بر کیلوگرم برساند. از طرفی دیگر، وزارت انرژی آمریکا نیز در جهت توسعه و بهبود باتری های خودرو های الکتریکی، سعی بر آن دارد که چگالی انرژی آنها را به ۵۰۰ وات بر کیلوگرم برساند. لذا با این اوصاف، چنین مشاهده می شود که در

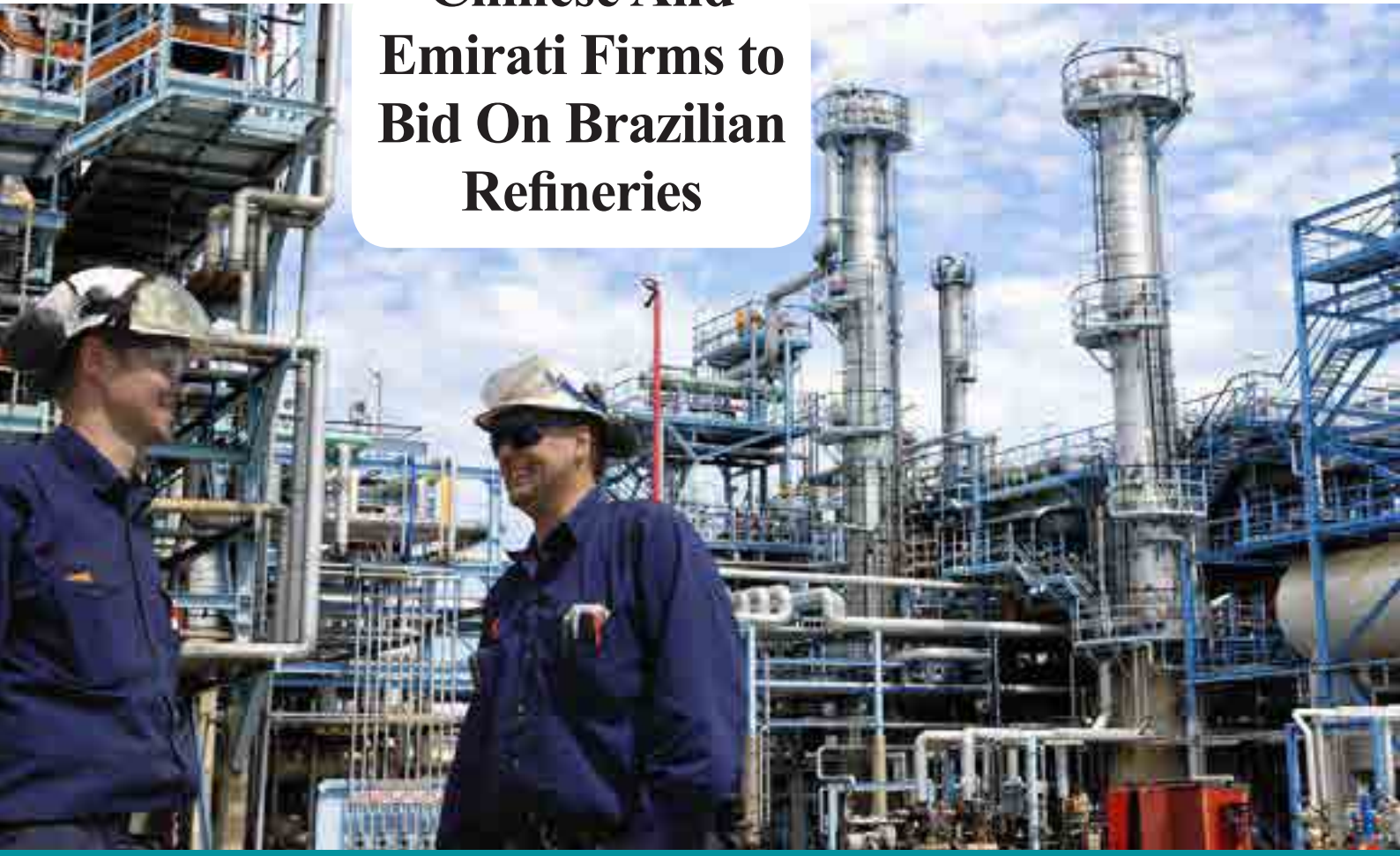
صورت درست بودن ادعای اینولیس، انقلاب بزرگی در خودرو های الکتریکی ایجاد خواهد شد. مدیر ارشد اینولیس ” آلن گرینشیلد“ در این باره چنین اعلام داشته است: تولید باتری هایی با چگالی انرژی ۴ برابر نمونه های فعلی موجود در بازار، ۳ برابر توسعه های جدید باتری های فعلی و ۲ برابر هدف تعیین شده از سوی وزارت انرژی آمریکا نشان دهنده یک جهش بزرگ بوده و میتواند معامله بزرگی را رقم بزند. در حال حاضر، اینولیس در تلاش است تا ایده خود را در آلمان به تولید آزمایشی رسانده و پس از آن، با صدور مجوز بهره برداری از فناوری به شرکت های تولید کننده باتری و خودروسازان بزرگ، آن را ارتقا دهد. روند توسعه و تجاری سازی این فناوری را می توان در حدود ۳ تا ۵ سال برآورد کرد. به گفته گرینشیلد، کشور هند را می توان یکی از مقصدهای احتمالی این محصول در نظر گرفت.

کاربران با استار تاپ وی پاور می توانند با استفاده از ارز دیجیتال خود در برنامه های تامین کننده مستقل انرژی سهام دار شده و قیمت های انرژی را پایش کنند و سبد انرژی خود را مستقل از پیش بینی ها تطبیق داده و تنوع بخشند

☑ استار تاپ وی پاور (WePower) – کاربرد بلاک چین در انرژی های تجدید پذیر

وی پاور اقدام به راه اندازی پلتفرم بلاک چین در شبکه انرژی های تجدید پذیر کشور استونی کرده است. این استار تاپ با به کارگیری فناوری بلاکچین این امکان را فراهم آورده است که افراد بتوانند با استفاده از ارز دیجیتال خود در برنامه های تامین کننده مستقل انرژی سهام دار شده و قیمت های انرژی را پایش کنند و سبد انرژی خود را مستقل از پیش بینی ها تطبیق داده و تنوع بخشند. بلاک چین و انرژی های تجدید پذیر دو عامل بسیار مهم در تامین انرژی جهان بشمار می آیند. لذا با پیوند این دو عامل با هم و فراهم ساختن بستری جهت فروش انرژی از طرف تولید کنندگان کوچک انرژی پاک و برقراری شبکه های برق غیر متمرکز و ارزان تر، افراد زیادی می توانند با پیوستن به این پلتفرم به برق دسترسی پیدا کنند. استار تاپ وی پاور با دریافت نتایج خوبی از کشور استونی، قصد دارد تا فعالیت خود را در خارج از مرزهای این کشور گسترش دهد. چشم اندازی که وی پاور در نظر دارد، کشور استرالیاست. زیرا کشور استرالیا دارای بازار انرژی است که شرکت های محلی فعالی در آن به سرعت در حال پیشرفت می باشند.

Chinese And Emirati Firms to Bid On Brazilian Refineries



China's oil giant Sinopec, Abu Dhabi's Mubadala Investment Company and two Brazilian firms including a joint venture of Shell, have been picked to submit binding bids for four refineries that Brazil's state-oil firm Petrobras is selling, Reuters reported on Friday, citing people familiar with the sale process.

In late April, Petrobras approved the sale of eight refineries as part of its divestment plan.

The eight refineries have a combined capacity of 1.1 million bpd, and all eight sales could generate as much as US\$18 billion, according to bankers involved in the privatization.

Petrobras launched the binding phase of the sale of four refineries out of eight that it has earmarked for

divestment.

The four refineries in the this first binding phase are RNESt in Pernambuco state with a processing capacity of 130,000 bpd; RLAM in the state of Bahia with capacity of 333,000 bpd; REPAR in the Paraná state with capacity of 208,000 bpd; and REFAP in the state of Rio Grande do Sul, also with 208,000-bpd capacity. Brazilian companies Ultrapar and Raízen—Shell's joint venture—are likely to bid for RE-FAP, REPAR, and RNESt, while Sinopec and Mubadala could bid for RLAM, Reuters' sources said. Brazil's competition regulator CADE has made Petrobras change its divestment process so that one company could not buy the two

largest refineries in a single region of the country. In August, reports emerged that the world's top commodity traders along with several oil majors are among the bidders for the eight refineries that the Brazilian government wants to privatize. Glencore, Trafigura, and Vitol are all among the bidders, and so are Chinese CNPC and Sinopec, as well as Saudi Aramco, which has been working on building its downstream footprint internationally, Reuters reported. According to Reuters' sources, Aramco has dropped out of the bidding, while Glencore and Vitol are in talks to form consortia with the four companies approved to go through the binding phase of the sale of the four refineries.

In its last report before the December meeting, OPEC estimates that demand for its crude oil next year will drop by 1.1 million bpd from 2019, and will be below the cartel's production for October, suggesting that the OPEC crude supply-demand picture will continue to show oversupply in 2020.

OPEC sees demand for its crude oil at 29.6 million bpd for 2020, which is around 1.1 million bpd lower than the expected average demand for 2019, the organization said in its closely watched Monthly Oil Market Report.

This year's demand for OPEC crude is seen at 30.7 million bpd, or 900,000 bpd lower than demand for OPEC's oil in 2018.

The expected demand for OPEC crude in 2020 is still 70,000 bpd below the cartel's overall production for October, so OPEC may have to consider in early December cutting even more production if it has any hope of bringing demand and supply for its oil into balance.

Such a decision, however, may be tough to make because deeper cuts will hand more share of the market to the growing supply of non-OPEC oil, mostly from the United States.

While figures suggest an oversupply in OPEC's oil demand-supply, the cartel appears to be making a case against deeper cuts as its outlook for next year sounds a bit more bullish than previously decisively pessimistic forecasts.

First, unlike in most of the reports in recent months, OPEC did not revise down global oil demand growth estimates this time. Second, the cartel

slightly revised down its estimates for non-OPEC oil supply growth by 36,000 bpd to 2.17 million bpd, mostly due to a 33,000-bpd downward revision for the U.S. American supply growth is now seen at 1.5 million bpd next year.

Finally, commenting on the global economic growth, a key gauge of what to expect from oil demand growth, OPEC said in its report today:

"On a positive note, signs of improving trade relations between the US and China, a potential agreement on Brexit after the UK's general election, fiscal stimulus in Japan, and a stabilisation of the downward slope in major emerging economies could stabilize growth at the current forecast level."

The Bullish Surprise In OPEC's Latest Report



Spot prices for natural gas fell sharply as forecasts for warm weather spooked traders who were hoping for increased demand heading into what is normally cold season in the United States.

Natural gas prices were trading down 7.52% on Friday afternoon at \$2.313. And the loss wasn't just on Friday. Natural gas prices started out at \$2.738 on Sunday - a loss of 15.5% for the week.

It's typical this time of year for natural gas inventories to start to draw down as cold weather sets in, but the National Weather Service is calling for likely above-average tempera-

tures in most of the country over the next 6-12 days, and traders fear that not enough of a drawdown will be realized, continuing the glut and therefore lower natural gas prices.

As a result of what some see as moderately warmer weather in the short term, US demand is expected to increase only to 104.7 Bcf/d over the same timeframe, compared with US natural gas production that is expected to hover around 92.7 Bcf/d—a 6% increase over year-ago levels, according to S&P Global Platts.

Forecasts aside, the EIA has estimated that total natural gas use

actually fell 5% compared to the previous week, with natural gas use for power consumption declining even more, by 7%. Exports of natural gas to Mexico was flat week on week.

But the net withdrawal from working gas for the week ending November 15 - the latest data available from the EIA - totaled 94 Bcf, which brings the total working natural gas stocks to 3,683 Bcf. this is 16% more than a year ago.

Natural gas prices are down sharply year on year, with prices as of November 30, 2018, sitting at \$4.339, a loss of \$2.026 or 47% y/y.

Natural Gas Prices Crash On Warm Weather Warnings



US Refiners Reduce Crude Processing For First time Since 2009

Refineries across the United States have reduced their total crude oil processing so far in 2019, as demand for oil products both in America and abroad has weakened, according to EIA data compiled by Reuters market analyst John Kemp.

Year to date, U.S. refiners' crude processing has declined for the first time since the 2008-2009 crisis.

Faced with weaker demand at home and weakening demand abroad, and amid a fuel glut in Asia, refiners in the U.S. have processed lower volumes of crude oil so far this year. the cutting of rates has helped refiners avoid a fuel glut domestically, but lower processing rates have built an oversupply in crude, Kemp notes.

The inventory builds have been weighing on crude oil prices.

But at the same time, crude builds have supported refining margins, Kemp argues.

According to EIA's latest weekly inventory report, in the week to November 15, the utilization rate at U.S. refineries stood at 89.5 percent. this compares with utilization of 92.7 percent for the same week last year and with 91.3 percent for the week to November 17 two years ago.

The cumulative daily average crude oil input to refineries has been 16.593 million barrels of oil (bpd) so far this year. this is down from last year's

cumulative daily average crude oil input of 16.908 million bpd, or a 1.9 percent decline year on year, EIA's data shows.

Some of the decline in crude oil input into refineries could be attributed to the shutdown of the Philadelphia Energy Solutions refinery complex with a total refining capacity of 335,000 bpd, which was the largest such complex on the Eastern seaboard, before several explosions and a huge fire damaged the complex in June this year.

But processing rates in other U.S. PAD districts have also dropped so far this year—by 1.6 percent on the Gulf Coast and by 2.2 percent on the West Coast, according to EIA data compiled by Kemp.

The world's most heavily traded commodity has been charged with climate change and found guilty both in the court of public opinion and in climate science circles, with governments, non-profits, and other groups competing over who can shout "climate emergency" the loudest.

Climate change is a real and present danger, but with all the noise around the topic it has become easier than ever to forget that despite the negative side effects of the industry, crude oil has actually improved human life exponentially—in more ways than we can count.

☐ We live longer

Call it ironic, what with all the pollution-related diseases humankind now suffers, but oil and, more precisely, the petrochemicals and plastics industry, has extended our life expectancy.

Improved sanitization is one of the main reasons for the rise in average life expectancy in the United States since 1900. this means more and better detergents, sterilization, and better personal hygiene. these three things have one thing in common: crude oil derivatives. Detergents are made from oil derivatives. Single-use plastic products and materials in medical care ensure sterility when it is needed. Soaps and shampoos are also made from oil derivatives. One would have a difficult time finding a cleaning product that has no trace of oil in it whatsoever, at least an affordable cleaning product. Cost is a large part of why oil has become the indispensable commodity it is. Single-use syringes, for instance, are not just safer than the steel ones of olden days, which had to be sterilized by boiling. they are also cheaper, which has made them so immensely popular among medical professionals.

☐ We are healthier

A wholesome diet is an indispensable part of a healthy life. Crude oil—and the fuels made from it—are in turn an indispensable part of the process that provides hundreds of millions of people with the opportunity for this healthier life.

Eating locally is certainly a commendable choice, but it's worth noting that it is a choice usually made by either one of two groups of people: those wealthy enough to afford the normally higher prices of local producers and those too poor to afford anything but what is produced in the vicinity, sometimes as part of a barter economy.

But the United States currently imports more than half the fruit it consumes and a third of the fresh vegetables. While there are many reasons for this, one of the drivers of food globalization is—you guessed it—cheap transportation. And now these fruits and vegetables can reach more people.

☐ Everything is more affordable

Millions if not billions of goods, including food, machinery, and consumer goods, are transported from one point to another across the globe on a daily basis. the portion that is transported by sea is more than 90%, according to the International Maritime Organisation, which adds that maritime freight transport is "by far the most cost-effective way to move en masse goods and raw materials around the world."

What this means is that maritime transport is the cheapest way to move goods around. this, in turn, keeps their prices lower for the end-consumer, which means a household of average means can afford a lot more than their great grandparents could, thanks to oil, because the world's container ship and freight fleet is overwhelmingly powered by oil-derived fuels.

☐ We can fight climate change in a connected world

In another ironic twist—or, confirming the observation that evil always carries the seeds to its own destruction—without oil there would have been no digital revolution, no social networks and, consequently, no social network-driven movements against climate

change. Put simply, if there was no oil, nobody would have heard about Greta thunberg; not because there wouldn't have been a problem for her to talk about, but because there would have been no social networks for her to spread her message.

The thing many people often forget is that neither the electricity, nor the materials used to make computers, servers, and associated communications networks, appear out of thin air. the materials have to be mined, processed, and assembled. the supply chain involves a lot of fuel, electricity and, let's not be shy about it, plastics.

The same is true of renewable energy. Wind turbines, for instance, are made of metal that is mined—with most of the equipment powered by oil-derived fuels—processed (at high temperatures currently only achievable with fossil fuels at cost), and impregnated against corrosion, with oil-containing chemical coatings. Solar panels are also far from fossil-fuel free during the manufacturing process.

Oil is like democracy from the famous quote attributed to Churchill in that it's is not the best source of energy, what with all the emissions and plastic waste it leaves behind, but it's the best we have at the moment. Oil has fuelled the rise—or decline, depending on viewpoint—of human civilization from the industrial to the post-industrial age and for all its problems, it has done at least as much good as it has bad on a global, life-improving scale.

Four Ways Oil Has Made Our Lives Better



Oil Prices Are Going Nowhere Next Year

Uncertainty over global economic and oil demand growth will continue to weigh on oil prices next year as the oversupply in the market will likely persist, the monthly Reuters poll of economists and analysts showed.

According to 42 experts, Brent Crude will average US\$62.50 per barrel in 2020, just slightly up from last month's poll by Reuters, in which analysts predicted an average price of US\$62.38 for the international benchmark next year.

The economists expect Wti Crude to average US\$57.30 a barrel next year, also slightly up from last month's US\$56.98 estimate.

At 07:36 a.m. EDT, Wti Crude was down 0.15 percent at US\$58.02 and

Brent Crude was trading down 0.62 percent at US\$62.88. the analysts expect weak demand growth in the first half of 2020 due to weak economic growth. On the other hand, most agree that there is too much oil in the market. Demand growth could be anywhere in the range of 800,000 bpd to 1.4 million bpd, according to the experts surveyed by Reuters. Next year, oil demand growth is expected to pick up from this year's lower growth pace, but oil supply from producers not part of the OPEC+ coalition—such as the United States, Brazil, and Norway—is seen growing faster than the rise in demand, and offset-

ting efforts of the cartel and its allies to rebalance the market. The International Energy Agency (IEA) sees non-OPEC countries adding another 2.3 million bpd to their supply in 2020, while global oil demand growth is expected at 1.2 million bpd. In the Reuters poll a week before the OPEC+ meeting in Vienna, most experts expect OPEC and its non-OPEC partners led by Russia to decide next week to roll over the cuts, but deeper cuts are unlikely, because OPEC's leader Saudi Arabia would not be willing to sacrifice additional market share than it has already done. Russia is expected to continue playing along, but will still be busting its production cap, Caroline Bain, analyst at Capital Economics, told Reuters.



Iraq Is Finally Ready to Solve Its Biggest Oil Problem

The central Iraqi government said it had reached an agreement “in principle” with the government of semi-autonomous Kurdistan on the terms of sharing the oil production of the northern Iraqi province.

The Associated Press reports that the Kurdish government had agreed to deliver 250,000 bpd of crude oil to Baghdad by the start of 2020 and receive in return a bigger portion of the federal Iraqi budget.

According to Iraqi government officials who spoke to the AP, the oil-sharing deal is part of a broader agreement between Baghdad and Erbil that the two have been discussing for months amid growing protests in some parts of Iraq. Despite the protests, the two sides are making progress, the sources who wished to remain unnamed said. Some topics yet to be agreed on in-

clude revenue sharing, military co-operation, and perhaps the hottest issue, territory.

Kurdistan is home to some of the biggest oil fields in Iraq, around the city of Kirkuk. the fields around Kirkuk, as well as the city itself, were until the fall of 2017 under the control of the Kurdish government, although the area was not officially part of the Kurdistan region. However, after the ill-fated independence referendum, which led to a strong reaction from Baghdad, the central Iraqi authorities regained control of the oil fields that account for a sizeable portion of Iraq's oil total.

Around 300,000 bpd of crude oil previously pumped and exported in the Kirkuk province to the Turkish port of Ceyhan were shut in when the Iraqi federal govern-

ment moved in October 2017 to take control over the oil fields in Kirkuk from Kurdish forces after the semi-autonomous region held a referendum that Baghdad didn't recognize.

Bilateral relations remained tense until the elections in Iraq, which brought into office Prime Minister Adel Abdul-Mahdi. the Kurdish government considers Abdul-Mahdi friendlier to their interests than his predecessor.

“The deal was struck because the Kurds see Adel as a partner they can trust,” one of the AP sources said. there may have been a sense of urgency on the part of the Kurds because of this, since the protests, which have so far claimed more than 300 lives, have escalated to calls for the resignation of the Prime Minister.



Why OPEC Should Worry About Russia's Latest Oilfield

Russia's largest oil company, Rosneft, has started domestic crude oil deliveries from one of the country's biggest oilfields, the Russkoye field in the Arctic, just days before Russia and OPEC are set to sit down to discuss their ongoing production cuts, increasing the leverage of the non-OPEC powerhouse.

First oil from the field in the Yamal Peninsula has been sent via an oil pipeline, Rosneft said in a statement, adding that it hopes to deliver up 10 million tons of oil per year, or 200,000 bpd, from the field.

Rosneft has delayed the launch of the field due to Russia's commitment to restrict oil production as part of the pact with OPEC to rebalance the market.

The start-up of the oilfield in the Arctic comes just a week before Russia and OPEC are scheduled to meet in Vienna next week to discuss how the OPEC+ group should proceed with their oil market-managing efforts next year.

The current crude production cut agreement expires in March 2020, and apprehension has started to build ahead of the OPEC+ meeting on December 5 and 6. The market expects the group to come up with a decision next week—either to roll over the cuts, or to deepen them—otherwise analysts expect a sell-off in oil. While OPEC's de facto leader, Saudi Arabia, desperately needs higher oil prices ahead of Aramco's IPO, Russian companies, including the biggest, Rosneft and Lukoil, have been criticizing the OPEC+ deal, arguing that the cuts give more market share to U.S. shale and hinder Russian firms' produc-

tion expansion plans.

Russia has not expressed yet any official views on the production cuts, as it has done ahead of every OPEC+ meeting over the past two years. But Russian President Vladimir Putin said last week that Moscow and OPEC have "a common goal" to keep the oil market balanced, and that Russia would continue to cooperate with the cartel to keep the market stable.

Russian Energy Minister Alexander Novak said last week that Russia needs to discuss with its OPEC partners the exclusion of gas condensate from Russia's cap under the pact, as condensate isn't exported, while it is included in Russia's oil production statistics.

Oil Prices Fall As EIA Reports Crude, Gasoline And Distillate Build

Crude oil prices fell lower today after the Energy Information Administration reported a crude oil inventory increase of 1.6 million barrels for the week to November 22. The build in gasoline stockpiles, however, was larger—and distillate fuels booked a rise as well.

Analysts had expected a decline of about 350,000 barrels, after last week the EIA reported an inventory build of 1.4 million barrels. Despite the build, however, prices trended higher that day on renewed optimism about U.S.-Chinese relations. Crude oil inventories are now 3 percent above the upper limit of the average for this time of the year, the EIA said.

The EIA also reported a sizeable 5.1-million-barrel build in gasoline

stockpiles, with production averaging 10.1 million bpd last week. This compares with a 1.8-million-barrel increase in gasoline inventories a week earlier, with production averaging 10.1 million bpd.

In distillate fuels, the EIA reported an inventory increase of 700,000 barrels, compared with a decline of 2.5 million barrels a week earlier. Distillate fuel production last week averaged 5.1 million bpd, almost unchanged on the previous week. Refineries processed 16.3 million barrels daily last week, the EIA said, slightly down from 16.4 million bpd a week earlier.

This week has been mixed for Brent crude and West Texas Intermediate. While both benchmarks began the week with dips, they had recouped

some of their losses by Tuesday, strengthened by reports that OPEC had set the date—Tuesday, December 3—for its meeting to discuss next steps in the production cuts it agreed last December. There have also been reports that these cuts may be extended to end-June 2020. The rally ended abruptly, however, later in the day, when the American Petroleum Institute reported an unexpected crude oil inventory increase of 3.64 million barrels, which pushed oil lower.

At the time of writing, Brent crude was trading at \$63.17 per barrel, down by a third of a percent from the opening of trade and West Texas Intermediate was trading at \$58.28 a barrel, also down from opening.



Is this the Best Place In the World For Energy Investors?



BP's 2019 energy outlook projects that big things are in store for India's energy sector. the country's energy demand is set to balloon by 156 percent by 2040, at which point BP has projected that the sub-continent will account for a whopping 11 percent of global energy consumption--double its current share.

BP's biggest takeaways for India's role in the future of our global energy landscape are :

- India accounts for more than a quarter of net global primary energy demand growth between 2017-2040.

- 42 percent of this new energy demand is met through coal, meaning CO2 emissions roughly double by 2040.

- Gas production grows but fails to keep pace with demand, implying a significant growth in gas imports.

All this goes to say that India

needs to be proactive about securing a greater and more diversified energy supply in the face of a demand that is not only going to grow, but is going to grow by a huge margin at a time that clean energy alternatives and cutting carbon emissions have never been more important. So

far, however, India has been looking to ramp up their energy sector at all levels, including intensive investment in fossil fuels.

Last year India achieved the distinction of being the third-largest importer of crude oil in the world, coming in just behind the United States and China. "Of late, few countries are being as proactive as India when it comes to courting foreign investment in the oil and gas sector," reports Forbes. "It isn't hard to guess why, as the Indian economy is largely driven by imported oil to the tune of over 80 percent of its headline requirements." the report, titled "India Seeks Global Petrodollars to Cope With Burgeoning Energy Demand through 2035" goes on to expand on this argument with the assertion that "with the consumption of petroleum products expected to grow at a compounded annual growth rate of ~5 percent to 2035, and Prime Minister Narendra Modi's commitment to reduce energy import requirements below 70 percent of headline demand, the strategy appears to be one of being loud and proud in courting petrodollars."

This strategy was notably on display at the Abu Dhabi International Petroleum Exhibition and Conference (ADIPEC) 2019, where India was well-represented, with Oil Minister Dharmendra Pradhan heading a pavilion housing "nine of the country's oil and gas companies from the upstream, midstream, downstream and engineering segments, along with Federation of Indian Petroleum Industry (FIPI), India Directorate General of Hydrocarbons (DGH) and Confederation of Indian Industry (CII)." Pradhan used this platform to tell the reporters gathered at the event that "India will be a driver of global energy demand in coming decades. there is no better place to invest if you are in the business of energy. More so, as we are working to make India a more natural gas-based economy." Later, in his keynote speech, Pradhan went on to say that India will need to secure around \$100 billion of foreign investment in its oil and gas sector (including pipelines, gas terminals, and other infrastructure for transport and refining) by 2024.

At the same time that it courts petrodollars, however, India is also busy at work developing other energy sectors, both clean and carbon-intensive. this is extremely important on a global scale, as the route India will choose to take and which sectors they continue to invest in hold major implications for the planet as a whole. In a Reuters op-ed titled "China, India are both the problem and solution for coal, climate change," columnist Clyde Russell writes that "in practical terms, the future of coal is largely in the hands of just two countries, China and India, which currently account for 60.2 percent of global electricity generated by the polluting fuel, according to data from the Institute for Energy Economics and Financial Analysis (IEEFA)." India may be appealing for petro-dollars now, but we can only hope that this is not the nation's primary energy strategy.

beyond
the best
KUMHO POLYCHEM

تمایز شده رسمی
افزایش دهنده های ویسکوزیته
شرکت Kumho Polychem کره



تأمین کننده رسمی روغن های پایه
شرکت های شل



شرکت گونش شیمی صنعت

شرکت گونش شیمی صنعت

وارد کننده و تامین کننده

مولد افزودنی

روغن موتور و روان کننده های صنعتی



۰۲۶ ۹۵۰۰۴۲۲۳-۶	+98 26 95004223-6
۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۸۶	+98 26 34239686-9
۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۸۸-۹	+98 26 34239693
۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۹۳	+98 26 34239693
۰۲۱ ۴۳۸۵۹۴۶۱	+98 21 43859461

www.gunashchem.com
info@gunashchem.com

نشانی: کرج، مهرشهر، منطقه ویژه اقتصادی پیام، بلوار شهید بابایی، خیابان هشتم
Head Office: 8th Street, Sabaei Blvd, Payam Special Economic Zone, Alborz province